



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوة
والتسلیمة

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

پیام

عاشقانه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیام عاشورا

نویسنده:

محمد صادق نجمی

ناشر چاپی:

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	پیام عاشورا
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه دفتر
۷	مقدمه مؤلف
۹	معرفی اهل بیت (ع) و بنی امیه در پیام امام حسین (ع)
۹	اشاره
۱۰	۱ - معرفی اهل بیت (ع)
۱۰	۲ - معرفی حسین بن علی (ع)
۱۱	۳ - معرفی بنی امیه
۱۳	۴ - معرفی معاویه
۱۳	۵ - معرفی یزید
۱۴	۶ - نکوهش مردم کوفه در پیام امام حسین (ع)
۱۵	۷ - پیام مقاومت
۱۸	۸ - دعوت به صبر و پایداری
۲۰	۹ - امر به معروف و نهی از منکر در پیام حسین بن علی (ع)
۲۰	اینک بخش اول
۲۰	الف - اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی
۲۱	ب - نکوهش سستی کنندگان در امر به معروف و نهی از منکر
۲۳	ج - امر به معروف و نهی از منکر، عنصر اصلی و عامل مهم در قیام حسین بن علی (ع)
۲۴	۱۰ - نماز در پیام امام
۲۵	۱۱ - سه پیام تهدیدآمیز
۲۷	۱۲ - پیام شجاعت

- ۱۳ - پیام انتخاب ۲۸
- ۱۴ - پیام اتمام حجت ۲۹
- اشاره ۲۹
- خطبه اول ۳۰
- خطبه دوم ۳۲
- ۱۵ - اتمام حجت خصوصی ۳۴
- ۱۶ - پیام استمداد ۳۵
- ۱۷ - پیام انتقام ۳۵
- ۱۸ - پیام شهادت ۳۶
- ۱۹ - پیام پیروزی ۳۸
- ۲۰ - دعا و نفرین در پیام امام ۴۰
- توضیح ۴۰
- سه نفرین به یک مناسبت ۴۳
- نفرینهای شخصی ۴۳
- پی نوشتها ۴۴
- تا ۸۹ ۴۴
- ۱۶۸ تا ۹۰ ۴۵
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۴۷

پیام عاشورا

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسین بن علی (ع)، امام سوم ۴ - ۶۱ق عنوان و نام پدیدآور: پیام عاشورا: (حاوی بیش از ۱۶۰ پیام از حسین بن علی ع / تالیف محمدصادق نجمی مشخصات نشر: قم جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی ۱۳۷۷. مشخصات ظاهری: ۱۳۶ص. فروست: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ۴۷۳ شابک: ۲۸۰۰-۹۶۴-۴۷۰-۲۲۹-۸ وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: کتابنامه ص [۱۳۵] - ۱۳۶ موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق -- احادیث موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ق -- کلمات قصار موضوع: واقعه کربلا، ق ۶۱ شناسه افزوده: نجمی، محمدصادق، ۱۳۱۵ - گردآورنده شناسه افزوده: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی رده بندی کنگره: BP۴۱/۷/ن۳پ۹ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳ شماره کتابشناسی ملی: م۷۷-۱۰۹۶۱

مقدمه دفتر

(عاشورا) واژه ای است خاطره انگیز که پیوسته، فداکاری، شجاعت، جوانمردی، ایستادگی در برابر بیدادگری، پیروی از رهبر اسلامی و حمایت از دین را به همراه دارد. (عاشورا) نشانگر حرکت آغاز شده از سوی آدم (علیه السلام) است که وارث او پرچمداریش را به عهده گرفته و در راه آن، جان باخته است. (عاشورا) آینه تمام نمای فریاد (هیئات منا الذلّه) امام حسین (علیه السلام) است که هیچ سنگی توان شکستن آن را ندارد. (عاشورا) خورشید فروزانی است که ابرهای تیره و تار ستم، هرگز توان پنهان ساختن آن را ندارند. کلام آخر اینکه: (عاشورا)، پیام آور انقلاب سرخ علوی است که تا ستم و ستم پیشه در جهان وجود دارد، هرگز از جوش و خروش باز نمی ایستد. کتابی که اکنون در دست شما خواننده گرامی است، بیان چندین پیام از پیام های عاشورا است که توسط مؤلف محترم آن به رشته تحریر درآمده، بدان امید که مشعل فروزان شام سیاه انسانها قرار گیرد. این دفتر، پس از بررسی، ویرایش و اصلاح، آن را به زیور چاپ آراسته و در اختیار حق جویان قرار می دهد و جز خشنودی خداوند بزرگ، هدفی را پی نمی گیرد. در خاتمه تذکر چند نکته ضروری است: ۱- از آنجا که این کتاب، سخنان امام حسین (علیه السلام) را به منابع فراوان مستند ساخته و پیداست که همه آنها یکسان نبوده و با یکدیگر اختلاف دارند لذا واحد تحقیق و بررسی سعی نموده مدارک خطبه های متن را با یک منبع تطبیق داده و همان را نخستین مدرک قرار دهد و منابع دیگر را به دنبال آن ذکر نماید. ۲- کوشش شده منبعی انتخاب شود که متن کتاب با آن همخوانی داشته باشد. ۳- از خوانندگان محترم تقاضا داریم هرگونه انتقاد یا پیشنهادی دارند، به آدرس: قم - صندوق پستی ۷۴۹ - دفتر انتشارات اسلامی - بخش فارسی، ارسال دارند. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

مقدمه مؤلف

انگیزه تنظیم کتاب با کیفیت موجود این است که: از شهادت حسین بن علی (علیه السلام) تا به امروز که نزدیک به چهارده قرن می گذرد، کتابها و تالیفات بی شماری درباره شخصیت و بیان عظمت قیام و ابعاد مظلومیت آن حضرت، تالیف گردیده، مقالات بی حد، نگارش یافته و سخنرانیها بی شماری ایراد شده، است و این وضع، با روندی بیشتر، ادامه دارد و درباره هیچکس جز سالار شهیدان، این همه تالیفات و مقالات و سخنرانی سابقه ندارد، (۱) و هر نویسنده و گوینده در حد اخلاص خود، مثاب و

ماء‌جور خواهد بود. آنچه قابل ذکر است اینکه محتوای بعضی از این تالیفات و سخنرانیها را جنبه تاریخی عاشورا و ابعاد ظلم و ستمی که بر فرزند پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خاندانش وارد شده تشکیل می دهد و جنبه های تحلیلی قیام عاشورا و اهداف این حرکت تاریخی، کمتر مورد توجه قرار می گیرد. و گاهی نیز این حادثه عظیم تنها از جنبه خاص و از زاویه محدودی تجزیه و تحلیل می گردد و یا انگیزه های فرعی با عوامل اصلی، درهم آمیخته و مسائل فرعی، جایگزین اهداف اصلی در این قیام معرفی می شود. برای تکمیل این بحث و جلوگیری از خلط انگیزه های اصلی و فرعی در قیام حسین بن علی (علیهما السلام) به نظر رسید نامه ها و خطبه های آن حضرت را از بدو حرکت از مدینه تا هنگام شهادتش، از منابع معتبر و با ترتیب زمانی و با توضیحات لازم، در یک مجموعه گرد آوریم تا راهی برای تفسیر و تحلیل قیام آن بزرگوار، بر اساس گفتار آن حضرت باشد. امید است این اقدام، مورد استقبال طیف عظیمی از خطباء، گویندگان و نویسندگان قرار می گیرد. باید دانست آن چنان شخصیت حسین بن علی (علیه السلام) از لحاظ شجاعت، فداکاری و مظلومیت در میان جامعه مطرح است، هیچ یک از مدافعان حق و حقیقت و شهدای راه فضیلت، در این حد مطرح نیستند. تشکیل هیأت‌های عزاداری و مجالس سوگواری، سرودن اشعار و مراثی، گریه کردن و نوحه سرایی، اظهار حزن و اندوه و ابراز تاءثر و تأسف در حدی که در مصیبت حضرت سیدالشهداء، انجام می گیرد و این اظهار ارادت که به آستان مقدس آن حضرت، با تاریخ اسلام عجین گردیده است، درباره هیچ یک از رجال آسمانی و پیشوایان مذهبی سابقه ندارد؛ همانگونه که خود حضرت فرمود: انا قاتل العبرة یذکرنی مؤمن الابی؛ من کشته اشکم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر اینکه می گیرد. (۲) لذا حسین (علیه السلام) یک چهره شناخته شده تاریخ است و همه مسلمانان جهان و حتی افراد بیگانه از اسلام با نام عزیز حسین (علیه السلام) آشنا هستند و همه عزاداران و نه تنها نام زیبای او را می شناسند بلکه می دانند که او بسط رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و فرزند علی مرتضی (علیه السلام) و فاطمه زهراست. و می دانند که او در سوم شعبان سال چهارم هجرت، متولد و در عاشورای سال ۶۱ در کربلا به شهادت رسید و قبر مطهر او در قتلگاهش، زیارتگاه شیعیانش می باشد. - همگان نام برادران، خواهران و فرزندان او را می دانند و از واقعه شهادت جانگداز او آگاهند. - می دانند شماره یاران او در کربلا - چند نفر بودند و ماجرای شهادت و اسارت آنان چه بوده است. آری، همه عزاداران آن حضرت با این مطالب و مطالب دیگر درباره شهادت او آشنا هستند و آنها را می دانند. ولی آیا همه عزاداران او فلسفه قیام و شهادتش را می دانند؟ آیا همه کسانی که بر او اشک می ریزند، با پیام او آشنا هستند و یا در اشعار و مراثی و در مراسم عزاداری در حالی که سیل اشک بر رخسارها جاری است و بیانگر حرکت سیل ارادت و عواطف به آستان مقدس (فرزند رسول خدا) (صلی الله علیه و آله) است، اهداف والا و مقدس آن حضرت هم متجلی و متبلور است. و همه جملاتی که به صورت شعر، شعار و ذکر مصیبت بر زبانها جاری است، می تواند زبانحال واقعی و گویای آن حقیقت باشد که حسین (علیه السلام) و یارانش فدای آن گردیدند؟ یا بیشتر آنها برخاسته از عواطف گویندگان و بیانگر فکر و اندیشه آنان است که به عنوان زبانحال امام حسین (علیه السلام) و ایده و اندیشه او ارائه می گردد؟ آیا همه عزاداران و خطباء و گویندگان ما به این واقعیت می اندیشند که تاریخ از دید قصه و بیان حوادث، گر چه تنها یک (یزید) دارد که لحظاتی از تاریخ یک قومی و ایامی از روزهای مردمی را اشغال کرد و جنایاتی آفرید و گذاشت و گذشت، اما از دیدگاه صحیح و درست تاریخ، عناصری زنده و فعال در میان اقوام و ملل مختلف در تمام دور آنها و لحظات تاریخ وجود دارد که می تواند مستمرا یزید آفرین باشد و این عناصر، هیچگاه عقیم نیستند و اگر جامعه ما رو نداشت، بلکه از وجود چنین یزیدی غافل بود. از شناخت حسین روز هم غافل بود، در عزای حسین (علیه السلام) کوتاهی نداشت در حالی که در نظامی زندگی می کرد که همه برنامه اش ضد حسین ضد مکتب حسین بود. تسلط دشمنان حسین (علیه السلام) آنچنان عمیق بود که تصمیم داشت هر چه رنگ و بوی اسلام دارد، از میان بردارد و اگر شناخت صحیح از حسین و یزید زمانه وجود داشت، بایستی از مدتها قبل و نه در سال ۵۷، انقلاب صورت بگیرد. و اگر امام خمینی (قدس سره) نبود، نه حسین زمان شناخته می شد و نه یزید زمان. از اصل

موضوع، دور شدیم. سخن در اینجا بود که بخش مهمی از اشعار، مراثی، شعارها و نوحه‌ها هماهنگی کامل با فکر و اندیشه امام (علیه السلام) و قیام او ندارد و پیام عاشورا در آنها کم رنگ است و یا اصلاً مشهود نیست. و یکی از علل آن، عدم درک صحیح از واقعه عاشورا و قیام حسین بن علی (علیهما السلام) است؛ زیرا یک شاعر و گوینده هر چه توانا و گویا و ارتباط او با آنچه توصیف می‌کند، نزدیک باشد، باز هم از ترسیم واقعیت آن عاجز و از بیان حقیقت آن ناتوان خواهد بود، آن هم در یک حادثه عظیم تاریخی مانند حادثه عاشورا و قیام اباعبدالله الحسین، با گذشت بیش از چهارده قرن و با ابعاد و جنبه‌های متعددی که بر آن حاکم بوده که حقا تجزیه و تحلیل صحیح آن برای افراد عادی، مشکل و یا غیر ممکن است. مگر اینکه ترسیم این هدف و ابلاغ این پیام از خود حسین بن علی (علیه السلام) باشد و این واقعیت را از کلام خود او دریابیم، بر این اساس، تصمیم گرفتیم از سخنان و گفتارهای آن حضرت، فرازها و فقرات کوتاه که دارای جنبه عاشوراست، در اختیار ارادتمندان آن حضرت از شعرا، مداحان، نوحه سرایان و عزاداران قرار بگیرد تا تدریجا این مفاهیم عالی و ارزشمند، جایگزین مطالب احيانا تکراری و بعضی اشعار کم محتوا گردیده و پیام دلنشین عاشورا که سراپا درس عشق و شهادت و درس دشمن شناسی و ثبات و استقامت در مبارزه با اوست، گسترش یابد، همانگونه که در نظام اسلامی، بر مسؤل ولین ذیربط است که در حذف مطالب و حرکات بی مفهوم و گسترش پیام واقعی عاشورا، تلاش و هدایت بیشتری را بر عهده بگیرند. آری، چه کلامی بالاتر و شیرین تر از کلام حسین بن علی (علیه السلام)؟! و چه شعاری گویاتر و کوبنده تر از شعار او؟! و چه پیامی جاودانه تر و سازنده تر از پیام او؟! برای تاءمین این منظور، تا آنجا که امکان داشت، پیامهای موجود آن حضرت را به تناسب موضوعات، گردآوری و نقل نمودیم و بعضی از پیامها که دارای دو جنبه بوده، مکرر نقل گردیده است که مجموعاً ۱۶۳ پیام در بیست و سه موضوع مختلف، محتوای این جزوه را تشکیل می‌دهد. و ثواب آن را به روح پدر و مادر عزیزم که ارادت به خاندان عصمت را به عمق جانم در آمیخته اند، تقدیم می‌دارم. اللهم تقبله بمنک و کرمک. محمد صادق نجمی آذر ماه ۱۳۷۵.

معرفی اهل بیت (ع) و بنی امیه در پیام امام حسین (ع)

اشاره

حسین بن علی (علیه السلام) در فرازهایی از سخنانش، اهل بیت پیامبر (صل الله علیه و آله) و شخص خویش و همچنین بنی امیه را عموماً و از میان آنان (معاویه بن ابی سفیان و یزید بن معاویه) را خصوصاً معرفی نموده است که یکی از آثار و ابعاد مهم این معرفی این است که جهانیان متوجه این نکته باشند و این حقیقت را از زبان فرزند رسول خدا (صل الله علیه و آله) دریابند که انگیزه جنگ و نزاع در میان این دو خاندان و عامل اصلی پدیدآورنده واقعه عاشورا و حادثه کربلا یک انگیزه و عامل شخصی و مادی و یا مقطعی نبوده است بلکه این اختلاف دارای ریشه عمیق و برخاسته از طرز تفکر دینی و اعتقادی این دو خاندان بوده است که از دوران بعثت پیامبر اسلام در دو جبهه مخالف و با دو هدف متضاد در مقابل هم قرار گرفته بودند. الف - خاندان پیامبر (ص) در این خاندان، وحی و نبوت، دعوت به توحید و یگانه پرستی و هدایت جامعه به وسیله شخص رسول خدا (صل الله علیه و آله) تحقق یافت و نگهداری این هدف بزرگ، از زیارت و نقصان و از دست برد بیگانگان نیز باید به وسیله عترت او تحقق یابد. ب - بنی امیه این خاندان همیشه رقیب و مخالف سرسخت پیامبر (صل الله علیه و آله) بود و تا فتح مکه و یاءس کامل مشرکین، در حال جنگ با اسلام و قرآن بوده و در جنگ بدر، احد و احزاب، نه تنها پرچم کفر به دوش ابوسفیان و معاویه قرار داشت، بلکه در بعضی از این جنگها، (هند) همسر ابوسفیان نیز به عنوان تقویت روحی و حمایت معنوی از سپاهیان شرک، به همراه آنان در میدان جنگ حضور می‌یافت. ولی پس از پیروزی اسلام در (جزیره العرب) که برای آنان تظاهر به شرک و جنگ علنی وجود

نداشت، این کفر به نفاق مبدل گردید و ظاهرا اسلام را پذیرفتند، اما در باطن امر و در عمل، همان دشمنی و کینه گذشته با اسلام و قرآن را تعقیب نمودند و آنگاه که معاویه به قدرت رسید، در کنار این نفاق، ظلم و ستم بر مسلمانان واقعی را به حد اعلی رسانیده و پیروان امیر مؤمنان (علیه السلام) را به زنجیر کشید و اینک نوبت به فرزند او یزید فاسق رسیده است. آری، حسین بن علی (علیه السلام) در لابلای پیامها و گفتارهایش، هم از اهل بیت سخن گفته و هم خودش را معرفی نموده است و هم فساد بنی امیه و دشمنی آنان با اسلام و همچنین ظلم معاویه و فساد و انحراف یزید را برملا ساخته است. اینک پیامهای آن حضرت را به ترتیبی که اشاره نمودیم به صورت چند بخش مستقل می آوریم:

۱- معرفی اهل بیت (ع)

۱/۱- انا اهل بیت النبوة و معدن الرسالة و مختلف الملائكة و مهبط الرحمة بنا فتح الله و بنا ختم. (۳) ((امیر!)) مایم خاندان نبوت و معدن رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و محل نزول رحمت الهی. خداوند، دین و آیین خود (اسلام) را از خاندان ما شروع کرده، و آن را با خاندان ما ختم خواهد نمود. حسین بن علی (علیه السلام) این جملات را در پاسخ (ولید بن عقبه) استاندار مدینه ایراد فرمود، آنگاه که او جریان مرگ معاویه را مطرح کرده و پیشنهاد نمود که آن حضرت طبق دستور (یزید بن معاویه) با وی بیعت نماید. ۲/۱- و نحن اهل بیت محمد (صل الله علیه و آله) اولی بولایه هذا الاءمر من هؤلاء المدعین ما لیس لهم و السائرین بالجور و العدوان (۴) (تنها ما خاندان محمد به حکومت و رهبری جامعه، شایسته و سزاواریم نه اینان (بنی امیه) که به ناحق مدعی این مقام هستند و همیشه راه ظلم و فساد و راه دشمنی (با دین خدا) را در پیش گرفته اند). این جملات بخشی از خطبه حسین بن علی (علیه السلام) است که در منزل (شراف) پس از نماز عصر به حاضرین از اصحاب خویش و سپاهیان (حربن یزید ریاحی) ایراد فرمود. ۳/۱- اللهم انی احمدک علی ان اکرمتنا بالنبوة و علمتنا القرآن و فقهتنا فی الدین و جعلت لنا اسماعا و ابصارا و افئدة و لم تجعلنا من المشرکین (۵). (خدایا! سپاسگزار تو هستم که بر خاندان ما نبوت را کرامت بخشیدی و قرآن را بر ما آموختی و ما را با آیینت آشنا نمودی و بر ما گوش (حق شنو) و چشم (حق بین) و قلب روشن عطا فرمودی. و سپاسگزار تو می باشم که ما را از گروه مشرک قرار ندادی). این جملات هم بخشی از خطبه آن حضرت است که در (شب عاشورا) برای اهل بیت باوفا و یاران با صفایش ایراد فرموده است. ۴/۱- اللهم انا اهل بیت نبیک و ذریته و قرابته فاقصم من ظلمنا و غضبناک حقنا انک سمیع قریب. (۶) (خدایا! ما خاندان پیامبر تو و فرزندان و قوم و عشیره او هستیم، کسانی را که بر ما ستم نمودند و حق ما را غضب کردند، ذلیل کن، تو که بر دعای بندگانت شنوا و بر آنان از همه نزدیکتر هستی). امام، این جمله را که مشتمل بر دعا و نفرین است، در روز عاشورا آنگاه ایراد فرمود که در طی سخنرانی مفصل، مردم کوفه را نصیحت و موعظه نمود، ولی مواعظ و نصایح فرزند پیامبر (صل الله علیه و آله) در دلهای سخت تر از سنگ آن مردم مؤثر واقع نگردید؛ زیرا آنان از شنیدن کلام امامی که به حق سخن می گوید اءبا و امتناع داشتند و خود را آماده جنگ و رسیدن به زخارف دنیا کرده بودند. ۵/۱- و کنا اهله و اولیاءه و اوصیائه و ورثه و احق الناس بمقامه فی الناس... و نحن نعلم انا احق بذلک الحق المستحق علینا ممن تولاه (۷) (و ما خاندان پیامبر و اولیا و اوصیای او و وارثان بحق و شایسته ترین افراد نسبت به مقام او، در میان امت هستیم... و ما می دانیم که شایسته این حق (حکومت) بودیم نه کسانی که آن را به ناحق به دست گرفتند). این دو جمله فرازهایی از نامه حسین بن علی (علیه السلام) است که از مکه به سران مردم بصره نگاشته اند، ما متن مشروح این نامه را در کتاب (سخنان حسین بن علی (علیه السلام)) نقل نموده ایم.

۲- معرفی حسین بن علی (ع)

۱/۲- السلام علیک یا رسول الله انا الحسین بن فاطمة فرخک و ابن فرختک و سبطک الذی خلقتنی فی امتک (۸) (سلام بر تو یا

رسول الله! من حسین، فرزند فاطمه و پرورش یافته آغوش تو و آغوش دخترت هستم که برای هدایت جامعه، جانشین خود قرار داده ای). این جمله از فرازهای اولین زیارتی است که حسین بن علی (علیه السلام) پس از آنکه تصمیم گرفت از مدینه به سوی مکه حرکت کند، قبر جدش رسول خدا را زیارت و در موضوع مهمی که به عنوان وظیفه مبارزه با یزید بر او متوجه گردیده است، از آن حضرت استمداد کند. ۲/۲ - اللهم هذا قبر نبيك محمد (صل الله عليه و آله) و انا ابن بنت نبيك و قد حضرنى من الامر ما قد علمت (۹). (خدایا! این قبر پیامبر تو محمد است و من فرزند دختر پیامبر تو هستم اینکه برای من امری رخ داده است که خودت از آن آگاهی). و این فراز از زیارت دوم آن حضرت، در آستانه حرکت از مدینه می باشد. ۳/۲ - فانا الحسين بن علي و ابن فاطمة بنت رسول الله... (۱۰) ((مردم!) من حسین فرزند علی و فرزند فاطمه، دختر پیامبر خدا هستم). این معرفی، جزء فرازهایی از سخنرانی آن حضرت در منزل (بیضه) (۱۱) است که متن مشروح آن در کتاب (سخنان حسین بن علی) آورده ایم. ۴/۲ - ایها الناس! انسابونی من انا، ثم ارجعوا الی انفسکم و عاتبوها، وانظروا اهل یحل قتلی و انتهاک حرمتی، الست ابن بنت نبيکم وابن وصیه و ابن عمه و اول المؤمنین بالله و المصدق لرسوله بما جاء من عند ربه، اولیس حمزة سیدالشهداء عم ابی؟ اولیس جعفر الطیار عمی، اولم یبلغکم قول رسول الله لی و لاخی: هذان سید شباب اهل الجنة...؟ (۱۲) (ای مردم! نسب مرا بگوئید که من چه کسی هستم، پس به خود آید و خویشان را ملامت کنید و ببینید آیا کشتن من و درهم شکستن حرمت حریم من برای شما روا و جایز است؟ و آیا من فرزند دختر پیامبر شما نیستم؟ و آیا من فرزند وصی و پسر عم پیامبر شما و فرزند اولین کسی که ایمان آورد، نیستم؟ و آیا من فرزند اولین کسی که رسالت پیامبر را تصدیق نمود، نیستم؟ آیا حمزه سیدالشهداء عموی پدر من نیست؟ آیا جعفر طیار عموی من نیست؟ آیا گفتار رسول خدا را شنیده اید که درباره من و برادرم فرمود: این دو، سرور جوانان بهشتند...). ۵/۲ - افشکون انی این بنت نبيکم، فوالله ما بین المشرق و المغرب ابن بنت نبی غیرى فيکم ولا- فی غیرکم (۱۳) (ای مردم! آیا در این واقعیت شک دارید که من فرزند دختر پیامبر شما هستم؟ به خدا سوگند! نه در میان مشرق و مغرب و نه در میان شما و غیر شما، فرزند پیامبری بجز من وجود ندارد). این دو فراز، از جمله فرازهای اولین سخنرانی مشروح حسین بن علی (علیه السلام) است که در روز عاشورا ایراد فرموده است. ۶/۲ - فلعمری ما الامام الا العامل بالکتاب و الآخذ بالقسط و الداین بالحق و الحابس نفسه علی ذات الله (۱۴) (به جانم سوگند! امام به حق و پیشوای راستین کسی است که به کتاب خدا عمل کند و راه عدل را پیشه خود سازد و ملازم حق بوده و وجود خویش را وقف و فدای فرمان خدا کند). این جمله را حسین بن علی (علیه السلام) در ضمن نامه ای که در پاسخ نامه ها درخواستهای مکرر مردم کوفه نگاشت و به وسیله مسلم بن عقیل ارسال داشت، مرقوم فرموده است و در ضمن، خودش را با این اوصاف معرفی نموده است. ۷/۲ - امام دعا الی هدی فاءجابوا الیه، و امام دعا الی ضلاله فاءجابوا الیها، هو لاء فی الجنة و هو لاء فی النار (۱۵) (امام، رهبری هست که مردم را به راه درست و به سوی سعادت و خوشبختی می خواند و گروهی بدو پاسخ مثبت می دهند و از او پیروی می کنند و پیشوا و رهبر دیگری هم هست که به سوی ضلالت و بدبختی می خواند، گروهی هم از وی پیروی می کنند، آنان در بهشتند و اینان در دوزخ). امام (علیه السلام) این جمله را در منزل (ثعلبیه) در پاسخ شخصی فرمود که تفسیر این آیه شریفه را سؤال نمود: (یوم ندعوا کل اناس بامامهم...) (۱۶) توضیح: باید توجه داشت گرچه پاسخ در این دو فراز اخیر، کلی است و در آنها شرایط رهبر واقعی که عمل کردن به دستورهای قرآن و اجرای قسط و عدالت در جامعه و فدا شدن در راه خدا مطرح گردیده و همچنین از دو نوع پیشوا؛ پیشوای هدایت و پیشوای ضلالت، سخن رفته است ولی در شرایط آن روز، مصداق این امام و رهبر با چنین شرایط و کسی که در مقابله پیشوایان ضلالت، رهبری صحیح جامعه را به عهده بگیرد بجز آن حضرت نبوده است و این دو فراز، در واقع معرفی حسین بن علی (علیه السلام) است با بیان کلی.

به طوری که در صفحات گذشته اشاره نمودیم، عدالت و دشمنی (بنی امیه) با خاندان پیامبر صل علیه و آله و سلم عمیق و ریشه دار بوده و منحصر به دوران پیامبر و صدر اسلام نبود، بلکه آنگاه که این خانواده به حکومت دست یافت و معاویه به قدرت رسید، این دشمنی را به صورت شدیدتر و با محاسبه دقیق تر اجرا نمود؛ زیرا اینک نه رسول خدا صل علیه و آله و سلم در حیات است و نه مانند گذشته جنگ و مبارزه با ظواهر اسلام صحیح است و لذا باید این عداوت را به اهل بیت پیامبر و حامیان واقعی اسلام متوجه و در جانشینان به حق رسول الله متمرکز سازند و این در شرایطی است که اکثر مردم از حقیقت امر، بی اطلاع و توده جامعه به ظواهر امر، دلبسته اند و از درک حقایق غافلند، در اینجا است که حسین بن علی علیه السلام با بیان عمق دشمنی بنی امیه و تکرار آن در مناسبت‌های مختلف، خواسته است گوشه ای از این واقعیت را ابراز کند و پرده از افکار پلید و عقاید خطرناک و تحریف در دین که به وسیله امویان به وجود آمده است، کنار بزند و آتش کینه و عداوت آنان در نسبت به اهل بیت که شعله آن با هیچ عاملی بجز ریختن خون فرزندان پیامبر، فرو نخواهد نشست و در اجرای دشمنی خود با اهل بیت به کمتر از قتل حسین علیه السلام و یارانش و اسارت فرزندانش راضی نخواهد گردید، بر ملا سازد. ولی مهم این است که بدانیم چون این عداوت، ریشه فکری - اعتقادی دارد، لذا منحصر به دوران پیامبر صل علیه و آله و سلم و ائمه نیست بلکه در هر زمان و عصری، بنی امیه هایی وجود دارند که با اسلام و مسلمین در جنگ و ستیز هستند و به عقیده خود تا اسلام را سرکوب و تا مسلمانان را از صحنه خارج نکنند و آنان را به زنجیر ذلت نکشند، خواب راحت به چشمشان نخواهد رفت. بنی امیه پیروان شیطان ۱ / ۳ - ان هولاء قد لزموا طاعة الشيطان، و ترکوا طاعة الرحمن، و اظهروا الفساد، و عطلوا الحدود، و استاثروا بالفیء و احلوا حرام الله و حرموا حلاله ... (۱۷) (و اینان (بنی امیه) اطاعت خدا را ترک و اطاعت شیطان را بر خود فرض نموده اند. فساد را ترویج و حدود و قوانین الهی را تعطیل کرده اند. بیت المال را بر خود اختصاص داده اند. حرام خدا را حلال و حلال او حرام کرده اند). این جملات، در معرض بنی امیه فرازهایی از سخنرانی حسین بن علی علیه السلام است که در (منزل بیضه) خطاب به یاران خود و سپاهیان (حر بن یزید ریاحی) ایراد فرمود. بنی امیه دشمنان مسلمانان و اهل بیت (ع) ۲/۳ - و حششتم علینا نار الفتن التي جناها عدوكم و عوننا، فاصبحتم الباعلی اولیائکم، و یدا علیهم لاعدائکم (۱۸) (و شما (مردم کوفه) آتش فتنه ای را که (بنی امیه) دشمن شما و دشمن ما برافروخته بود، بر علیه ما شعله ور ساختید و به حمایت از دشمنان بر علیه پیشوایان فتنه بر پا نمودید). این جمله، از فرازهای دومین سخنرانی حسین بن علی علیه السلام در روز عاشورا است. ۳ / ۳ - یا ابا هریم! ان امیه شتموا عرضی فصبرت، و اخذوا مالی فصبرت، و طلبوا دمی فهربت، و ایم الله لیتقوا نی فیلبسههم الله ذلاً شاملاً و سیفا قاطعاً (۱۹) (ای ابا هریم! بنی امیه با فحاشی و ناسزاگویی، احترام مرا در هم شکستند، صبر و سکوت اختیار نمودم، ثروتم را از دست گرفتند، باز شکیبایی کردم و چون خواستند خونم را بریزند، شهر و دیار خویش را ترک نمودم. و به خدا سوگند! همان بنی امیه مرا خواهند کشت و خداوند آنها را به ذلتی فراگیر و شمشیری بران مبتلا خواهد نمود). این جمله را امام علیه السلام در (منزل رهیمه) در پاسخ به نام (ابوهریم) فرمود، آنگاه که سؤال کرد یابن رسول الله! چه عاملی شما را واداشت که از حرم جدتان خارج شوید؟ ۴ / ۳ - یا ابن العم!... و الله لا یدعونی حتی یستخرجوا هذه العلقه من جوفی (۲۰) (پسر عم! به خدا سوگند! بنی امیه دست از من بر نمی دارد مگر اینکه خون مرا بریزند). امام این جمله را در ضمن پاسخ به (عبدالله بن عباس) که مخالف سفر آن حضرت به عراق بود، ایراد فرمود. ۵/۳ - کانی باوصالی تقطعها عسلان الفوات بین النواویس و کربلا فیملان منی اکراشا جوفاً و اجریه سغبا (۲۱) (گویا می بینم که درندگان بیابانها (پیروان بنی امیه) در سرزمینی در میان نواویس و کربلا، اعضای بدن مرا قطعه قطعه و شکمهای گرسنه خود را سیروانهای خود را پر می کنند). امام علیه السلام این جمله را در ضمن خطبه ای در شب هشتم ذیحجه سال شصت در مکه ایراد فرمود و صبح همان روز به سوی عراق حرکت نمود. ۶/۳ - و ایم الله! لو کنت فی ثقب جحر هامة من هذه الهوام لا- ستخر جونی حتی یقضوا فی حاجتهم ... (۲۲) (بخدا سوگند! اگر در آشیانه پرنده ای هم باشم، (بنی امیه) مرا بیرون خواهند کشید تا با کشتن من به خواسته خود نایل گردند). حسین

بن علی علیه السلام این جمله را در پاسخ (عبدالله بن زبیر) در مکه فرمود که او باطن به خارج شدن آن حضرت از مکه راضی و خوشحال بود، ولی در ظاهر امر، پیشنهاد اقامت در مکه و گاهی وعده کمک و مساعدت هم می داد!! ۷ / ۳ - ان هواء اخفونی و هذه كتب اهل الكوفة و هم قاتلی (۲۳) (از طرفی اینان (بنی امیه) مرا تهدید و تخویف نمودند و از طرف دیگر، اهل کوفه این همه دعوتنامه برای من فرستادند و همین مردم کوفه هستند که (به دستور بنی امیه) مرا به قتل خواهند رسانید). این جمله، بخشی از پاسخ حسین بن علی علیه السلام است به سؤال شخصی که در مسیر عراق با آن حضرت ملاقات کرده و سؤال نمود یابن رسول الله! پدر و مادر فدای تو باد! چه انگیزه ای شما را از شهر و دیار خود به این بیابان بی آب و علف کشانده است؟ ۸ / ۳ - یا عبدالله!... و الله لاید عونى حتى يستخرجوا هذه العلقه من جوفى. (۲۴) (ای بنده خدا! بنی امیه دست از من بر نمی دارند تا اینکه خون مرا بریزند). این جمله را نیز آن حضرت در منزل (بطن عقبه) در نزدیکی کربلا در پاسخ شخصی به نام (عمرو بن لودان) فرمود؛ زیرا وی که در این منزل به قافله آن حضرت ملحق شده بود سؤال کرد ابن رسول الله مقصد شما کجاست در پاسخ وی جمله بالا را ایراد فرمود. ۹ / ۳ - ... و تفرقوا فی سوادکم و مدائنکم، فان القوم انما یطلبونى، و لو اصابونى لذهلوا عن طلب غیرى. (۲۵) (... و هر یک از شما به شهر و دیار خویش متفرق شوید، زیرا اینان تنها در تعقیب من هستند و اگر بر من دست یابند، کاری با دیگران ندارند). امام علیه السلام این جمله را در شب عاشورا و در ضمن سخنرانی خود، خطاب به یاران خویش ایراد فرمود.

۴ - معرفی معاویه

۱ / ۴ - اما بعد، فان هذا الطاعة قد فعل بنا و بشیعتنا ما قد رايتم و علمتم و شهدتم. (شما حاضرین از شخصیت‌های اسلامی) از جنایاتی که معاویه این جبار طاغیه نسبت به ما شیعیان ما روا داشته، آگاهید و شاهد ستمگریهای او هستید). توضیح: این فراز و سه فراز آینده از فرمایشات حسین بن علی علیه السلام در معرفی معاویه و حکومت جابرانه و ظالمانه او و ترسیم اجمالی از وضع شیعیان اهل بیت و مظلومیت آنان در دوران حکومت معاویه، بخشهای مختلف از خطبه حسین بن علی علیه السلام در سرزمین منی است. ۲ / ۴ - فیا عجباً! و مالی لا اجد و الارض من غاش غشوم و متصدق ظلوم و عامل علی المومنین بهم غیر رحیم (شگفتا! و چرا شگفت زده نباشیم در حالی که جامعه در تصرف مرد دغلباز و ستمکاری (چون معاویه) است که مامورین مالیاتیش ستم می ورزند و استانداران و فرماندارانش بر مومنان بی رحم و خشن هستند). ۳ / ۴ - فمن بین مستعبد مقهور و بین مستضعف علی معیسته مغلوب، یتقلبون فی الملک باراتهم، و یستشعرون الخزی باهوائهم، اقتداء بالآل شرار و جزاء علی الجبار (گروهی از مومنان) در حکومت او) مانند بردگانی هستند سرکوفته و گروه دیگر، بیچارگانی که سرگرم تاءمین آب و نانشان در حالی که حاکمان دست نشانده او، در منجلاب فساد حکومت و سلطه گری خویش غوطه ورنند و با هوسبازیهای خویش، رسوایی به بار می آورند، زیرا از چنان اشراری پیروی نموده و در برابر خدا گستاخی می کنند). ۴ / ۴ - فالارض لهم شاعرة، و ایدیهم فیها مبسوطه، و الناس لهم خول، لا یدفعون ید لأمس، فمن بین جبار عنید و ذی سطوة علی الضعفة شدید مطاع لا یعرف المبدء المعید (۲۶) (زمین در زیر پایشان است و دستشان به هر جنایتی باز است. مردم برده آنان هستند و قدرت دفاع از خود را ندارند. در یک بخش از کشور اسلامی، حاکمی است دیکتاتور و کینه ورز و خود خواه و حاکمی است که بیچارگان را می کوبد و بر آنان قلدری و سخت گیری می کند و در نقطه دیگر، فرمانروایی است که نه خدا را می شناسد و نه روز جزا را).

۵ - معرفی یزید

۱ / ۵ - فاسترجع الحسین و قال علی الاسلام السلام اذا بلیت الامه براع مثل یزید، و لقد سمعت جدی رسول الله (ص) یقول: الخلافة محرمة علی آل سفیان، فاذا رايتم معاویه علی منبری فابقروا بطنه، و قد رآه اهل المدینة علی المنبر فلم یبقروا فابتلاهم الله

بیزید الفاسق . (۲۷) (امام حسین ع) فرمود: ما از خدا هستیم و به سوی او بر می گردیم ، اینک باید فاتحه اسلام را خواند؛ زیرا امت به یک فرمانروایی فاسد مانند یزید مبتلا شده اند، آری ، من از جدم رسول خدا صل الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمود: خلافت بر آل ابی سفیان است و اگر روزی معاویه را بر منبر من دیدید پس او را بکشید و چون مردم او را در عرشه منبر رسول خدا دیدند و به قتلش نرسانیدند، خداوند آنان را به بدتر از وی ، یعنی یزید فاسق مبتلا گردانید . این جمله ، پاسخ امام علیه السلام است به (مروان بن حکم) که در مدینه و قبل حرکت آن حضرت به سوی مکه ، پیشنهاد سازش با حکومت اموی و بیعت با یزید را می نمود . ۵ / ۲ - و یزید رجل فاسق شارب الخمر، و قاتل النفس المحرمه ، معطن بالفسق ، و مثلی لا یباع مثله . (۲۸) (و یزید شخصی است فاسق شرابخوار و آدمکش ، متظاهر به فسق و فردی مانند من ، با چنین کسی بیعت نخواهد کرد) . این جمله را هم ، امام در پاسخ (ولید بن عتیقه) فرماندار مدینه فرمود آنگاه که پیشنهاد بیعت با یزید را به آن حضرت ارائه نمود .

۶ - نکوهش مردم کوفه در پیام امام حسین (ع)

حسین بن علی علیه السلام در چند فراز از سخنانش ، مردم کوفه را مورد ملامت و نکوهش قرار داده ، حالت تزلزل و نوسان روحی ، پیمان شکنی و عدم ثبات فکری - عقیدتی آنان را که یکی از عوامل مهم آن ، تغذیه از حرام و استفاده از هدایای غیر مشروع حکام و فرمانداران معاویه بود، مطرح نموده است ، آنگاه به ثمره تلخ و نتیجه خطر ناک این وضع نابسامان عقیدتی آنان اشاره کرده است و آن حمایت بی دریغشان آنان از بنی امیه دشمنان سرسخت اسلام و قرآن و عداوت و دشمنی با امام و رهبرشان و با فرزند پیامبرشان می باشد که با علم و آگاهی و شناختی که از او دارند، به جنگ با وی آماده شده و جنایاتی که در تاریخ بشریت بی سابقه است ، مرتکب گردانیده اند. این درسی است برای همه مسلمانان در طول تاریخ که ممکن است افرادی به همان علل و عواملی که موجب انحراف مردم کوفه گردید، منحرف گردند و در عین ادعای اسلام و پیروی از قرآن ، عملاً در اختیار دشمنان اسلام و حرکتشان در مسیر تحقق اهداف و آرمان آنان باشد و حتی گاهی سکوتشان موجب تقویت جبهه دشمن و تأیید و تثبیت حکومت ناهلادن و بنی امیه های دوران گردد. ۶ / ۱ - و قد اتنتی کتبتکم و قدمت علی رسلکم بیعتکم ، انکم لا تسلّمونی و لا تخذلونی ، فان اتممت علی بیعتکم تصیبوا رشدکم ... و ان لم تفعلوا و نقضتم عهدکم و خلعتم بیعتی من اعناقکم فلعمری ما هی لکم بنکر، لقد فعلتموها بابی و اخی و ابن عمی مسلم ، فالمرغور من اغتربکم ، فحظکم اخطاتم ، و نصیبکم ضیعتم ، و من نکث فانما ینکث علی نفسه ... (و به سیله نامه ها و پیام پیکهائی که به من فرستادید، با من بیعت نمودید و پیمان بستید که در مقابل دشمن ، مرا تنها نخواهید گذاشت و دست از یاریم نخواهید کشید، اینک اگر بر این پیمان وفادار و باقی بودید، به سعادت و ارزش انسانی خود دست یافته اید... و اگر با من پیمان شکنی کنید و بر بیعت خود باقی نمانید، به خدا سوگند! این عمل شما بی سابقه نیست که با پدرم و برادرم و پسر عمویم مسلم هم این چنین رفتار نمودید، پس کسی گول خورده است که به حرف شما اعتماد کند شما مردمانی هستید که در به دست آوردن نصیب اسلامی خود، راه خطا پیموده و سهم خود را به رایگان از دست داده اید و هر کس پیمان شکنی کند، خود متضرر خواهد گردید...). این جملات ، بخشی از سخنرانی حسین بن علی علیه السلام است که در (منزل بیضه) به سپاهیان (حر بن یزید ریاحی) ایراد فرمود. ۶ / ۲ - الناس عیب الدنیا، و الدین لعق السنتم ، یحوظونه ما درت معاشهم ، فاذا محصورا بالبلاء قل الدیانون . (۲۹) (این مردم (مردم کوفه) برده و اسیر دنیا هستند و دین لقلقه زبانشان ، پیروی نمودن آنان از دین تا آنجاست که زندگیشان در رفاه باشد و آنگاه که در بوته امتحان قرار بگیرند، دینداران ، کم خواهند بود) . این فراز، آخرین جمله در خطبه حسین بن علی بن علی علیه السلام است که پس از ورود به کربلا در میان اهل بیت و یاران خویش ایراد فرمود. توضیح اینکه : منظور از (الناس) با قرینه صدر و ذیل خطبه و شرایط موجود، مردم کوفه می باشد و (الف و لام) نه برای (جنس) بلکه برای (عهد خارجی) است . ۶ / ۳ - و اراکم قد اجتمعتم علی امر قد اسخطتم الله فیه علیکم ، و اعرض بوجهه

الکریم عنکم ، و احل بکم نعمته ، فنعلم الرب ربنا ، و بش العیید انتم ، اقرتم بالطاعة و امتتم بالرسول محمد صل الله علیه و آله وسلم ثم انکم زحفتم الی ذریته و عترته تریدون قتلهم ، لقد استحوذ علیکم الشیطان فانساکم ذکر الله العظیم فتبا لکم و لما تریدون ... (۳۰) (می بینم که شما (مردم کوفه) برای امری اجتماع کرده اید که خشم خدا را بر علیه خود برانگیخته اید و موجب اعراض خدا از شما گردیده و غضبش را بر شما فرو فرستاده است . چه نیکوست خدای ما و چه بندگانی هستید شماها که به فرمان خدا گردن نهادید و به پیامبرش ایمان آوردید و سپس گردیده و خدای بزرگ را از یاد شما برده است ، ننگ بر شما بر آنچه اراده کرده اید) . این فراز، بخشی از اولین سخنرانی حسین بن علی علیه السلام در روز عاشورا است که خطاب به سپاهیان عمر سعد، ایراد فرموده است . ۶ / ۴ - و انما ادعوکم الی سبیل الرشاد، فمن اطاعنی کان من المرشدين و من عصانی کان من المهلکین ، و کلکم عاص لامری غیر مستمع لقولی ، قد انزلت عطیاتکم من الحرام و ملئت بطونکم من الحرام فطبع الله علی قلوبکم ، و یلکم الا- تنصتون؟! الا تسمعون؟! (۳۱) (... من شما (مردم کوفه) را به رشد و سعادت فرا می خوانم ، هر کس را من پیروی کند، از رشد یافتگان است و هر کس مخالفت ورزد، از هلاک شدگان است . اینک همه شما سرکشی و عصیان و با دستور من مخالفت می کنید که گفتار مرا نمی شنوید، آری در اثر هدایای حرام که به دست شما رسیده و در اثر غذاهای حرام که شکمهای شما از آنها انباشته شده ، خداوند این چنین بر دلهای شما مهر زده است و ای بر شما! چرا ساکت نمی شوید؟! چرا به سخنانم گوش فرا نمی دهید؟! . و این فراز و دو فراز آینده ، از دومین سخنرانی حسین بن علی علیه السلام در روز عاشورا است ما مشروح این دو سخنرانی را با ذکر منابع ، در (سخنان حسین بن علی علیه السلام) نقل نموده ایم . ۶ / ۵ - فقبحا لکم فانما انتم من طواغیت الامه و شداذ الاحزاب و نبذة الكتاب و نفثه الشیطان و عصبه الاثام و محرفی الكتاب و مطفئی السنن و قتلہ اولاد الانبیاء و مبری عتره الاوصیاء و ملحقی العهار بالنسب و موذی المومنین و صراخ ائمه المستهزئين الذين جعلوا القران عضین . (۳۲) (رویتان سیاه باد! شما از سرکشان امت و از بازماندگان احزاب مشرک هستید که قرآن را به دور انداخته اید و از دماغ شیطان افتاده اید. شما از گروه جنایتکاران و تحریف کنندگان کتاب و خاموش کنندگان سنن هستید که فرزندان پیامبر را می کشید و نسل اوصیا را ریشه کن می کنید. شما پیروان کسانی هستید که زنازادگان را به نسب ملحق کردند و اذیت کنندگان مومنان و فریاد رس پیشوایان استهزا کنندگان می باشید که قرآن را بخشهایی نامفهوم و بی محتوا تصور می کنند) . ۶ / ۶ - اجل و الله ! الخذل فیکم معروف ، و شجت علیه عروقکم ، و توراته اصولکم و فروعکم ، و نبتت علیه قلوبکم ، و غشیت به صدورکم فکنتم اخبث ثمره شجی للناس و اکلہ للغاصب ... (۳۳) (آری ، به خدا سوگند! مکر و فریب ، از صفات بارز شماست که رگ و ریشه شما بر آن استوار و تنه و شاخه شما آن را به ارث برده و دلهایتان با این عادت نکوهیده ، رشد نموده و سینه هایتان با آن مملو گردید، است به آن میوه نامبارک شبیه هستید که در گلوی باغبان رنج دیده اش ، گیر کند، و در کام سارق ستمگر شیرین و گوارا باشد) .

۷ - پیام مقاومت

یکی از مبانی اعتقادی شیعه - در اصل همانند نبوت - برتری امام در همه اوصاف حسنه و فضایل اخلاقی انسانی است . و امام افضل افراد امت و ارجح از همه آحاد مردم باشد؛ زیرا مقدم داشتن (مفضول) و کسانی که از لحاظ فضایل در سطح پایین قرار دارند بر (فاضل) و افراد برجسته و لایق ، عقلا نادرست و بر خلاف نظام اتم آفرینش و قانون تشریح الهی است . و این حقیقت را می توان از این آیه شریفه به وضوح دریافت که : فامن یهدی الی الحق احق ان یتبع امن لا- یهدی الا- ان یهدی فما لکم کیف تحکمون . (۳۴) (آیا کسی که هدایت به سوی حق می کند برای پیروی شایسته تر است یا آن کس که خود هدایت نمی شود مگر هدایتش کنند؟ شما را چه می شود، چگونه داوری می کنید؟!) . اصلا واژه (امام) که از قرآن کریم گرفته شده است ، به معنای (رهبر، پیشوا، الگو و سرمشق) است . الگو و سرمشق در چه ؟ در همه فضایل معنوی و اخلاقی ، در علم و دانش ، در تواضع و

فروتنی، در کرامت و عزت نفس، در عبادت و شجاعت، در کرم و سخاوت... و بالا-خره در صبر و شکیبایی به هنگام مقابله با دشمن و در استقامت و پایداری در دفاع از اسلام و قرآن و این است مفهوم (امام). حسین بن علی علیه السلام یکی از امامان و پیشوایان معصوم و یکی از این الگوهاست که چون در صحنه مبارزه با دشمن قرار می‌گیرد، پیام استقامت و پایداری او در همه انسانها موج و تحرک ایجاد می‌کند و آنجا که اسلام به فداکاری او نیازمند است، شعار صبر و شکیباییش برای همه جهانیان الگو و سرمشق می‌گردد. این معنا و پیام استقامت و پایداری در کلمات حسین بن علی علیه السلام بیش از پیامهای دیگرش منعکس گردیده و تعداد این شعارها در گفتار آن حضرت که به صورت نظم و نثر به دست ما رسیده، بیش از سایر پیامها و شعارهایش ظهور و تجلی دارد که در اینجا بیست مورد از آنها را ذکر می‌کنیم: ۱ / ۷ - و یزید رجل فاسق شارب الخمر قاتل النفس المحرمه معلن بالفسق و مثلی لا یباع مثله. (۳۵) (و یزید شخصی است فاسق، شرابخوار، آدمکش و آشکارا مرتکب فسق و فجور می‌شود و شخصی مانند من با فردی مثل او بیعت نخواهد کرد). به طوری که در صفحات گذشته اشاره نمودیم، امام علیه السلام این جمله را در پاسخ (ولید بن عتبّه) فرماندار مدینه ایراد فرمود که پس از مرگ معاویه به آن حضرت پیشنهاد بیعت با یزید را مطرح نمود و این جمله در عین اینکه فساد یزید را بیان می‌کند، پایداری و استقامت حسین بن علی علیه السلام را نیز می‌رساند که در مقابل فساد، به مبارزه ادامه خواهد داد: و مثلی لا یباع مثله ۲ / ۷ - و انی لا اعطی الدنیه من نفسی ابدا (همانا من هیچ گاه زیر بار ذلت نخواهم رفت). امام علیه السلام این جمله را در پاسخ برادرش (عمر) معروف به (اطرف) بیان نمود، آنگاه که او قبل از حرکت از مدینه، حادثه کربلا و جریان شهادت امام را از زبان امام حسن نقل و درخواست نمود که امام از این سفر منصرف شود و با یزید سازش کند، آن حضرت در پاسخ وی ضمن اینکه آگاهی خود را بیش از آنچه (عمر اطرف) در جریان این حوادث بود، به اطلاع وی رسانیده و جریان شهادت خود و امام مجتبی را به طوری که از رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم شنیده بود برای وی نقل کرد، این جمله را هم اضافه نمود که: (به خدا سوگند! به این همه فشارها ابدا به زیر بار ذلت نخواهم رفت). ۳ / ۷ - یا اخی، لو لم یکن فی الدنیا ملجا و لا ماوی لما بایعت یزید بن معاویه. (۳۶) (برادر (محمد!) اگر در تمام دنیا (با این همه وسعت) هیچ پناهگاه و ملجاءای نباشد، باز هم من دست بیعت به یزید بن معاویه نخواهم داد). امام علیه السلام این جمله را در پاسخ برادرش (محمد حنیفه) فرمود، آنگاه که وی به آن حضرت این چنین پیشنهاد نمود که به عقیده من شما در یک شهر معین اقامت نکنید و به همراه فرزندان در یک منطقه دور دست قرار بگیرید و از آنجا نمایندگان را به سوی شهرها گسیل دارید، اگر مردم با شما بیعت نمودند، شکر خدای را به جای آورید و اگر با دیگران بیعت کردند، باز هم لطمه‌ای بر شما وارد نخواهد گردید. ۴ / ۷ - و انی لا اری الموت الا- سعادة، و الحیاء مع الظالمین الا- برما. (۳۷) (من در چنین محیط ذلت بار) مرگ را جز سعادت و خوشبختی و زندگی با این ستمگران را چیزی جز ننگ و نکبت نمی‌دانم). این جمله از فرازهای سخنرانی آن حضرت است که در روز دوم محرم، پس از ورود به کربلا- ایراد فرموده است. ۵ / ۷ - و الله لا اعطیهم یدی اعطاء الذلیل، و لا افر فرار العبید. (۳۸) (به خدا سوگند! نه دست ذلت در دست آنان می‌گذارم و نه مانند بردگان از صحنه جنگ و از برابرشان فرار می‌کنم). امام این جمله را در ضمن سخنرانی اول خود در روز عاشورا ایراد فرمود. ۶ / ۷ - الا و ان الدعی بن الدعی قد رکز بین اثنتین، بین السله و الذله، و هیهات منا الذله، یابی الله لنا ذلک ورسوله و المومنون، و حجور طابت و طهرت، و انوف حمیه، و نفوس ابیه، من ان تؤثر طاعه اللئام علی مصارع الکرام... (۳۹) (آگاه باشید که این فرومایه (ابن زیاد) و فرزند فرومایه، مرا در بین و دو راهی شمشیر (شهادت) و ذلت (زندگی) قرار داده است و هیهات! که ما به زیر بار ذلت برویم؛ زیرا خدا و رسولش و مومنان از اینکه ما پذیرای ذلت باشیم، ابا ندارد و دامنهای پاک مادران ما و مغزهای با غیرت و نفوس با شرافت پدران ما روا نمی‌دارد که اطاعت افراد لئیم و پست را بر قتلگاه مردان با فضیلت، مقدم بداریم). این جملات از فرازهای دومین حسین بن علی علیه السلام در روز عاشورا است. ۷ / ۷ - اما و الله لا اجیبهم الی شیء مما یریدون حتی القی الله و انا مخصب بدمی. (۴۰) (آگاه باشید! به خدا سوگند! من به هیچ

یک از خواسته های دشمنان جواب مثبت نخواهم داد تا محاسنم به خونم خضاب گشته ، و به دلقای خدا نایل گردم). این جمله ، از فرازهایی از سخنان حسین بن علی علیه السلام است که در روز عاشورا پس از آنکه در میان دو لشکر، جنگ مغلوبه ای واقع گردید و گروهی از یاران آن حضرت به شهادت رسیدند، برای تشجیع و تسلی بقیه یارانش ، ایراد فرموده است . ۷ / ۸ - عند الله احتسب نفسی و حماة اصحابی . (۴۱) (بذل جانم و کشته شدن اصحاب و یارانم که به فرمان خداست ، به حساب اوست و از پیشگاه او در خواست اجر و پاداش می نمایم). امام علیه السلام این جمله را در کنار پیکر قطعه - قطعه شده (حیب بن مظاهر) سرباز کهنسالش ایراد فرمود. ۷ / ۹ - انی غدا اقتل و تقتلون کلکم معی و لا یبقی منکم واحدا . (۴۲) (من فردا کشته می شوم و همه شما حاضرین نیز کشته خواهید شد و کسی شما زنده نخواهد ماند... و حتی قاسم و عبدالله شیر خوار نیز کشته خواهند شد. طبق نقل نفس المهوم ، امام علیه السلام این جمله را در شب عاشورا پس از سخنرانی که خطاب به اهل بیت و اصحاب خود ایراد فرمود، تذکر داد آنگاه که به آنان اجازه داد مرخص شوند و صحنه کربلا را ترک نمایند، ولی هر یک از آنان به نحوی و با بیانی استقامت و پایداری و حمایت خود را از امام علیه السلام اعلام نمودند. ۷ / ۱۰ - هون علی ما نزل بی انه بعین الله . (۴۳) (تحمل این مصیبت نیز بر من آسان است ؛ زیرا خداوند او را می بیند). بنا به نقل (سید بن طاووس) حسین بن علی علیه السلام این جمله را هنگامی ایراد فرمود که طفل شیر خوارش در روی دستش هدف تیر قرار گرفت و آن حضرت خون گلوی او را گرفت و به سوی آسمان پاشید. و بالاخره از پیامهای استقامت و شعارهای پایداری آن حضرت که به صورت نثر به دست ما رسیده است ، یکی هم این جمله است که : ۷ / ۱۱ - (موت فی عز خیر من حیاة فی ذل). (مرگ با عزت بهتر از زندگی با ننگ و ذلت است). این جمله را مرحوم مجلسی در بحارالانوار (۴۴) در ضمن بعضی از فرمایشات آن حضرت از مناقب نقل نموده است . و اینک پیام و شعار مقاومت و پایداری آن حضرت که به صورت شعر نقل گردیده است : ۷ / ۱۲ - سامضی و ما بالموت عار علی الفتی اذا ما نوى حقا و جاهد مسلما (من به سوی مرگ می روم که مرگ بر جوانمرد ننگ نیست ، آنگاه که نیتش حق و جهادش برای اسلام باشد). ۱۳ - ۷ / وواسی الرجال الصالحین بنفسه وفارق مشورا و خالف مجرما (و با ایثار جانش از مردان نیک حمایت کند و از دشمنی با خدا، و از جنایتکاران دوری گزیند). ۷ / ۱۴ - اقدم نفسی لا ارید بقاءها لتقلی خمیسا فی الهیاج عرمرما (من اینک جانم را تقدیم می کنم و دست از زندگی می شویم تا در جنگی سخت و با دشمنی بس بزرگ مواجه شوم). ۷ / ۱۵ - فان عشت لم اندم و ان مت لم الم کفی بک ذلا ان تعیش و ترغما (اگر با این عقیده زنده بمانم ، پشیمانی ندارم و اگر بمیرم مورد ملامت نیستم ، ولی برای تو همین بس که چنین ذلت بار و ننگینی را سپری کنی). امام علیه السلام این شعار و این ابیات چهارگانه را در منزل (اشراف) خطاب به (حربن یزید ریاحی) ایراد نمود، آنگاه که در میانشان بحث طولانی شد، زیرا امام (ع) می خواست به حرکت خود به سوی کوفه ادامه دهد و حر، تصمیم گرفته بود طبق ماموریتی که به وی محول شده بود، از حرکت آن حضرت جلوگیری نماید. تا آنجا که به آن حضرت عرض کرد اگر شما این سفر را ادامه دهید منجر به جنگ خواهد گردید و اگر جنگی پیش بیاید، شما حتما کشته خواهید شد. آن حضرت در پاسخ وی فرمود: (افبالموت تخوفنی و هل یعدو بکم الخطاب ان تقتلوننی ؟). (آیا مرا با مرگ می ترسانی ، مگر بیش از کشتن من نیز کاری از شما ساخته است ؟). آنگاه فرمود: در اینجا من همان اشعاری را می خوانم که آن برادر مسلمان از قبیله اوس هنگامی که می خواست برای نصرت و یاری پیامبر در جنگ شرکت کند، خواند، سپس اشعار یاد شده را ایراد فرمود. (۴۵) ۷ / ۱۶ - فان نهزم فهزامون قدما و ان نهزم فغیر مهزمینا . (ما اگر پیروز شدیم ، پیروزی ما سابقه دار و قدیمی است (که پدرم و جدم بر کفار پیروز گشته اند). و اگر شکست بخوریم ، باز هم ما شکست نخوردیم (زیرا ما طرفدار حقیق و حق پایدار است)). این یکی از چهار بیت شعری است که امام علیه السلام در ضمن دومین سخنرانی مشروح خود که در روز عاشورا برای اهل کوفه ایراد فرمود، به آنها متمثل گردید. (۴۶) ۷ / ۱۷ - و ان تکن الا بدان للموت انشات فقتل امرء بالسیف فی الله افضل . (۴۷) (و اگر این بدنها برای مرگ آفریده شده است ، پس کشته شدن مرد با شمشیر در راه خدا چه بهتر!). این بیت هم یکی از

چهار بیت شعری است که امام علیه السلام در (متزل شقوق) در پاسخ مسافری که از کوفه می آمد، ایراد فرمود؛ زیرا وی از وضع آینده این سفر و از حوادث ناگواری که حسین بن علی علیه السلام ممکن است با آنها مواجه شود، اظهار نگرانی نمود. ۷ / ۱۸ - الموت اولی من رکوب العار و العار اولی من دخول النار. (۴۸) (مرگ بهتر از پذیرفتن ننگ است و ننگ بهتر از قبول آتش می باشد). ۷ / ۱۹ - انا الحسین بن علی الیت ان لا ائشی. (من حسین بن علی هستم، سوگند یاد کرده ام که در مقابل دشمن سرفرو نیورم). ۷ / ۲۰ - احمی عیالات ابی امضی علی دین النبی. (۴۹) (من اینک از اهل و عیال و پدرم دفاع می کنم و در راه دین پیامبر کشته می شوم). این اشعار را امام علیه السلام روز عاشورا در حالی خواند که به دشمن حمله نموده و مبارزه می طلبید.

۸ - دعوت به صبر و پایداری

انی جزیتهم الیوم بما صبروا انهم هم الفائزون. (۵۰) (من امروز آنان را به خاطر صبر و استقامتشان پاداش می دهم، آنان پیروز و رستگارند). در فصل گذشته ملاحظه فرمودید که یکی از خصوصیات اخلاقی و از برجسته ترین فضایی که در دوران امامت و به هنگام پذیرش مسوولیت در بی اعتنایی آن حضرت به قدرت ظاهری بنی امیه بود. اینک در این فصل، با بعد دیگری از این فضیلت آشنا می شویم، زیرا آن بزرگوار، گذشته از اینکه خودش دارای این روحیه مقاوم و استوار بود، خاندان و یارانش را نیز بر این اصل مهم دعوت و در آنان هم، چنین روحیه ای را تقویت می نمود. و با اینکه آنان در اثر ایمان قوی و اعتقاد راسخ از صبر و شکیبایی والایی برخوردار بودند، ولی باز هم آن حضرت با توجه به حساسیت شرایط و استثنایی بودن حادثه در مواردی بانوان و دختران خردسال و اصحاب و یارانش را به استقامت و پایداری و صبر و شکیبایی توصیه می نمود و با بیانات مختلف و ترسیم پادشاهای معنوی و اخروی آنان را تقویت و بر دل‌هایشان نیرو و آرامش می بخشید و برای استقبال از شهادت و اسارت، آماده تر و دلگرم تر می ساخت و این جملات در تقویت روحی و ایجاد اعتماد و توکل در آنان آنچنان مؤثر بود که نه از مواجه شدن با نیزه و شمشیر، در خود ترس و واهمه راه دادند و نه از قطعه - قطعه شدن پیکرشان، احساس درد و رنج نمودند، سیلی و تازیانه دشمن نتوانست کودکان را مرعوب کند و شماتت و استهزایش در بانوان، موجب شکست روحی آنان نگردید. و اینک ده فقره از این پیامهای آرامبخش: ۸ / ۱ - یا اختاه، تعزی بعزاء الله، و اعلمی ان اهل الارض یموتون و اهل السماء لایبقون. (۵۱) (خواهرم! با استمداد از خداوند، صبر و شکیبایی در پیش بگیر و بدانکه همه مردم دنیا می میرند و کسی از اهل آسمان باقی نمی ماند). طبق آنچه در منابع معتبر از امام سجاد علیه السلام نقل شده است، حسین بن علی علیه السلام این جملات را در شب عاشورا خطاب به زینب کبرا علیه السلام فرمود، آنگاه که امام حسین بن علی علیه السلام در میان خیمه اش اشعاری در بی وفایی دنیا می خواند: (یا دهر اف لک من خلیل ...). زینب کبرا در کنار بستر امام سجاد نشسته بود، با شنیدن این اشعار از برادرش، با عجله وارد خیمه او گردید و چنین گفت: (برادرم! کاش می مردم و چنین روزی را نمی دیدم که این مصیبت، همه مصایب را زنده کرد) و امام علیه السلام با جملات یاد شده خواهرش را تسلی داد. آنگاه چنین فرمود: ۸ / ۲ - یا اختاه! یا ام اکلثوم! یا فاطمه! یا رباب! انظرن اذا قتلت فلا تشقن علی جیبیا، و لا تخمشن وجها، و لا تقلن هجرا. (۵۲) (خواهرم ام کلثوم! دخترم) فاطمه! (همسرم) رباب! پس از مرگ من گریبان چاک نکنید، سیلی به صورت نزنید و سخنی که از شما شایسته نیست بر زبان نرانید). ۸ / ۳ - استعدوا للبلای، واعلموا ان الله تعالی حامیکم و حافظکم، و سینجیکم من شر الاعداء، و یجعل عاقبه امرکم الی خیر، و یعذب عدوکم بانواع العذاب، و یعوضکم عن هذه البلیه بانواع النعم و الکرمة، فلا تشکوا و لا تقولوا بالستکم ما ینقض من قدرکم. (۵۳) (برای سختیها آماده باشید و بدانید خداوند پشتیبان و حافظ شما است و در آینده نزدیک، شما را از دست دشمنان نجات خواهد داد و فرجام کار شما را نیکو قرار می دهد. و دشمن را به عذابهای گوناگون معذب و برای شما در مقابل این گرفتاری، نعمتها و عزتهای فراوان ارزانی خواهد داشت، پس شکوه نکنید و آنچه ارزش شما را کم می کند، بر زبان نیاورید). این جملات را امام علیه السلام در آخرین

وداعش خطاب به خواهران خود و بانوان حرم ایراد فرمود. ۸ / ۴ - ان الله تعالى اذن فی قتلکم و قتلی فی هذا الیوم ، فعلیکم بالصبر و القتال . (۵۴) (خداوند اجازه داده که من و شما در این روز کشته شویم ؛ (حکم جهاد، شامل حال ما گردیده است) بر شما است که صبر و شکیبایی کنید و با دشمن بجنگید). ۸ / ۵ - صبرا بنی الکرام ! فما الموت الاقنطرة تعبر بکم عن البؤس و الضراء الی الجنان الواسعة و النعیم الدائمة ، فایکم یکره ان ینتقل من سجن الی قصر ، و ما هو لا عدائکم الا کمن ینتقل من قصر الی سجن و عذاب . (۵۵) (ای بزرگ زادگان ! صبر و شکیبایی کنید که مرگ جز پلی نیست که شما را از سختیها و رنجها عبور داده به بهشت پهناور و نعمتهای همیشگی می رساند و چه کسی از شما است که نخواهد از زندان به قصر انتقال یابد و همین مرگ برای دشمنان شما مانند آن است که آنان را از کاخی به زندان و شکنجه گاه ، منتقل کنند). ۸ / ۶ - ان ابی حدثنی عن رسول الله صل الله علیه و آله وسلم ان الدنیا سجن المؤمن و جنه الکافر و الموت جسر هولاء الی جناتهم و جسر هولاء الی جحهمیم ما کذبت و لا کذبت . (۵۶) (پدرم از رسول خدا نقل نمود اینکه دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است و مرگ پل آنان (مسلمانان) است برای بهشتشان و پل اینان (کافر) است برای دوزخشان ، نه به من دروغ گفته اند و نه من دروغ می گویم). این سه فراز از خطبه حسین بن علی (علیه السلام) است که در روز عاشورا پس از اقامه نماز صبح ، خطاب به یارانش ایراد نمود. ۷ / ۸ - (قوموا ایها الکرام الی الموت الذی لا بد منه فان هذه السهام رسل القوم الیکم) (۵۷) (ای بزرگواران برخیزید به سوی مرگ که راه گریزی از آن نیست و این تیرها پیکهای مرگ است که از این مردم به سوی شما پرتاب می شود). حسین بن علی علیه السلام این جملات را در روز عاشورا آنگاه ایراد فرمود که مراجعت نمود و در این موقع ، عمر سعد، به خیمه اش تیری به سوی خیمه گاه آن حضرت رها کرده و گفت : شما نزد امیر (ابن زیاد) شهادت بدهید من اولین کسی بودم که به سوی خیمه های حسین ، تیراندازی نمودم . لشکریان او با دیدن این صحنه ، تیرها را مانند قطرات باران به خیمه ها فرو ریختند که بنا به نقلی در اثر این تیراندازی عمومی ، در میان خیمه ها کمتر کسی ماند که تیری بر بدن او اصابت نکرده باشد، امام در این موقع حساس فرمود: (ایها الکرام !...) ۸ / ۸ - یا کرام ! هذه الجنة قد فتحت ابوابها و اتصلت انهارها و اینعت ثمارها، و هذا رسول الله (علیه السلام) و الشهداء الذین قتلوا فی سبیل الله یتوقعون قدومکم و یتباشرون بکم ، فحاموا عن دین الله و دین نبیه و ذبوا عن حرم الرسول (صل الله و علیه و آله و سلم) . (۵۸) (ای عزیزان ! ای بزرگ منشان ! اینک درهای بهشت (به روی شما باز شده که نهراهای جاری و درختانش سرسبز و خرم است و اینک رسول خدا صل الله علیه و آله وسلم و شهیدان راه خدا منتظر شما هستند و ورود شما را به همدیگر مژده می دهند، پس بر شماست که از دین خدا و رسولش حمایت و از حرم پیامبر صل الله علیه و آله وسلم ، دفاع کنید). حسین بن علی علیه السلام این جملات را پس از اقامه نماز ظهر، آنگاه که چند نفر به هنگام نماز، در دفاع از آن بزرگوار سینه خود را سپر نموده و به خاک و خون غلطیدند؛ ایراد فرمود. ۸ / ۹ - تقدم فانا لا حقون بک عن ساعة). (۵۹) ((عمرو!) پیش به سوی بهشت ! ما نیز، به زودی به تو ملحق می شویم). امام علیه السلام این جمله را هنگامی به (عمرو بن خالد صیداوی) فرمود که وی عرضه داشت یابن رسول الله ! جانم به قربانت ! من تصمیم گرفته ام هر چه دارم زودتر به یاران شهید تو ملحق شوم ؛ زیرا برای من سخت است که خودم را کنار بکشم و بینم که تو در میان اهل و عیالت تنها مانده ای و به دست دشمن کشته می شوی). ۸ / ۱۰ - رح الی ما هو خیر لک من الدنیا و ما فیها، و الی ملک لا یبلی . (۶۰) ((حظله!) بشتاب به سوی (بهشتی که) بهتر از دنیا و آنچه در اوست و بشتاب به سوی ملک و مقامی که همیشگی است و کهنه نمی شود). (حظله شبامی) که تاخیر در شهادت را جایز نمی دانست ، عرض کرد: افلا- نروح ربنا و نلحق باخواننا؟ آیا به سوی پروردگاران نروم و به برادرانمان که به فیض شهادت نایل گشته اند لاحق نشوم ؟). حضرت در پاسخ فرمود: (رح الی ...). ۸ / ۱۱ - صبرا یا بنی عمومتی ! صبرا یا اهل بیتی ! لا رایتم هوانا بعد هذا الیوم ابدا . (۶۱) (عموزادگان من ! اهل بیت من ! (در مقابل مرگ)، صبور و شکیبا باشید که پس از این جنگ و بعد از شهادت ، روی خواری نخواهید دید). حسین بن علی علیه السلام این جمله را در حالی فرمود که چند نفر از جوانان بنی هاشم به سوی دشمن حمله کردند و چون امام این حمله دسته جمعی را مشاهده

نمود، فرمود: (صبرا...) ۱۲ / ۸ - یا بن اخی! اصبر علی ما نزل بک فان الله يلحقک بائک الطاهرین الصالحین . برسول الله صل الله علیه و آله وسلم و علی و حمزه و جعفر و الحسن . (۶۲) (فرزند برادرم! صبور و شکیبا باش بر رنج و فشاری که بر تو وارد می شود زیرا خداوند تو را به نیاکان پاک و صالحت رسول خدا، علی، حمزه، جعفر و حسن ملحق خواهد نمود). حسین بن علی علیه السلام پس از مرگ طولانی که در روی خاک و در محاصرت دشمن قرار گرفت کودکی از برادر زادگان آن حضرت، خود را شتابان به امام علیه السلام رسانید، زینب کبری او را به خیمه در کنار او قرار گرفت، یکی از افراد دشمن به نام (بحر بن کعب) به سوی امام حمله نمود، آن کودک دست خود را پیش برد تا مانع رسیدن شمشیر به عمویش شود، شمشیر به دست طفل فرود آمد و آن را قطع نمود و دست آویزان گردید، امام علیه السلام در حالی که به روی خاک افتاده بود، آن طفل را به آغوش کشید و دست به گردن وی انداخت و با همین جمله او را تسلی داد: (یا بن اخی! اصبر علی ما نزل بک ...).

۹- امر به معروف و نهی از منکر در پیام حسین بن علی (ع)

مساله (امر به معروف و نهی از منکر) بعنوان یکی از مهمترین برنامه های شریعت و زیربنای نظام اسلامی و عامل اجرایی قوانین این آیین مقدس به شمار می آید و در قرآن مجید با عناوین و تعبیرات مختلف از جمله به صورت ارائه یک وظیفه حتمی و تکلیف موکد آمده است: ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون . (۶۳) و گاهی به عنوان بیان اوصاف و نشانه های مومنان راستین از آن یاد شده است چنانچه می فرماید: و المومنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر... (۶۴) و در کلمات پیامبر صل الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیه السلام هم در این مورد تأکیدات فراوان وجود دارد؛ از جمله امام باقر علیه السلام می فرماید: (امر به معروف و نهی از منکر، دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه واجبات با آنها برپا می شوند و به وسیله این دو، راهها امن می گردد و کسب و کار مردم حلال می شود، حقوق افراد تاءمین می گردد و در سایه آنها زمینها آباد و از دشمنها انتقام گرفته می شود و در پرتو آنها، همه کارها روبه راه می گردد). (۶۵) با توجه به این اهمیت است که عده ای از فقهای بزرگ شیعه، جهاد را با تمام عظمتش و با تمام ابعاد و احکامش، بخشی از امر به معروف و نهی از منکر می دانند و گوشه ای از این وظیفه اسلامی به حساب می آورند و جمله: اشهد انک قد اقمت الصلاة و اتیت الزکاة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر . که در زیارت حسین بن علی علیه السلام آمده است، گواه این حقیقت است. و این معنا را تفهیم می کند که آن حضرت با قیام و جهاد خود، وظیفه امر به معروف را به انجام رسانیده است. به هر حال، این موضوع با توجه به اهمیتی که داراست، در کلام و پیام حسین بن علی علیه السلام در سه محور و سه بخش مختلف، مورد توجه قرار گرفته است: الف - اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی. ب - نكوهش سستی کنندگان در امر به معروف و نهی از منکر. ج - امر به معروف و نهی از منکر، عنصر اصلی و عامل مهم در قیام حسین بن علی علیه السلام است.

اینک بخش اول

الف - اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی

۱ / ۹ - ایها الناس! ان رسول الله صل الله علیه و آله وسلم قال: من رآی سلطانا جائرا مستحلا لحرام الله ناکثا عهده مخالفا لسنة رسول الله یعمل فی عباد الله بالاثم و العدوان فلم یغیر علیه بفعل و لا قول کان حقا علی الله ان یدخله مدخله . (۶۶) (مردم! پیامبر خدا فرمود هر کس سلطان جائر و زور گویی را ببیند که حرام خدا را حلال نموده و پیمان او را در هم شکسته، با سنت پیامبر، مخالفت می ورزد، در میان بندگان خدا راه گناه و مخالفت با قانون الهی را در پیش می گیرد و با چنین فردی با عمل و گفتارش مخالفت

نکنند، بر خداوند است که چنین فرد (ساکت) را به محل همان طغیانگر (آتش جهنم) داخل کند). این فراز، بخش اول از سخنرانی حسین بن علی علیه السلام است که در منزل (بیضه) خطاب به سپاهیان حر ایراد فرمود. ۹ / ۲ - اعتبروا ايها الناس بما وعظ الله به اولياء من سوء ثنانه على الاخبار اذ يقول: لو لا ينهائم الربانيون و الاخبار عن قولهم الاثم... وقال: لعن الذين كفروا من بنى اسرائيل - الى قوله - لبئس ما كانوا يفعلون. (۶۷) (ای مردم! از پندی که خدا به اولیا و دوستانش به صورت نکوهش از علمای یهود داده، عبرت بگیرید، آنجا که می فرماید: چرا دانشمندان نصاری علمای یهود، آنان را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام، نهی نمی کنند. و باز می فرماید: از بنی اسرائیل آن عده که کافر شدند، مورد لعن و نفرین قرار گرفتند؛ زیرا آنان همدیگر را از اعمال زشتی که انجام می دادند، نهی نمی کردند و چه بدکاری که مرتکب می شدند). این فراز و فرازهای نه گانه از فرازهای خطبه مفصل و تاریخی حسین بن علی علیه السلام است که دو سال قبل از مرگ معاویه، در سرزمین منی آن را ایراد فرموده است. ۹ / ۳ - و انما عاب الله ذلك عليهم لانهم كانوا يرون من الظلمة الذين بين اظهرهم المنكر و الفساد فلا ينهونهم عن ذلك رغبة فيما كانوا ينالون منهم و رهبة مما يحذرون و الله يقول: فلا تخشوا الناس و اخشون و قال: و المومنون و المومنات بعضهم اولياء بعض يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر... (۶۸) (در حقیقت خدا سکوت آنان را از این جهت عیب می شمارد که آنان با چشم خود می دیدند که ستمکاران به زشتکاری و فساد پرداخته اند و باز منعشان نمی کردند و این سکوت به خاطر علاقه به چیزهایی بود که از آن دریافت می کردند و به خاطر ترسی بود که از آزار و تعقیب آنان به دل راه می دادند، در حالی که خداوند می فرماید: از مردم نترسید و از من بترسید. و می فرماید: مردان و زنان مومن، ولی (یار و یاور) یکدیگرند، همدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می کنند). ۹ / ۴ - فبدا الله بالامر بالمعروف و النهی عن المنكر فريضة منه لعمه بانها اذا ادبت و اقيمت استقامت الفرائض كلها هينها و صعبتها و ذلك ان الامر بالمعروف و النهی عن المنكر دعاء الى الاسلام مع رد المظالم و مخالفة الظالم و قسمة الفیء و الغنائم و اخذ الصدقات من مواضعها و وضعها في حقها. (۶۹) (خداوند در این آیه (که فراز قبلی آورده شد) در شمردن صفات مومنان که مظهر دوستی و همکاری هستند، از امر به معروف و نهی از منکر شروع می کند و نخست آن را موجب می شمارد؛ زیرا می داند اگر این دو امر در جامعه برقرار شود، همه واجبات از آسان گرفته تا مشکل، برقرار خواهد شد؛ چون امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به اسلام، باز گرداندن حقوق به ناحق گرفته شده، ستیز با ستمگر و تقسیم ثروتهای عمومی و غنایم جنگی است بر موازین اسلام و اخذ جمع آوری صدقات (زکات و مالیاتهای الزامی) از موارد صحیح و واجب آن و به مصرف صحیح و شرعی رسانیدن آن است). مهم ترین بعد در امر به معروف و نهی از منکر آنچه در این فراز از پیام و سخن امام علیه السلام قابل توجه و حائز اهمیت است، بیان ابعاد وسیع و مفهوم گسترده امر به معروف و نهی از منکر و اشاره به مهمترین بعد و جنبه عملی در این مساله اساسی و حیاتی است؛ زیرا آن حضرت با استناد به دو آیه از قرآن مجید، می فرماید: (اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه برقرار شود، همه واجبات از کوچک و بزرگ، عملی و همه مشکلات اجتماعی، حل خواهد شد). آنگاه به عنوان نمونه و مثال، پنج مورد از این امور را بدین صورت بیان می کند. یک - و ذلك ان الامر بالمعروف و النهی عن المنكر دعاء الى الاسلام. (امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام است). دو - (مع رد المظالم). (و باز گرداندن حقوق به ناحق گرفته شده است). سه - (و مخالفة الظالم). (مبارزه با ستمگران است). چهار - (و قسمة الفیء و الغنائم). (توزیع عادلانه ثروتهای عمومی و غنایم است). پنج - (و اخذ الصدقات من مواضعها و وضعها في حقها). (و جمع آوری صدقات (زکات و مالیاتهای الزامی) بجا و صحیح و صرف کردن آنها در موارد شرعی است). و پر واضح است که قیام به امر به معروف و نهی از منکر در این سطح وسیع مبارزه با ستمگران و گرفتن حقوق ستمدیدگان و ریشه کن نمودن جور و فساد و اقامه عدل و داد در جامعه نمی تواند به صورت (فردی) و یا با امر به معروف (قولی) و بدون تشکیل حکومت اسلامی و ایجاد نیروی اجرایی، امکان پذیر باشد.

اینک بخش دوم پیام آن حضرت که در این قسمت از پیامش کسانی که وظیفه خود را در مقابل فریضه بزرگ (امر به معروف و نهی از منکر) نادیده گرفته و در انجام این واجب ، سستی به خرج داده اند، مورد نکوهش و ملامت قرار داده ، آنگاه آثار شوم این سهل انگاری و عواقب تلخ و ثمرات ناگوار این ترک مسوولیت را که پیش از همه متوجه خود آنان گردیده است ، تذکر می دهد و می فرماید: ۵ / ۹ - ثم انتم ايتها العصابة عصابة بالعلم مشهورة ، و بالخبر مذكورة ، و بالنصيحة معروفة ، و بالله في انفس الناس مهابة ، يهابكم الشريف ، و يكرمكم الضعيف ، و يؤثروكم من لا فضل لكم عليه و لا يدكم عنده ، تشفعون في الحوائج اذا امتنعت من طلابها، و تمشون في الطريق بهيبة الملوك و كرامة الاكابر . (شما ای گروه حاضر! ای گروهی که به علم و دانش شهرت دارید! و از شما به نیکی یاد می شود و به خیر خواهی و راهنمایی در جامعه ، معروف شده اید و به خاطر خدا در دل مردم شکوه و مهابت دارید، به طوری که افراد مقتدر از شما بیم دارند، شما را بر خود مقدم می شمارند و نعمتهای خدا را بر خود دریغ و بر شما ارزانی می دارند، مردم در حوائج و نیازهایشان ، شما را واسطه قرار می دهند و در کوچه و خیابان با مهابت پادشاهان و شکوه بزرگان ، قدم بر می دارند.) ۶ / ۹ - اليس كل ذلك انما نلتموه بما يرجي عندكم من القيام بحق الله و ان كنتم عن اكثر حقه تقصرون ، فاستخففتكم بحق الائمة ، فاما حق الضعفاء فضيعتم ، واما حقكم بزعمكم فطلبتم ، فلا- مالا يذلتموه ، و لا نفسا خاطرتم بها للذی خلقها، و لا عشيرة عاديتموها في ذات الله . (آیا بر همه این احترامات و قدرتهای معنوی از این جهت نایل نگشته اید که از شما امید می رود تا به اجرای قانون خدا کمر ببندید گرچه در موارد زیادی از قوانین خدا، کوتاهی کرده اید، بیشتر حقوق الهی را که به عهده دارید، فرو گذاشته ، حق ائمه را خوار و خفیف و حق افراد ناتوان را ضایع کرده اید، اما در همان حال به دنبال آنچه حق خویش می پندارند برخاسته اید، نه پولی خرج کرده اید و نه جان را در راه کسی که آن را آفریده به خطر انداخته اید. و نه با قبیله و گروهی به خاطر خدا در افتاده اید.) ۷ / ۹ - انتم تتمنون على الله جنته و مجاورة رسله و امانا من عذابه ، لقد خشيت عليكم ايها المتمنون على الله ان تحل بكم نعمة من نعمانه ، لانكم بلغت من كرامة الله منزلة فضلتم بها، و من يعرف الله لا تكرمون و انتم بالله في عبادة تكرمون . (شما آرزو دارید و حق خود می دانید که خداوند بهشتش و همنشینی پیامبرانش را ایمنی از عذابش را به شما ارزانی دارد، ای کسانی که چنین انتظاری از خدا دارید! من از این بیمناکم که عذابی از عذابهایش بر شما فرود آید؛ زیرا در سایه عزت و عظمت خدا به منزلتی بلند رسیده اید، ولی خدا شناسایی را که مبلغ خداشناسی هستند، احترام نمی کنید حال آنکه شما به خاطر خدا در میان بندگانش احترام دارید.) ۸ / ۹ - و قد ترون عهد الله منقوضة فلا- تفرعون ، و انتم لبعض ذمم آبائكم تفرعون ، و ذمة رسول الله مخفورة محفورة و العمى و البكم و الزمنى في المدائن مهملة ، لا نرحمون و لا في منزلتكم تعملون ، و لا من عمل فيها تعينون و بالادهان و المصانعة عند تاءمنون ، كل ذلك مما امركم الله به من النهي و التناهي و انتم غافلون . (و نیز از آن جهت بر شما بیمناکم که به چشم خود می بینید تعهدات و پیمانهای در برابر خداوند گسسته ، اما نگران نمی شوید در حالی که برای پاره ای از تعهدات پدرانتان آشفته می شوید و اینک تعهداتی که در برابر پیامبر انجام گرفته (تعهد اطاعت از او و جانشینش) مورد بی اعتنایی است ، نابینایان و اشخاص کر و لال و زمینگیر و ناتوان در همه شهرها بی سرپرست مانده اند، بر آنان ترحم نمی شود و نه مطابق شان و منزلتان عمل می کنید و نه به کسی که بدین سان عمل کند، مدد می رسانید. با چرب و چاپلوسی ، خود را در برابر ستمکاران ایمن می سازید، تمام اینها دستورهای خداست به صورت نهی یا تناهی (باز داشتن یکدیگر از منکر، که شما از آن غفلت می ورزید.) ۹ / ۹ - و انتم اعظم الناس مصيبة لما غلبتم عليه من منازل العلماء لو كنتم تشعرون ، ذلك بان مجاری الامور و الاحكام على ایدی العلماء بالله ، الامناء على حلاله و حرامه ، فاتم المسلموبون تلك المنزلة ، و ما سلبتم ذلك الا بتفرقكم عن الحق و اختلافكم فلی السنة بعد البينة الواضحة . (و مصیبت شما را از مصایب همه مردم سهمگین تر است ؛ زیرا منزلت و مقامی که باید علما داشته باشند از شما باز گرفته اند؛ چون امور اداری کشور و صدور احکام قضایی و تصویب برنامه های اجرایی به دست

دانشمندان روحانی که امین حقوق الهی و به حلال و حرام آگاهند، اجرا شود، اما اینک این مقام را از دست شما ربوده اند و از دست دادن چنین مقامی، هیچ علتی ندارد جز اینکه از پیرامون حق (قانون اسلام و حکم خدا) پراکنده اید و درباره سنت پس از آنکه دلایل روشن بر حقیقت آن وجود دارد، اختلاف کرده اید. (۹ / ۱۰ - و لو صبرتم علی الارض و تحملتم المؤمنة فی ذات الله کانت امور الله علیکم ترد و عنکم تصدور و الیکم ترجع ، و لکنکم مکنتم الظلمة من منزلتکم ، و استسلمتم امور الله فلی ایدیهیم ، یعملون بالشبهات و یسیرون فی الشهوات ، سلطهم علی ذلک فرار کم من الموت ، و اعجابک بالحیاء الی هی مفارقتکم ، فاسلمتم الضعفاء فی ایدیهیم ... (۷۰) (شما اگر بر شکنجه و ناراحتی شکیبایی می نمودید و در راه خدا متحمل ناگواری بودید، مقررات برای تصویب، پیش شما آورده می شد و به دست شما صادر می گردید و شما مرجع کارها بودید، اما به ستمکاران مجال دادید تا این مقام را از دست شما بستانند و اجازه دادید حکومت به دست آنان بیفتد تا بر اساس سنت حدس و گمان، به حکومت پردازند و راه خود کامگی و اقناع شهوت پیشه سازند، سبب تسلط آنان بر حکومت، فرارتان از کشته شدن و دلبستگی شما به زندگی کوتاه دنیا بود، شما با این روحیه و رویه، توده ناتوان را به چنگال این ستمگران گرفتار کردید).

ج - امر به معروف و نهی از منکر، عنصر اصلی و عامل مهم در قیام حسین بن علی (ع)

و اینک پس از نقل پیام حسین بن علی علیه السلام در دو بخش از امر به معروف و نهی از منکر، به بخش سوم این موضوع که در آن پنج پیام نقل گردیده است، می پردازیم: ۹ / ۱۱ - اللهم انک تعلم انه لم یکن ما کان منا تنافسا فی سلطان ، و لا التماسا من فضول الحطام و لکن لتری المعالم من دینک ، و نظهر الاصلاح فی بلادک ، و یاءمن المظلومون من عبادک ، و یعمل بفرائضک ، سنک و احکامک. (۷۱) (خدایا! بی شک تو می دانی آن چه از ما سر زده (و مبارزه ای که بر ضد بنی امیه شروع کرده ایم) نه رقابت در به دست آوردن قدرت سیاسی است و نه جستجوی ثروت و نعمتهای بیشتر، بلکه برای این است که ارزشهای درخشان آیینت را ارائه دهیم و در بلاد و شهرها اصلاحات پدید آوریم و بندگان ستمدیده ات را از حقوقشان برخوردار و ایمن سازیم و برای این است که به قوانین و احکام تو عمل شود). ۹ / ۱۲ - اللهم انی احب المعروف و انکر المنکر، و انی اسئلك یا ذالجلال و الاکرام بحق هذا القبر و من فیه الا اخترت لی من امری ما هو لک رضی و لرسولک رضی. (۷۲) (خدایا من دوستدار معروف و از منکر بیزارم. ای خدای بزرگ و کرامت بخش! تو را به حق این قبر و به حق کسی که در میان آن است، سوگندت می دهم که در این تصمیم و اراده ای که دارم، راهی را برای منم بنمایی که موجب رضا و خشنودی تو و پیامبرت باشد). امام علیه السلام این جمله را در یک برهه حساس و در یک شرایط تاریخی در کنار قبر رسول خدا صل الله علیه وآله وسلم ایراد فرمود، آنگاه که تصمیم گرفت مدینه را به سوی مکه ترک گوید و برای آخرین بار به زیارت قبر رسول خدا (ص) شتافت و با جد بزرگوارش وداع نمود. ۹ / ۱۳ - و انی لم اخرج اشرا و لا- بطرا و لا- مفسدا و لا ظالما، و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی (ع) ارید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب. (۷۳) (و من نه از روی خود خواهی و یا برای خوشگذرانی و نه برای افساد و ستمگری، از مدینه خارج شدم بلکه هدف من از این سفر، امر به معروف و نهی از منکر و خواسته ام از این حرکت، اصلاح مفاسد امور است و احیا و زنده کردن سنت و قانون جدم رسول خدا (ص) و راه و رسم پدرم علی ابن ابیطالب است). این جمله ها بخشی از متن وصیتنامه حسین بن علی علیه السلام است که هنگام حرکت از مدینه خطاب به برادرش (محمد بن حنیفه) نوشته است. ۹ / ۱۴ - و انا ادعوکم الی کتاب و سنه نبیه ، فان السنه قد امیتت و البدعه قد احییت تسمعوا قولی اهدکم الی سبیل الرشاد. (۷۴) (من شما را به کتاب و سنت پیامبرش دعوت می کنم، زیرا سنت فراموش شده و بدعت، جای آن را گرفته است، اگر سخن مرا بشنوید، به راه سعادت و خوشبختی رهنمونتان خواهم بود). این جمله نیز که بیانگر انگیزه قیام و حرکت حسین بن علی علیه السلام است، از فرازهای نامه ای است که آن حضرت پس از ورود به مکه، به سران شهر بصره مانند (مالک

بن مسمع بکری ، مسعود بن عمرو، منذر بن جارود و...) نگاشته است . ۱۵ / ۹ - الا و ان هولاء قد لزموا طاعة الشيطان ، و ترکوا طاعة الرحمان ، و اظهروا الفساد، و عطلوا الحدود، و استاثروا بالفیء، و احلوا حرام الله ، و حرموا حلاله ، و انا احق ممن غیر . (۷۵) (مردم آگاه باشید! اینان (بنی امیه) به پیروی از شیطان گردن نهاده و اطاعت خدا را ترک نموده اند، فساد را ترویج و حدود خدا را تعطیل نموده اند و بیت المال را به خود اختصاص داده ، حرام خدا را حلال و حلال خدا را تحریم کرده اند و اینک من سزاوار و شایسته ام بر حکومت مسلمانان نه اینان که اسلام را تغییر داده اند). این جمله بخشی از سخنرانی مشروح حسین بن علی علیه السلام است که در (منزل بیضه) در نزدیکی کربلا خطاب به سپاهیان (حر) ایراد فرمود.

۱۰ - نماز در پیام امام

در دین مقدس اسلام (نماز) در راس همه اعمال و عبادات قرار گرفته است چنانچه خداوند در اوصاف متقین که بهترین بندگان اویند می فرماید: الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة . (۷۶) (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمانمی آورند و نماز را بر پا می دارند). این عبادت از آن چنان اهمیتی برخوردار است که نه تنها در دین اسلام بلکه در ادیان گذشته و در شرایط انبیای پیشین نیز در راس همه برنامه ها و عبادات بوده است و لذا حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند برای خود و ذریه اش توفیق اقامه نماز را درخواست می کند و می گوید: (رب اجعلنی مقیم الصلوة و من ذریتی ...) (۷۷) و حضرت لقمان در به پا داشتن نماز به فرزندش توصیه می کند: (یا بنی اقم الصلوة ...) (۷۸) و حضرت عیسی آن را از وظایف اولیه اش می شمارد و می گوید: (و اوصانی بالصلوة و الزکاة ما دمت حیا)؛ (۷۹) (تا زمانی که زنده ام مرا به نماز و زکات توصیه کرده است). خلاصه در اهمیت نماز، همین بس که معیار قبول و رد همه اعمال و عبادات دیگر معرفی شده است. (۸۰) برای این اساس است که حسین بن علی علیه السلام با پیام و شعارش ، پیروانش بر اهمیت نماز متوجه ساخته است و از یاران و اصحابش که در حساسترین شرایط از نماز حمایت کرده و حتی برای اقامه تنها یک نماز، جانشان را فدا کرده اند، تقدیر به عمل آورد است: ۱۰ / ۱ - ارجع الیهم فان استطعت ان توخرهم الی غدوة و تدفعهم عنا العشیة لعلنا نصلی لربنا اللیلة و ندعوه و نستغفره . (۸۱) (ابوالفضل! به سوی آنان برگرد و اگر توانستی همین امشب را مهلت بگیر و جنگ را تا فردا صبح به تاخیر بینداز امید است تا ما امشب به نماز، دعا و استغفار با پروردگار مان بپردازیم). ۱۰ / ۲ - فهو یعلم انی قد کنت احب الصلوة له و تلاوة کتابه و کثرة الدعاء و الاستغفار . (۸۲) (زیرا او می داند که من به نماز و قرائت قرآن و استغفار و مناجات پروردگار علاقه شدید دارم). امام علیه السلام این جمله را که حاوی دو پیام و شعار مستقل در بیان اهمیت نماز است ، عصر تاسوعا هنگامی که دشمن به سوی خیمه ها حرکت نمود، خطاب به برادرش ابوالفضل علیه السلام ایراد فرمود؛ زیرا در مرحله اول به وی دستور داد که به سوی دشمن برود و علت حرکت تا به هنگام آنان را سؤال کند و پاسخ آنان این بود که دستور جدید و اکید از ابن زیاد آمده است که یا باید همین الان جنگ شود یا بیعت با یزید انجام گیرد. وقتی حضرت ابوالفضل این پیام دشمن را به امام ابلاغ نمود، در مرحله دوم آن حضرت مجددا این دستور را صادر فرمود. آری قرار بود عصر تاسوعا جنگ شروع شود، ولی امام علیه السلام برای اهتمام بر نماز و قرائت قرآن از دشمن فرومایه اش در خواست مهلت نمود. ۱۰ / ۳ - ذکرت الصلاة جعلک الله من المصلین الذاکرین . (۸۳) (ابوثمamah! نماز را به یاد آوری ، خدا تو را از نماز گزارانی که به یاد خدا هستند، قرار بدهد). ۱۰ / ۴ - نعم ، هذا اول وقتها، سلوهم ان یکفوا عنا حتی نصلی . (۸۴) (آری اینک اول وقت نماز است ، از دشمن بخواهید دست از جنگ بردارد تا نماز خود را به جای آوریم). امام علیه السلام این جمله را که مانند جمله قبل ، مرکب از دو شعار است ، در پاسخ (ابوثمamah صیداوی) یکی از یاران وفادارش فرمود، آنگاه که او را در حال شدت جنگ متوجه گردید که اول ظهر است ، لذا به آن حضرت عرض نمود: (بنفسی انت ؛ جانم به قربانت) ، گرچه این مردم به حملات خود ادامه می دهند، ولی به خدا سوگند! تا مرا نکشته اند نمی توانند بر تو دست یابند و من دوست دارم آنگاه به

لقای خدایم نایل شوم که این یک نماز آخر را هم با امامت شما به جای آورده باشم . ۵ / ۱۰ - (نعم ، انت امامی فی الجنة) . (۸۵) (سعید! آری تو پیش از من در بهشت (برین) هستی) . روز عاشورا برای ادای نماز ظهر، پیشنهاد آتش بس از سوی حسین بن علی علیه السلام عملاً مورد موافقت قرار نگرفت و آن حضرت بدون توجه به تیرباران دشمن در بیرون خیمه ها و در مقابل صفوف اهل کوفه ، به نماز ایستاد و چند تن از یاران با وفایش از جمله (سعید بن عبدالله) و (عمرو بن قرظله کعبی) در پیش روی آن حضرت ایستادند و سینه خود را سپر کردند و در اثر تیرهایی که به سر و سینه آنان اصابت نمود، پس از نماز به روی خاک افتادند و به شهادت رسیدند. سعید، پس از نماز آن حضرت که با ضعف شدید و با پیکر خون آلود افتاده بود، چشمش را باز کرد و امام را در کنارش دید که در روی زمین نشسته و خاک و خون از صورت وی پاک می کنند، در مقابل این محبت امام علیه السلام که سر از پانمی شناخت ، چنین عرض کرد: (اوفیت یا ابن رسول الله صل الله علیه و آله وسلم ؛ ای فرزند رسول خدا! آیا من وظیفه خود را به نیکی انجام دادم ؟) . امام علیه السلام هم در پاسخ وی فرمود: آری تو پیش از من در بهشت (برین) هستی . ۶ / ۱۰ - نعم ، انت امامی فی الجنة ، فاقراء رسول الله صل الله علیه و آله وسلم منی السلام و اعلمه انی فی الاثر . (۸۶) (عمرو! تو نیز پیش از من در بهشت (برین) هستی ، از من به رسول خدا صل الله علیه و آله وسلم سلام برسان و به ایشان عرض کن که من نیز در پشت سر تو به سوی او خواهم شتافت) . عمرو بن قرظله که در کنار سعید، افتاده بود و مکالمه او و امام را می شنید که چگونه آن حضرت به وی ، وعده حتمی بهشت می دهد، او نیز از آن حضرت همان سؤال را نمود که (اوفیت یا ابن رسول الله ؟) من هم وظیفه خود را به نیکی انجام دادم ؟) . امام هم در پاسخ وی همان جواب را داد که به سعید داده بود و این جمله را نیز اضافه نمود که : (سلام مرا به رسول خدا برسان و به او عرض کردم من (حسین) لحظات دیگر عازم دیدار تو هستم) .

۱۱ - سه پیام تهدید آمیز

طبق دلایل فراوان از جمله آیه شریفه ؛ یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم . (۸۷) اطاعت از او امر ائمه معصومین علیه السلام همانند اطاعت از او امر پیامبر صل الله علیه و آله وسلم بر مسلمانان واجب و مخالفت با آن حرام و موجب عذاب الهی است ؛ زیرا اطاعت در هر دو مورد مانند اطاعت خداوند به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرطی بر مومنان واجب گردیده است . ولی در آنجا که امر و دستور امام ، جنبه استغاثه و استمداد پیدا کند، مخالفت با آن تنها حرام است ، بلکه حرمت آن تشدید و مجازات آن هم مضاعف و کیفر آن شدیدتر خواهد گردید؛ زیرا استمداد و استغاثه امام ، حاکی از مظلومیت خط کلی اسلام و نیاز شدید قرآن به حمایت و بیانگر حساسیت شرایط و اوضاع است و باید مسلمانان ندای مظلومیت او را دریابند و با تمام توان حتی با نثار خون و بذل جان به دفاع از آن بشتابند و لذا مسامحه در این امر مهم و عدم استجابت به این استغاثه که تضعیف حق و تقویت باطل را در پی خواهد داشت ، موجب شدیدترین مجازات و سخت ترین عذاب اخروی خواهد گردید؛ مثلاً فاصله و فرق زیادی است بین موعظه و امر حسین بن علی علیه السلام که فرمود: اعتبروا ایها الناس بما وعظ الله به اولیاء من سوء ثنائیه علی الاحبار... (۸۸) (ای مردم از به بدی یاد نمودن خداوند علمای یهود را که به وسیله آن اولیای خود را پند داده است ، عبرت بگیرید) . با استغاثه آن حضرت که در روز عاشورا فرمود: هل من ذاب یذب عن حرم رسول الله صل الله علیه و آله وسلم ؟... هل من مغیث یرجو الله باغاثتنا؟... (۸۹) (آیا کسی هست که از حرم رسول خدا دفاع کند؟ آیا فریاد رسی هست که به امید پاداش خداوندی به فریاد ما برسد) . با این مقدمه ، اهمیت این نوع پیام حسین بن علی علیه السلام و انگیزه تهدید نمودن کسانی که به ندای آن حضرت پاسخ مثبت نداده اند، با جملات : (اکبه الله فی نار جهنم) و : (یکبه عل منخریه فی النار) (آیا کسی هست که از حرم رسول خدا دفاع کند؟ آیا فریاد رسی هست که به امید پاداش خداوندی به فریاد ما برسد) . روشن می گردد چرا که کلمه (اکب) به مفهوم شدت ذلت و خواری می باشد. و در اینجا تذکر این نکته را لازم می دانیم که مقاومت و رهبری امت در زمان غیبت و عدم

حضور ائمه معصومین علیه السلام بر اساس دلایل قطعی به جانشینان آنان یعنی علما و فقهای که دارای شرایط ولایت و رهبری امت هستند واگذار گردیده است. و طبعاً اوامر آنان نیز از لحاظ وجوب اطاعت و کیفر مخالفت، مانند اوامر ائمه معصومین خواهد بود. ۱ / ۱۱ - یابن الحر!... ان استطعت ان لا تسمع صراخنا و لا تشهد وقعتنا فافعل، فوالله لا یسمع و اعیتنا احد و لا ینصرنا الا اکبه الله فی نار جهنم. (۹۰) (پسر حر!... حالا که حاضر نیستی در راه ما از جان بگذری، اگر می توانی از این منطقه دور شو تا صدای استغاثه ما را نشنوی و جنگ ما را نبینی؛ زیرا به خدا سوگند! اگر کسی استغاثه ما را بشنود و بر ما یاری نکند، خداوند او را با ذلت به آتش جهنم خواهد کشید). حسین بن علی علیه السلام این جمله را در (منزل بنی مقاتل) در نزدیکی کربلا- به (عبیدالله حر جعفری) ایراد نمود، هنگامی که در میانشان ملاقاتی به وقوع پیوست دعوت آن حضرت را در توبه نمودن از خطاهای گذشته اش و یاری نمودن به فرزند پیامبر، رد نمود و خواست اسب معروف خود را نام (ملحقه) را در اختیار آن حضرت قرار دهد، در اینجا بود که امام علیه السلام فرمود: لا حاجة لنا فی فرسک و لا فیک، و ما کنت متخذ المضلین عضدا. (ما نه تو نیاز داریم و نه به اسب تو، زیرا که من از افراد گمراه برای خود نیرو نمی گیرم). پس به عنوان نصیحت و موعظه فرمود: ان استطعت ان لا تسمع صراخنا و لا تشهد وقعتنا فافعل ... ۲ / ۱۱ - انطلقا فلا تسمعا لی واقعه و لا تریالی سوادا، فانه من سمع و اعیتنا او راءى سوادنا فلم یجبنا او یغثنا کان حقا علی الله عزوجل ان یکبه علی منخریه فی النار. (۹۱) (شما (دو نفر) از این منطقه دور شوید تا صدای استغاثه مرا نشوید و اثری از من نبینید؛ زیرا هر کس استغاثه ما را بشنود و سیاهی ما را ببیند پس پاسخ ما را ندهد و به فریاد ما نرسد، بر خداوند است که او را با ذلت تمام به دوزخ وارد کند). امام حسین علیه السلام این جمله را نیز در (منزل بنی مقاتل) خطاب به (عمرو بن قیس مشرقی) و پسر عمویش، فرمود آنگاه که این دو نفر به حضور امام رسیدند، آن حضرت از ایشان سؤال فرمود که آیا برای نصرت و یاری امام خود به اینجا آمده اید؟ آنان عذر آورده و خود را در ظاهر برای رفتن به کوفه مجبور دانستند. اینجا بود که امام علیه السلام با این جملات به ارشاد و راهنمایی آنان پرداخته و فرمود که اگر بناست به کوفه برگردید، هر چه سریعتر این کار را انجام دهید، و از منطقه خارج شوید. ۳ / ۱۱ - فول هربا حتی لاتری مقتلنا فوالذی نفس حسین بیده لا یری الیوم مقتلنا احد ثم لا یعیننا الا دخل النار. (۹۲) (هرثمه از این منطقه فرار کن تا جنگ ما را نبینی زیرا سوگند به خدایی که جان در ید قدرت اوست هر کس جنگ ما را نبیند و یاریمان نکند به آتش داخل خواهد شد). ابن ابی الحدید از نصر بن مزاحم با اسناد، از هرثمه نقل می کند که من در جنگ صفین به همراه علی علیه السلام بودم در مراجعت به کوفه راه ما از سرزمین کربلا- بود و در همان سرزمین توقف نموده و با آن حضرت نماز بجای آوردیم امیر مومنان علیه السلام پس از نماز مشتت از خاک کربلا را برداشت و آن را بویید و گفت چه خوش خاکی هستی تو ای خاک کربلا- زیرا مردمی از درون تو محشور می شوند که بدون حساب داخل بهشت می گردند. هرثمه می گوید: چون به خانه ام بازگشتم برای همسرم (جرداء) دختر سمیر که از شیعیان خالص علی علیه السلام بود خاطرات سفر جنگ را تعریف و آنچه را که از علی بن ابیطالب در کربلا- دیده و شنیده بودم برای او نقل و اضافه نمودم که ای جرداء تو که علی علیه السلام را این همه دوست داری بگو بینم: آیا او به غیب آگاه است که اینگونه کربلا را توصیف می کند؟ همسرم گفت دست از سرم بردار و این حرفها را کنار بگذار و یقین بدان که به جز حق بر زبان علی علیه السلام جاری نمی گردد. هرثمه می گوید: سالها از این جریان گذشت تا اینکه عبیدالله بسیج عمومی بر علیه حسین بن علی علیه السلام اعلام نمود و من نیز در سپاهی بودم که بر علیه آن حضرت گسیل گشته بود، چون به امام حسین و یارانش رسیدم، محلی را که قبلا به همراه علی علیه السلام در آن بودیم و جایگاهی که حضرت از خاکش برداشته بود، شناختم و به یاد فرمایش امیر المومنین علیه السلام افتادم، لذا از آمدنم با لشکر ابن زیاد نادم گشته و سوار بر اسب شده در مقابل حسین علیه السلام قرار گرفتم و آنچه را از پدرش علی علیه السلام در این منزل شنیده بودم اظهار نمودم، حسین بن علی علیه السلام فرمود: حالا حامی ما هستی یا دشمن ما؟ عرض کردم یابن رسول الله نه حامی شما هستم و نه دشمن شما زیرا من زن و فرزندم را در کوفه رها کرده ام و از ابن زیاد بر آن بیمناکم. حسین

علیه السلام فرمود ای هرثمه: (فول هر با حتی لاتری متلنا...) هرثمه گوید با شنیدن این جمله بسرعت به سوی کوفه حرکت کردم و از خیمه ها دور شدم تا شاهد جنگ و کشته شدن آن حضرت نباشم.

۱۲ - پیام شجاعت

فرازاها و جملات متعددی از حسین بن علی علیه السلام نقل شده است که بیانگر شجاعت، شهامت و استقامت اهل بیت و یاران آن حضرت و گویای صداقت و بالاترین مرحله وفاداری آنان به آیین اسلام، قرآن و مقام ولایت است. در یک کلمه، این جملات و فرازاها (پیام شجاعت) یاران فرزند رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم از زبان آن حضرت و بیانگر استقامت و پایداری آنان در کلام پنجمین فرد از (اصحاب کساء) است. و هر یک از این جملات، مدال افتخاری است که در صفحه تاریخ تاوایسین روز، بر سینه آنان و در روز قیامت در سیمایشان خواهد درخشید، خداوند در توصیف اهل ایمان می فرماید: یوم تری المومنین و المومنات یسعی نورهم بین ایدیهم و بایمانهم بشراکم الیوم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ذلک هو الفوز العظیم. (۹۳) (این پاداش بزرگ) در روزی است که مردان و زنان با ایمان را می نگری که نورشان پیش رو و در سمت راستشان به سرعت حرکت می کند (و می نگری که نورشان پیش رو و در سمت راستشان به سرعت حرکت می کند (و به آنها می گویند): بشارت باد بر شما امروز به باغهایی از بهشت که نهرها زیر (درختان) آن جاری است؛ جاودانه در آن خواهید ماند! و این همان رستگاری بزرگ است). مناسب است مطلبی را که (ابن الحدید) در همین زمینه نقل نموده، در اینجا بیاوریم: او می گوید به یک نفر از لشکریان عمر سعد که در جنگ با حسین بن علی علیه السلام شرکت کرده بود، گفتند وای بر شما که فرزندان پیامبر خدا صل الله علیه و آله و سلم را کشتید! آن شخص پاسخ داد: عضضت بالجدل، انک لو شهدت ما شهدنا لفعلت ما فعلنا، ثارت علینا عصابة ایدیها فی مقابض سیوفها کالاسود الضاریه، تحطم الفرسان یمینا و شمالا، و تلقی انفسها علی الموت، لا تقبل الامان، و لا ترغب فی المال، و لا- یحول حائل بینها و بین الورد علی حیاض المنیه او الاستیلاء علی الملک، فلو کففتنا عنها رویدا لات علی نفوس العسکر بحذافیرها، فما کنا فاعلین، لا ام لک (دهانت بشکنند! آنچه را که ما دیدیم اگر تو نیز می دیدی، کاری را می کردی که ما انجام دادیم؛ زیرا گروهی را در مقابل خود دیدیم که دست در قبضه شمشیرشان مانند شیران غرنده در حالی که شجاعان لشکر را از چپ و راست در هم می شکستند به سوی مرگ می شتافتند، نه از کسی قبول امام می کردند و نه به مال دنیا میل و رغبت می نمودند. آخرین خواسته آنان این بود: یا مرگ یا پیروزی، اگر کمی فرصت می دادیم از لشکر ما یک نفر زنده نمی گذاشتند، با این شرایط چه می توانستیم بکنیم، مادرت به عزایت بنشین؟!)). اینکه این پیامها: ۱ / ۱۲ - من کان فینا باذلا مهجته موطننا علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا، راحل مصبحا ان شاء الله. (۹۴) (هر یک از شما حاضر است در راه ما از خون خود در گذرد و برای لقای خدا (شهادت) نثار جان کند، آماده حرکت با ما باشد که ان شاء الله من فردا صبح حرکت خواهیم نمود). این فراز آخرین جمله سخنرانی حسین بن علی علیه السلام است که شب هشتم ذیحجه سال شصت در مکه ایراد و روز هشتم به سوی عراق حرکت نمود.

۲ / ۱۲ - اما بعد، فانی لا- اعلم اصحابا اولی و لا- خیرا من اصحابی، و لا- اهل بیت ابر و لا اوصل من اهل بیته، فجزاکم الله عنی جمیعا خیرا. (۹۵) (اما بعد، من اصحاب و یارانی بهتر از یاران خود ندیده ام و نه اهل بیته باوفا تر و صدیق تر از اهل بیتم. خداوند به همه شما در حمایت از من پاداش نیکو بدهد). این جمله از فرازهای سخنرانی حسین بن علی علیه السلام در شب عاشورا است که خطاب به اهل بیت و اصحابش ایراد فرمود. ۳ / ۱۲ - و الله! لقد بلوتمهم فما وجدت فیهم الا- ال... الافس، یستاتسون بالمنیة دونی استیناس الطفل الی محالب امه. (۹۶) (به خدا سوگند! آنان (اصحاب) از آزمودم و ندیدم آنان را مگر دلاور و غرنده (شیروار) و با صلابت و استوار (کوهوار) که به کشته شدن در کنار من چنان مشتاقند مانند اشتیاق طفل شیر خوار به پستان مادرش). امام علیه السلام این جمله را شب عاشورا در پاسخ زینب کبرا علیهما السلام فرمود، آنگاه که سؤال کرد از برادر! آیا یاران خود

را آزموده ای و به نیت آنان پی برده ای؟! مبادا در موقع سختی، دست از تو بردارند و در میان دشمن، تو را تنها بگذارند. ۱۲/۴ - جزا کما الله یا ابنی اخی بوجد کما من ذلک و مواساتکما ایای بانفسکا احسن جزاء المتقین. (۹۷) (ای فرزند برادران من! خداوند در مقابل این احساس وظیفه و نصرت و یاری که نسبت به من انجام داده اید، بهترین پاداش متقین را بر شما عنایت کند). حسین بن علی علیه السلام این جمله تشکر آمیز را خطاب به (سیف) و (مالک) که دو پسر عمو بودند، ایراد فرمود، آنگاه که دید گریه می کنند و آن حضرت چون علت گریه آنان را سؤ ال فرمود، پاسخ دادند: (به خدا سوگند! نه از ترس جان خودمان بلکه برای تنهایی شما گریه می کنیم در حالی که می بینیم ما یک جان بیشتر نداریم. و بجز یکبار کشته شدن کاری از ما ساخته نیست). ۱۲/۵ - الا انی زاحف بهذه الاسره علی قله العدد و خذلان الناصر. (۹۸) (آگاه باشید که من با همین گروه کم از یارانم و با عقب نشستن کسانی که انتظار یاری و کمک از آنان می رفت، به سوی جهاد در راه خدا خواهم رفت). امام علیه السلام این جمله را که دلیل بر استقامت و پایداری یک گروه با تعداد کم ولی دارای ایمان ثابت است، در دومین سخنرانی خود در روز عاشورا ایراد فرمود. ۶ / ۱۲ - انت الحر کما سمتک امک، و انت الحر فی الدنيا و الاخره. (۹۹) (تو آزاد مرد هستی همانگونه که مادرت تو را (حر) نامیده است و تو آزاد مردی در دنیا و در آخرت). امام علیه السلام آنگاه که در کنار پیکر خون آلود (حر) نشست و خون از سر و صورت او پاک می نمود، این جمله را - که مدال افتخاری است در سینه او - ایراد فرمود.

۱۳ - پیام انتخاب

یکی از خصوصیات قیام حسین بن علی علیه السلام و از پیامهای عاشورا این است که آن حضرت علی رغم قلت یاران و کثرت دشمنانش که باید طبق محاسبات ظاهری به هر نحو ممکن، اصحاب و یاران خویش را برای کمک و یاریش دعوت و تشویق و در صورت نیاز از جایگاه ولایت و امامت، آنان را مجبور و ملزم نماید، ولی برخلاف این روش، آن حضرت در موارد مختلف، گاهی به طور عموم و گاهی به طور خصوص، به آن اجازه انتخاب کارزار یا ترک آن را داده و حتی نزدیکترین اهل بیت خویش را نیز در این انتخاب نمودن مسیر دلخواه و مورد نظرشان، مخیر نموده است. این اصل اساسی است در میان قیامهای ظاهری و معنوی و یک فرق بارزی است که پیشوایان و رهبران غیر واقعی متمایز می سازد؛ چون این نوع رهبران، معمولاً- برای جلب و مساعدت دیگران، به هر حیل و تزییر متمسک می گردند و برای به دست آوردن پیروزی، از توسل به هیچ عمل خلاف و غیر انسانی، امتناع نمی ورزند. اینک متن این پیامها: ۱۳/۱ - فمن احب منکم الانصراف فلینصرف، لیس علیه منا ذمام. (۱۰۰) هر یک از شما (یاران من) بخواهد برگردد، آزاد است و از طرف ما بیعتی بر گردنش نیست). امام علی علیه السلام این جمله را در (منزل زباله) خطاب به همه اصحاب و اهل بیتش فرمود، آنگاه که از کشته شدن (مسلم وهانی) در کوفه، در این منزل مطلع گردید و شهادت آنان را با یارانش در میان گذاشت و از بی وفایی مردم کوفه و دورویی آنان سخن گفت، سپس فرمود: (فمن احب منکم ...). ۱۳/۲ - و انی قد اذنت لکم فانطلقوا جمیعا فی حل لیس علیکم منی ذمام، وهذا اللیل قد غشیکم فاتخذوه جملا، ولیاءخذ کل رجل منکم بید رجل من اهل بیتی،... و تفرقوا فی سوادکم و مدائنکم. (۱۰۱) (و من به همه شما اجازه دادم به وطنهای خود برگردید، همه شما آزاد هستید و من بیعتی در گردن شما ندارم، اینک شب فرا رسیده، تاریکی آن را مرکب خویش قرار دهید و هر یک از شما دست یکی از اهل بیت مرا بگیرید و به سوی شهر و دیار خود متفرق شوید). امام علیه السلام نزدیک غروب تاسوعا یا پس از نماز مغرب شب عاشورا، خطاب به اهل بیت و اصحاب خود، خطبه ای ایراد فرمود، در آن خطبه ضمن سپاسگذاری از همه آنان خبر شهادت خویش را که در کربلا واقع خواهد شد، از زبان رسول خدا صل الله علیه و آله وسلم نقل فرمود و این جمله را هم اضافه نمود که اینک زمان این شهادت فرا رسیده است، سپس به تمام اهل بیت و یارانش فرمود شما در رفتن و نجات جان خویشتن آزاد هستید. و جمله یاد شده از فرازهای همین خطبه است: ۱۳/۳ - حسبکم من القتل بمسلم، اذهبوا قد اذنت لکم

(۱۰۲) (فرزندان عقیل! کشته شدن مسلم بن عقیل برای (خانواده) شما بس است، من شما را مرخص کردم از این منطقه بیرون بروید). امام علیه السلام در سخنرانی شب عاشورا (در فراز قبل اشاره گردید) پس از اجازه مرخصی عمومی و پس از شنیدن پاسخ یاران خویش که دلیل وفاداری و ایمان ثابت آنان بود، متوجه فرزندان عقیل گردید و آنان را بالخصوص مورد خطاب قرار داد که: (حسبکم من القتل بمسلم، اذهبوا قد اذنت لکم). و آنان نیز جواب دادند اگر ما تو را ترک کنیم و از ما بپرسند چرا دست از آقا و مولای خود برداشتی چه پاسخی خواهیم داشت؟ نه، به خدا سوگند! جان و مال و فرزند و عیال خود را فدای تو خواهیم کرد و تا نفس آخر، در کنار تو خواهیم بود. ۱۳/۴ - یا جون! انت فی اذن منی، فانما تبعنا طلبا للعافیة فلا تبتل بطریقنا. (۱۰۳) (جون! من بیعت را از تو برداشتم؛ زیرا تو به امید عافیت و آسایش به همراه ما آمده ای، خود را در راه ما گرفتار و مصیبت مکن!). امام علیه السلام این جمله را در روز عاشورا و در اوج جریان جنگ خطاب به جون، غلام خود فرمود، آنگاه که او برای خدا حافظی و اذن برای رفتن به میدان جنگ، به خدمت آن حضرت شرفیاب گردید. ۱۳/۵ - رحمک الله انت فی حل من بیعتی، فاعمل فی فکاک ولدک. (۱۰۴) (محمد بن بشیر! خدا تو را رحمت کند، اینک تو از طرف من آزادی و من بیعت را از تو برداشتم تا درباره آزادی فرزندت، تلاش کنی). امام علیه السلام این جمله را خطاب به (محمد بن بشیر حضرمی) فرمودند؛ زیرا در همین روزها به وی خبر رسیده بود که فرزندت در اطراف ری، گرفتار و زندانی شده است و چون این جریان را آشنایان و دوستان محمد بن بشیر با او در میان گذاشتند، او از مفارقت فرزند پیامبر امتناع ورزید؛ و چون آن حضرت او را این گونه دید، فرمود: (رحمک الله...). پاسخ وی به امام علیه السلام این بود که: (اکلتی السباع حیا ان فارقتک). (درندگان بیابان مرا زنده پاره پاره کنند اگر از شما جدا شوم). امام علیه السلام لباسهایی که قیمت آنها به هزار دینار بالغ می گردید، در اختیار وی قرار داد تا آنها برای رهایی فرزندش، استفاده کند.

۱۴ - پیام اتمام حجت

اشاره

در بخش گذشته با پیامهای حسین بن علی علیه السلام که یاران خود را در ماندن یا رفتن آزاد گذاشته بود، آشنا شدیم و اینک پیامهای دیگری از آن حضرت که در آنها (احتجاج و اتمام حجت) می باشد در اختیار خواننده عزیز قرار می دهیم. امام علیه السلام با این پیامها در روز عاشوا به مردم و لشکریان بنی امیه که قصد جنگ با آن حضرت را داشتند، به صورت عام و گاهی به طور خاص و انفرادی، موعظه و نصیحت و اتمام حجت نموده و عواقب خطرناک دنیوی و مجازات سخت اخروی جنایت هولناک آنان را گوشزد و یاد آوری فرموده است. و این اتمام حجت گاهی به مرحله استغاثه و استمداد و دعوت و درخواست، جهت حمایت از آن حضرت و دفاع از خاندان پیامبر (ص) رسیده است و احیانا چنین استمدادی در کنار درخواست توبه و بازگشت از گناه نسبت به بعضی از افرادی که با آن حضرت قصد خصومت و جنگ و منازعه نداشتند و دارای شرارت و سابقه جنایت بودند آن هم قبل از عاشورا و پیش از رسیدن به کربلا، به وقوع پیوسته است. در اینجا ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا این دو نوع پیام با هم متضاد و متناقض نیستند؟ آن اجازه مرخصی و برداشتن بیعت و پیمان شهادت از افراد متعهد و از جان گذشته و اهل بیت و یاران باوفا و این استغاثه و استمداد و دعوت به یاری از دشمنان و افرادی خونخوار!! پاسخ این است همانگونه که در بخش قبل اشاره نمودیم، فرق بارز و روشنی هست میان قیام و مبارزه ای که پیشوایان دینی انجام می دهند، با رهبران غیر مذهبی و مبارزه ای که رهبران غیر مذهبی در پیش می گیرند و موضوع مورد سؤال یکی از همین موارد امتیاز است و مطلب را باید از این زاویه بررسی نمود. آری، حسین بن علی علیه السلام در پی پیروزی و شکست ظاهری نیست، بلکه او در فکر انجام

یک وظیفه الهی و فریضه مذهبی است و لذا به افرادی که با آن حضرت پیمان شهادت بسته اند و ایمان و عقیده و استقامت خود را تا پای جان نسبت به آن حضرت به اثبات رسانیده و تا این بیابان با همان فکر و اندیشه به همراه او حرکت نموده اند، رنج سفر و ترس از دشمن، کوچکترین تزلزل و سستی در آنان به وجود نیاورده است، اگر آنان با این شرایط و با اجازه ولی امر و امامشان، صحنه جنگ را ترک نمایند، گرچه به اجر و پاداش و مقام ارجمند شهدا نایل نخواهد گردید و آن همای سعادت را که تنها در بالای سر آنان به پرواز در آمده است، برای همیشه و به رایگان از دست خواهند داد، ولی به هر حال در پیشگاه عدل خداوند مورد سؤال و مؤاخذه قرار نخواهد گرفت. ولی آنجا که امام علیه السلام استغاثه و استمداد می کنند، شرایط دیگری به وجود آمده است و صحبت نجات یک فرد و یا گروهی از بدبختی هلاکت ابدی و عذاب حتمی است. این استغاثه و استمداد و اتمام حجت، متوجه گروهی است که مصمم شده است خون امام زمان خویش را بریزد و پیکر پاکش را قطعه - قطعه کند و اهل و عیالش را به خون اسیر خارجی و کسانی که با اسلام و قرآن در ستیز هستند، شهر به شهر بگرداند که اگر این فکر و اندیشه عملی شود، نه تنها همه افراد این گروه، بلکه حتی کسانی که بر عمل آنان راضی هستند به خسران ابدی و عذاب دائمی گرفتار خواهند گردید. و اینجاست که امکان دارد این اتمام حجت ولو تنها یک نفر از آنان را از عذاب دائمی نجات بخشد و برای هیچ یک از آنان در روز قیامت بهانه و توجیهی وجود نداشته باشد و نگویید: ربنا لو لا- ارسلت الینا رسولا- فنتبع آیاتک من قبل ان نذل و نخزی. (۱۰۵) (پروردگارا! چرا به سوی ما پیامبری نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم پیش از آنکه خوار و رسوا شویم). به هر حال، این پیامها را می توان در طی دو خطبه مفصلی که حسین بن علی علیه السلام در روز عاشورا و یا خطابه های کوتاه دیگری که آن حضرت به صورت عام و یا به طور خاص ایراد فرموده است، ملاحظه نمود. و ما هم از همین دو خطبه عاشورا، آغاز و از روش این جزوه که نقل پیامها به صورت کوتاه نه به شکل مشروح و طولانی است، پیروی می کنیم.

خطبه اول

۱ / ۱۴ - ایها الناس! اسمعوا قولی و لا تعجلوا حتی اعظکم بما هو حق لکم علی و حتی اعتذر الیکم من مقدمی علیکم فان قبلتم عذری و صدقتم قولی و اعطیتونی النصف من انفسکم کنتم بذلک اسعد و لم یکن لکم علی سییل و ان لم تقبلوا منی العذر و لم تعطوا النصف من انفسکم فاجمعوا امرکم و شرکائکم ثم لا یکن امرکم علیکم غمۃ ثم اقضوا الی و لا تنظرون ان ولیی الله الذی نزل الکتاب و هو یتولی الصالحین. (ای مردم! گناه مرا بشنوید و در جنگ و خونریزی شتاب نکنید تا امن و وظیفه موعظه که حق شما و به عهده من است، را انجام بدهم و انگیزه سفر به سوی شما را بیان کنم، اگر دلیل مرا پذیرفتید و با من منصفانه رفتار نمودید، همه شما متحد شوید و هر اندیشه باطل که درباره من دارید اجرا کنید و مهلتم ندهید، ولی به هر حال، امر بر شما مشتبه نباشد، و در نهایت یار و یاور من خدایی است که قرآن را فرو فرستاد و اوست یاور صالحان). ۲ / ۱۴ - عباد الله! اتقوا الله و کونوا من الدنیا علی حذر، فان الدنیا لو بقی علی احد او بقی علیها احد لکانت الانبیاء احق بالبقاء و اولی بالرضا و ارضی بالقضاء، غیر ان الله خلق الدنیا للنفاء، فجدیدها بال، و نعینها مضمحل، و سرورها مکفهر، و المنزل تلعة، و الدار قلعة فتزودوا فان خیر الزاد التقوی، و اتقوا الله لعلکم تفلحون. (ای بندگان خدا! از خدا بترسید و از دنیا برحذر باشید که اگر بنا بود همه دنیا از آن کسی باشد و او نیز برای همیشه در دنیا بماند، پیامبران برای بقا سزاوارتر و جلب خشنودی آنان بهتر و چنین حکمی خوش آیندتر بود، ولی هرگز! زیرا سرور و شادیش به غم و اندوه مبدل خواهد گردید. دون منزلی است و موقت خانه ای، پس برای آخرت خود توشه ای بگیرید و بهترین توشه تقواست، و تقوا پیشه کند امید است رستگار شوید). ۳ / ۱۴ - ایها الناس! ان الله تعالی خلق الدنیا فجعلها دار فناء و زوال متصرفه باهلها حالا بعد حال، فالمغرور من غرته، و الشقی من فتنته فلا تغرنکم هذه الدنیا، فانها تقطع رجاء من رکن الیها و تخبیب طمع من طمع فیها. (ای مردم! خدا دنیا را محل فنا و زوال قرار داده که اهل خویش را تغییر می دهد و وضعشان را دگرگون می

سازد، مغرور و گول خورده کسی است که فریب دنیا را بخورد و بدبخت کسی است که مفتون آن گردد، پس دنیا شما را گول نزند که هر که بدو تکیه کند ناامیدش سازد و هر کس بر وی طمع کند، به یأس و ناامیدش کشاند). ۱۴/۴ - و اراکم قد اجتمعتم علی امر قد اسخطتم الله فیه علیکم ، واعرض بوجهه الکریم عنکم ، و احل بکم نعمته ، فنعم الرب ربنا، و بئس العبید انتم ، اقرتم بالطاعة و آمنتتم بالرسول محمد صل الله علیه و آله وسلم ثم انکم زحفتم الی ذریته و عترته تریدون قتلهم ، لقد استحوذ علیکم الشیطان فانساکم ذکر الله العظیم ، فتبا لک و لما تریدون ، انا لله و انا الیه راجعون ، هولاء قوم کفروا بعد ایمانهم ، فبعدا للقوم الظالمین . (و اینک می بینم شما به امری هم پیمان شده اید که خشم خدا را برانگیخته و به سبب آن خدا از شما اعراض کرده و غضبش را بر شما فرو فرستاده است ، چه نیکوست خدای ما و چه بندگان بدی هستید شما که به فرمان خدا گردن نهاده و به پیامبرش حضرت محمد (ص) ایمان آوردید، سپس برای کشتن اهل بیت و فرزندانش هجوم آوردید، شیطان بر شما مسلط شده که خدای بزرگ را از یاد شما برده است ، ننگ بر شما و بر هدفتان ! ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم . این قوم ستمگر از رحمت خدا دور باشند که پس از ایمان ، به کفر گرایندند). ۱۴/۵ - ایها الناس ! انسبونی من انا، ثم ارجعوا الی انفسکم و عاتبوها، و انظروا هل یحل لکم قتلی و انتهاک حرمتی ؟ الست ابن بنت نبیکم و ابن وصیة و ابن عمه و اول المومنین بالله و المصدق لرسوله بما جاء من عند ربه ؟ اولیس حمزة سید الشهداء عم ابی ؟ اولیس جعفر الطیار عمی ، اولم یبلغکم قول رسول الله صل الله علیه و آله و سلم لی و لآخی : هذان سیدا شباب اهل الجنة ؟ . (مردم ! نسب مرا بشناسید که من چه کسی هستم ، سپس بخود آید و خویشان را ملامت کنید و ببینید آیا کشتن من و درهم شکستن حریم حرمت من برای شما جایز است ؟ آیا من فرزند دختر پیامبر شما نیستم ؟ آیا من فرزند وصی و پسر عم پیامبر شما نیستم ؟ آیا من فرزند کسی هستم که وی اولین کسی است که به خدا ایمان آورد و رسالت پیامبرش را تصدیق نمود؟ آیا حمزه سید الشهداء عموی پدر من نیست ؟ آیا جعفر طیار عموی من نیست ؟ آیا سخن رسول خدا را درباره من و برادرم شنیده اید که فرمود: این دو سرور جوانان بهشتند؟). ۱۴/۶ - فان صدقتمونی بما اقول و هو الحق و الله ما تعدت الکذب منذ علمت ان الله یمقت علیه اهله و یضر به من اختلفه و ان کذبتمونی فان فیکم من ان سالتموه عن ذلک اخبرکم ، سلوا جابرین عبدالله الانصاری و ابا سعید الخدری و سهل بن سعد الساعدی و زید بن ارقم و انس بن مالک یخبروکم انهم سمعوا هذه المقالة من رسول الله و لآخی ، اما فی هذا حاجز لکم عن سفک دمی . (اگر مرا در گفتار تصدیق کنید که حق است ، به خدا سوگند از روز اول دروغ نگفته ام ، چون دریافته ام که خداوند به دروغگو غضب کرده و ضرر دروغ را به خود دروغگو بر می گرداند و اگر مرا تکذیب می کنید، اینک در میان مسلمانان از صحابه پیامبر، کسانی هستند که می توانید از آنان سؤال کنید که همه آنان گفتار پیامبر را درباره من و برادرم شنیده اند و شما را از آن آگاه خواهند نمود و همین گفتار می تواند مانع خونریزی شما گردد). از جابر بن عبدالله و ابوسعید خدری و سهل بن سعد ساعدی و زید بن ارقم و انس بن مالک بپرسید که همه آنان به شما خواهند گفت که این گفتار را از رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم درباره من و برادرم شنیده اند که فرمود: (آنها سرور جوانان بهشتند) و همین گفتار می تواند مانع ریختن خون من گردد. ۱۴/۷ - فان کنتم فی شک من هذا القول افتشکون انی ابن بنت نبیکم فوالله ما بین المشرق و المغرب ابن بنت نبی غیری فیکم و لا- غیر کم ، و یحکم اطلبونی بقتیل منکم قتلته او مال لکم استهلکته او بقصاص جزاحة یا شبث بن ربعی ! و یا حجار بن ابجر! و یا قیس بن الاشعث ! و یا زید بن الحارث ! الم تکتبوا الی ان قد اینعت الثمار و اخضر الجنات ، و انما تقدم علی جند لک مجنده ؟ (۱۰۶) (اگر در گفتار پیامبر درباره من و برادرم تردید دارید، آیا در این واقعیت نیز شک می کنید که من فرزند پیامبر شما هستم و در همه دنیا نه در میان شما و نه در جای دیگر، برای پیامبر فرزندی بجز من وجود ندارد. وای بر شما! آیا کسی را از شما کشته ام که به قصاص او مرا می کشید؟ آیا مال کسی از شما را تباہ ساخته ام ؟ آیا جراحی بر کسی وارد کرده ام تا مستحق مجازاتم بدانید؟! ... ای شبث بن ربعی ! ای حجار بن ابجر! ای قیس بن اشعث ! وای یزید بن حارث ! آیا شما نبودید برای من نامه نوشتید که میوه های ما رسیده و درختان ما سرسبز و خرم است و در

انتظار تو دقیقه شماری می کنیم و در کوفه لشکریانی مجهز و آماده در اختیار تو می باشد!). این بود هفت فقره از اتمام حجت بن علی علیه السلام که مجموعاً اولین خطبه آن حضرت را که در روز عاشورا ایراد فرموده است، تشکیل می دهد آری هفت فقره اتمام حجت در ضمن یک سخنرانی و کیفیت ایراد این خطبه به طوری که در منابع نقل شده بدین صورت بوده است که امام علیه السلام پس از تنظیم صفوف لشکر خویش، سوار بر اسب گردید و از خیمه های خود فاصله گرفت و با صدای بلند و رسا به ایراد این خطبه پرداخت. (۱۰۷)

خطبه دوم

خطبه و سخنرانی دوم حسین بن علی علیه السلام نیز که مجموعه دیگری است از اتمام حجت آن بزرگواری، دارای هفت فراز است و مشتمل بر دلایل و بیانات مختلف و اتمام حجت در ابعاد گوناگون و در کیفیت ایراد این سخنرانی (خطیب خوارزمی) می گوید: روز عاشورا پس از آنکه هر دو سپاه کاملاً آماده گردید و پرچمهای لشکر عمر سعد بر افراشته شد و صدای طبل و شیپور آنان در بیابان کربلا طنین افکن گردید، به طرف خیمه های حسین بن علی حرکت کرده و خیمه ها را احاطه نمودند، حسین بن علی از میان خیمه و از داخل لشکر خویش بیرون آمد و در برابر صفوف لشکر دشمن قرار گرفت و از آنان خواست تا سکوت کنند و به سخنان او گوش فرا دهند، ولی آنان همچنان سر و صدا و هلهله می کردند و صدای قهقهه و شادیشان بلند بود که آن حضرت با این جملات، به آرامش و سکوتشان دعوت نمود: ۱۴ / ۸ - و یلکم ما علیکم ان تنصتوا الی فتسمعوا قولی، و انما ادعوکم الی سبیل الرشاد، فمن اطاعتی کان من المرشدین و من عصانی کان من المهلکین، و کلکم عاص لامرئ غیر مستمع لقولی، قد انخزلت عطیاتکم من الحرام، و ملئت بطونکم من الحرام، فطبع الله علی قلوبکم، و یلکم الا تنصتون؟ الا تسمعون؟! (۱۰۸) (وای بر شما! چرا گوش فرا نمی ندهید تا گفتار را که شما را به رشد و سعادت فرا می خوانم بشنوید، هر کس از من پیروی کند، خوشبخت و هر کس عصیان و مخالفت ورزد، از هلاک شدگان است و همه شما عصیان و سرکشی نمود، و با دستور من مخالفت می کنید که به گفتارم گوش فرا نمی دهید. آری، در اثر هدایای حرامی که به دست شما رسیده، و در اثر غذاها و لقمه های غیر حلال ک شکمهای شما از آنها انباشته شده، خدا بر دلهای شما این چنین زده است. وای بر شما! چرا آرام نمی شوید؟! چرا گوش فرا نمی دهید؟!). ۱۴ / ۹ - تبا کم ایتها الجماعه و ترحا! افحین استصرختمونا و لهین متحیرین فاصرخناکم مودین مستعدین، سلتم علینا سیفا فی رقابنا، وحششتم علینا نار الفتن الی جناها عدوکم و عدونا، فاصبحتم الباعلی اولیائکم و یدا علیهم لا عدائکم بغیر عدل افشوه فیکم، و لا امل اصبح لکم فیهم الا الحرام من الدنیا انالوکم، و خسیس عیش طمعتم فیه من غیر حدث کان منا ولا رای تفیل لنا. (ای مردم! ننگ و عار و حزن ذلت بر شما باد که با اشتیاق فراوان در حالی که سرگردان بودید. ما را به یاری خود خواندید و چون به فریاد شما پاسخ مثبت داده و با سرعت به سوی شما شتافتیم، شمشیرهایی که از خود ما بود، بر علیه ما به کار گرفتید و آتش فتنه ای را که دشمن مشترک برافروخته بود، بر علیه ما شعله ور ساختید، به حمایت از دشمنانتان بر علیه پیشوایانتان به پا خاستید بی آنکه ما در میان شما عدالتی را برقرار سازند. و یا امید چیزی در آنان داشته باشید به جز طعمه حرامی که به شما رسانیده اند و مختصر زندگی ذلت باری که چشم طمع به آن دوخته اید و شما آنگاه بر علیه ما به پا ساختید که نه خطایی از ما سرزده و نه عقیده و اندیشه نادرستی از ما مشاهده کرده اید). ۴ / ۱۰ - فهلا - لکم الولیات! اذکرهتمونا ترکتمونا فتجهزتموها و السیف لم یشهر و الجاس طامن و الرای ام یستحصف، ولكن اسرعتم علینا کطیره الدباء، و تداعیتم الیها کتداعی الفراش، فقبحا لکم فانما انتم من طواغیت الامه و شذاذ الاحزاب و نبذة الکتاب و نفثة الشیطان و عصبه الاثام و محرفی الکتاب و مطفئی السنن و قتلہ اولاد الانبیاء و میبری عتره الاوصیاء و ملحقی العهار بالنسب و موذی المومنین و صراخ ائمه المستهزئین الذین جعلوا القران عضین. (هان! وای بر شما که با ناخوشایندی روی از ما برتافتید و از یاری ما سرباز زدید و آماده جنگ با ما شدید، آنگاه که شمشیرها در غلاف و دلها

آرام و راءیهها نیکو نبود، با این وصف مانند ملخ از هر سو به ما یاری روی آوردید و چون پروانه از هر طرف فرو ریختند، رویتان سیاه باد که شما از سرکشان امت و از بازماندگان احزاب منحرف هستید که قرآن را پشت سر انداخته و از دماغ شیطان در افتاده اید. شما از گروه جنایتکار و تحریف کنندگان کتاب و خاموش کنندگان سنتها می باشید که فرزندان پیامبر را می کشید و نسل اوصیا را از بین می برید. شما از گروه ملحق کنندگان زنازادگان به نسب و آزار دهندگان مومنان و فریاد رس پیشوایان استهزاکنندگان می باشید، همانان که قرآن را پاره پاره کردند (آنچه را به سودشان بود پذیرفتند، و آنچه را بر خلاف هوسهایشان بود رها نمودند!) (۴ / ۱۱) - و اتم ابن حرب و اشیاعه تعتمدون و ایانا تخذلون ، اجل والله ، الخذل فیکم معروف ، و شجت علیه عروقکم و توارثه اصولکم و فروعکم ، و نبت علیه قلوبکم ، و غشیت به صدورکم ، فکنتم اخبث شیء سنخا للناصب و اکلہ الغاصب ، الا لعنة الله على الناکثین الذین ینقضون الایمان بعد توکیدها، و قد جعلتم الله علیکم کفیلا فانتم و الله هم . (و شما اینک به فرزند حرب و پیروانش اتکا و اعتماد نموده و دست از یاری ما بر می دارید، بلی به خدا سوگند! غدر و خذل از صفات بارز شماست که رگ و ریشه شما بر آن استوار، تنه و شاخه شما آن را به ارث برده ، دلهایتان با این عادت نکوهیده رشد نموده و سینه هایتان با آن مملو گردیده است . شما به آن میوه نامبارکی می مانید که در گلولی باغبان رنجیده اش گیر کند و در کام سارق ستمگرش ، لذتبخش باشد. لعنت خدا بر پیمان شکنان که پیمانشان را پس از تاکید و توثیق آن ، درهم می شکنند و حال آنکه شما خدا را بر عهد و پیمان خود ضامن قرار داده بودید و به خدا سوگند! که شما همان پیمان شکنان هستید.) (۴ / ۱۲) - الا وان الدعی بن الدعی قد رکر بنین اثنتین ، بین السله و الذله ، و هیهات منا الذله ، یاءبی الله لنا ذلک و رسوله و المومنون ، و حجور طابت و طهرت ، و اتوب حمیه ، و نفوس ابیه ، من ان نؤثر طاعة اللئام علی مصارع الکرام ، الا وانی زاخف بهذه الاسره علی قلبه العدد و خذلان الناصر . (آگاه باشید! که این فرومایه (ابن زیاد) و فرزند فرومایه مرا در بین دو راهی شمشیر و ذلت قرار داده است ما کجا و ذلت کجا چرا که خدا و پیامبرش و مومنان از ذلت پذیری ما ابا دارند و دامنهای پاک مادران و مغزهای با غیرت و نفوس با شرافت پدران ، روا نمی دارند، که اطاعت افراد لئیم و پست را بر قتلگاه کرام و نیک منشان مقدم بداریم . آگاه باشید! که من با این گروه کم و با قلت یاران و عقب نشینی کنندگان ، برای جهاد آماده ام.) (۴ / ۱۳) - فان نهزم فهزامون قدما و ان نهزم فغیر مهزمینا و ما ان طبنا جبن و لکن منایانا و دوله آخرینا فقل للشامتین بنا افیقوا سیلقی الشامتون کما لقینا اذا ما الموت رفع عن اناس بکلکله اناخ بآخرینا (اگر ما پیروز شویم ، در گذشته هم پیروز بودیم و اگر شکست بخوریم ، باز هم شکست واقعی از آن ما نیست.) (ترس ، از شؤ و ن ما نیست ، ولی حادثی به ظاهر بر علیه ما رخ داده و سودی به دیگران رسیده است.) (شماست کنندگان ما را بگو به هوش باشید که آنان نیز مانند ما مورد شماتت قرار خواهند گرفت.) (و این مرگ هر وقت شترش را از کنار دری بلند کرد، در کنار خانه دیگری خواهد خوابانید.) (۴ / ۱۴) - اما و الله لا تلبثون بعدها الا کریمنا یرکب الفرس حتی تدور بکم دور الریحی و تقلق المحور عهد عهده الی ابی عن جدی رسول الله صل الله علیه و آله وسلم فاجمعوا و شرکاء کم ثم لا یکن امرکم علیکم غمه ثم اقصوا الی تنظرون انی توکلت علی الله و ربکم ، ما من دابة الا هو آخذ بناصیتها، ان ربی علی صراط مستقیم . (۱۰۹) (آگاه باشید! به خدا سوگند! پس از این جنگ به شما مهلت داده نمی شود که بر مرکب مراد خویش سوار شوید مگر به اندازه مدت کوتاهی که شخص سواره بر اسب خویش سوار است (که به زودی باید پیاده شود). آنگاه اسباب حوادث شما را به سرعت بچرخاند و مانند محور و مدار سنگ آسیاب ، مضطربتان گرداند و این عهد و پیمانی است که پدرم از جدم رسول خدا (ص) برای من بازگو نموده است و اینک ، همه شما پس از آنکه امر بر شما روشن گردیده است ، دست به دست توکل می کنم که پرودگار من و شماست و اختیار هر جنبه ای در دست اوست و خدای من بر صراط مستقیم است.) و این بود هفت فراز از اتمام حجت امام در دومین خطبه عاشورای آن حضرت . (۱۴ / ۱۵) - و یحکم یا شیعۀ آل ابی سفیان ! ان لم یکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد فکونوا احرارا فی دنیاکم ، هذه وارجعوا الی احسابکم ان کنتم عربا کما تزعمون ... انا الذی اقاتلکم و تقاتلونی ، والنساء لیس علیهن جناح ، فامنعوا عتاتکم و

طغانتکم و جهالکم عن التعرض لحرمی مادمت حیا . (۱۱۰) (وای بر شما ای شیعیان آل ابی سفیان! شما اگر دین ندارید و از روز جزا نمی هراسید (لا اقل) در زندگی خود آزار مرد باشید و اگر خود را عرب می پندارید، به نیاکان خود بیندیشید و شرف انسانی خود را حفظ کنید من با شما جنگ می کنم و شما با من و این زنانی گناهی ندارند، تا من زنده هستم از تعرض یاغیان و تجاوزگراتان به حریم اهل بیت من جلوگیری کنید). (خوارزمی) می گوید: امام حسین علیه السلام جنگ سختی نمود و در هر حمله عده ای از دشمن را به هلاکت رسانید دشمن خواست با وارد کردن ضربه روحی آن حضرت را تضعیف کند و با حایل شدن در خیمه ها و قتلگاه، حمله به خیمه ها را شروع کرد، در اینجا بود که آن حضرت لشکریان کوفه را با این جملات مورد خطاب قرار داد: (یا شیعه آل ابی سفیان ...).

۱۵ - اتمام حجت خصوصی

این بود فراز از احتجاج و اتمام حجت عمومی حسین بن علی علیه السلام که در این فرازها بود مورد خطاب آن حضرت، همه لشکریان ابن زیاد و همه افرادی است که برای جنگ با فرزند رسول خدا در کربلا شده بودند. ولی در احتجاج آن بزرگوار، مواردی نیز وجود دارد که در آنها طرف خطاب، افراد مخصوصی بوده و اتمام حجت آن حضرت عنوان فردی و شخصی داشته است، به ذکر نمونه هایی از این نوع اتمام حجت که در دسترس ما بوده، می پردازیم: با عبید الله بن حر جعفی ۱ / ۱۵ - یا بن الحر! ان اهل مصر کم کتبوا الی انهم مجتمعون علی نصرتی و سالونی القدوم علیهم و لیس الامر عل ما زعموا و ان علیک ذنوبا کثیرة، فهل لک من توبه تمحو بها ذنوبک؟ ... تنصرا بن بنت نبیک و تقاتل معه . (۱۱۱) (ای پسر حر!) همشهریان شما (کوفه) برای من نامه نوشته اند که بر نصرت و یاری من اتحاد نموده اید و از من خواسته اند به شهرشان بیایم . در حالی که حقیقت امر غیر از این است و تو ای (حر جعفی!) گناهان زیادی را مرتکب شده ای، آیا نمی خواهی از آن گناهان تو کنی؟ ... فرزند دختر پیامبر را یاری کرده و به همراه او با دشمنانش بجنگی). امام علیه السلام این جملات را در منزل (قصرین مقاتل) و هنوز به کربلا وارد نشده بود و به (عبیدالله) فرمود، آنکه که در میان آنان ملاقاتی رخ داد، ولی عبیدالله به بهانه ای مادی، توفیق این توبه را از دست داد. باید توجه داشت که (عبیدالله بن حر) از افراد شجاع و سرشناس و از هواداران عثمان بود و پس از کشته شدن او، نزد معاویه رفت و در جنگ صفین در صف لشکریان او با امیر مومنان علیه السلام جنگ نمود، در تاریخ از غارتگریها و راهزنیهای عبیدالله در دوران معاویه و غیر آن، مطالب فراوان نقل گردیده است . با عمر بن سعد ۲ / ۱۵ - یا ابن سعد! اتقاتلنی؟ اما تتقی الله الذی الیه معادک؟! فانا ابن من قد علمت! الا تکون معی و تدع هولاء فانه اقرب الی الله تعالی؟ (۱۱۲) (ای پسر سعد! آیا می خواهی با من جنگ کنی؟ در حالی که مرا می شناسی و می دانی من فرزند چه کسی هستم و آیا از خدایی که بازگشت تو به سوی اوست نمی ترسی؟! آیا نمی خواهی به همراه من باشی و دست از اینها (بنی امیه) برداری که این عمل به خداوند نزدیکتر (و جلب کننده رضای اوست) . امام علیه السلام این جمله را در شب هشتم و نهم محرم در ضمن ملاقاتی که در میان دو لشکر و طبق پیشنهاد آن حضرت با عمر سعد داد، خطاب بدو ایراد فرمود. باز هم با عمر سعد ۳ / ۱۵ - ای عمر! اتزعم انک تقتلنی و یولیک الدعی بلاد الری و جرجان، و الله تتهننا بذلک عهد معهود، فاصنع ما انت صانع، فانک لا تفرح بعدی بدنیا و لا آخره، و کانی براسک علی قصبه یترامه الصبیان بالکوفه و یتخذونه غرضا بینهم ... (۱۱۳) (ای عمر سعد! آیا تو خیال می کنی با کشتن من (به جایزه بزرگی دست خواهی یافت و) این فرومایه (ابن زیاد) حکومت ری و گرگان را به تو واگذار خواهد نمود، به خدا سوگند! چنین حکومتی بر تو گوارا نخواهد گردید و این پیمانی است محکم و پیش بینی شده، اینک آنچه درباره ما از دست تو بر می آید انجام بده که پس از (کشتن) من نه در دنیا و نه در آخرت روی خوشی و راحتی نخواهی دید و چندان دور نیست روزی که در همین شهر کوفه، سر بریده تو را بر نیزه بزنند و کودکان آن را اسباب بازی قرار داده و سنگ بارانشان قرار بدهند). حسین بن علی علیه السلام پس از سخنرانی دوم در

روز عاشورا، عمر سعد را گرفت و او با اینکه از این ملاقات اکراه داشت، به ناچار از صف دشمن فاصله گرفت و جلو آمد به طوری که گردن اسب امام با گردن اسب وی مقابل هم قرار گرفت، آن حضرت برای آخرین بار با جملاتی که ملاحظه فرمودید، با وی اتمام حجت فرمود و آینده تیره و تاریک او را ترسیم نمود، اما او از نصیحت و اتمام حجت امام بهره ای نگرفت و همانگونه که آن حضرت فرمود به شقاوت و بدبختی دنیا و آخرت دچار گردید. با عمرو بن حجاج ۴ / ۱۵ - یحکک یا عمرو! اعلیٰ تعرض الناس؟ انحن مرقنا من الدین و انت تقیم علیه؟ ستعلمون اذا فارقت ارواحنا اجسادا من اولی بصلی النار. (۱۱۴) (وای بر تو ای عمرو! آیا مردم را به این بهانه که ما از دین خارج شده ایم بر علیه من می شورانی؟ آیا ما از دین خارج شده ایم و تو در آن پا برجا هستی؟! آری، به زودی که روح، از بدن ما جدا می شود، خواهید دید که چه کسی از دین بیرون رفته و سزاوار آتش خواهد بود). امام علیه السلام این اتمام را به (عمرو بن حجاج) یکی از فرماندهان لشکر کوفه نمود آنگاه که دید وی افراد تحت فرماندهی خود را که چهار هزار نفر بودند با این جملات بر جنگ با آن حضرت تشویق می کند: قاتلوا من مرق عن الدین و فارق الجماعة!!! (بجنگید! با کسی (حسین بن علی علیه السلام) که از دین خدا برگشته و از صف مسلمانان خارج شده است!!!).

۱۶ - پیام استمداد

این بود پیامهای اتمام بخش حسین بن علی علیه السلام. به طوری که قبلا اشاره نمودیم، در این بخش علاوه بر پیام اتمام حجت، با پیامهای استمداد و استغاثه آن حضرت هم آشنا خواهیم گردید و اینک: ۱ / ۱۶ - اما من مغیب یغیثنا لوجه الله؟! اما من داب یدب عن حرم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم. (۱۱۵) (آیا فریاد رسی نیست که برای رضای خدا به فریاد ما برسد؟! آیا دفاع کننده ای نیست که از حرم رسول خدا (ص) دفاع کند؟!). امام علیه السلام این جمله را در روز عاشورا، در ضمن جملاتی پس از آنکه سخنرانی عمومیش تمام شد، ایراد فرمود، آنگاه که از طرف دشمن، گروه تیراندازان، یاران حسین بن علی علیه السلام را تیرباران نمودند و تعدادی از آنان را به خاک و خون کشیدند و طبق نقل مرحوم مقرر، چون صدای استغاثه امام علیه السلام به گوش اهل بیت آن حضرت رسید، صدای گریه و ناله از میان خیمه ها برخاست. ۲ / ۱۶ - هل من ذاب یدب عن حرم رسول الله؟! هل من موحد یخاف الله فینا؟! هل من مغیث یرجو الله فی اغاثتنا؟! هل من معین یرجو ما عند الله فی اعانتنا؟! (آیا مدافعی هست از حرم رسول خدا دفاع کند؟! آیا بنده یکتا پرستی هست درباره ستمی که بر ما وارد می شود از خدا بترسد؟! آیا فریاد رسی هست که به امید خداوندی به فریاد ما برسد؟! آیا یاری دهنده ای هست که به امید ثواب الهی به یاری ما برخیزد؟!). طبق نقل خوارزمی، امام علیه السلام این جملات را با صدای بلند و به عنوان اتمام حجت، خطاب به لشکریان عمر سعد ایراد فرمود در حالی که همه یاران آن حضرت به شهادت رسیده بودند. ۳ / ۱۶ - یا کرام! هذه الجنة!... فحاموا عن دین الله و دین نبیه و ذبوا عن حرم رسول صلی الله علیه و آله. (۱۱۷) (ای عزیزان! اینک درهای بهشت به روی شما باز شده است پس، از دین خدا و آیین پیامبرش حمایت و از حرم رسول دفاع کنید). این جملات را امام علیه السلام پس از اقامه نماز ظهر روز عاشورا هنگامی که عده ای از یاران در مقابلش به روی خاک افتاده و به درجه شهادت و سعادت ابدی نایل گردیدند، ایراد فرمود، گرچه این خطاب، استغاثه و استمداد به ظاهر متوجه یاران و اصحاب آن حضرت بود که در انتظار شهادت، دقیقه شماری می نمودند، اما در حقیقت دعوتی عام استغاثه ای فراگیر و بیان وظیفه ای بود که شامل تمامی کسانی می شد که صدای آن حضرت را می شنیدند.

۱۷ - پیام انتقام

قرآن مجید می فرماید: فانقمنا منهم فانظر کیف کان عاقبة المکذبین. (۱۱۸) (ما از آنان (تکذیب کنندگان انبیا) انتقام گرفتیم، پس بین چگونه است عاقبت کار تکذیب کنندگان). گرچه این آیه شریفه درباره امتهای پیشین گذشته است که پیامبران خود را بر

اساس افکار باطل و به تبعیت از نیاکان خویش تکذیب نموده اند، ولی یکی از مصادیق بارز کسانی که رهبران و پیشوایان خود را تکذیب نموده و با آنان به مبارزه برخاسته اند و قبل از آخرت در این دنیا شمشیر انتقام الهی بر سر آنان فرود آمده و قبل از مرگ، قانون مجازات آنان را فرا گرفته است، بنی امیه و پیروان آنان مخصوصا مردم کوفه بودند. تاریخ از این نظر غنی و گویاست و نکات حساس و تکان دهنده ای را از سرنوشت آنان برای آیندگان حفظ کرده است. ولی آنچه در اینجا مورد نظر است، پیش بینیهای صریح قاطع و پیامهای کوتاه شعار گونه حسین بن علی علیه السلام در مورد انتقامها و مجازاتها دنیوی است؛ که آن حضرت در مقاطع مختلف به صراحت بیان نموده تا بلکه بتواند از این راه آنان را از عذابی به چنین جنایت هولناکی باز داشته و از بروز سرنوشتی شوم در دنیا و عذابی دردناک در آخرت، جلوگیری نماید. ۱ / ۱۷ - و الله! لا یدعونی حتی یستخرجوا هذه العلقه من جوفی، فاذا فعلوا ذلك سلط علیهم من یدلهم حتی یكونوا اذل من فرام المرأة. (۱۱۹) (به خدا سوگند! بنی امیه از من دست بر نمی دارد تا خون مرا بریزند و چون جنایت را مرتکب شوند خداوند کسانی را بر آنان مسلط می کند تا ایشان را به ذلت بکشاند ذلتی بدتر از کهنه پاره زنان). امام علیه السلام این جمله را در پاسخ (ابن عباس) فرمود، آنگاه که از عراق آن حضرت درخواست نمود تا در شهر مکه اقامت نموده، پس از قیام مردم عراق و بیرون راندن حکام و فرمانداران بنی امیه از شهرهایشان، به سوی حرکت نماید. ۲ / ۱۷ - ان هولاء اخافونی و هذه كتب اهل الكوفة و هم قاتلی، فاذا فعلوا ذلك و لم یدعوا لله محرما الا بعث انتھکوه بعث الله الیهم من یقتلهم حتی یكونوا اذل من فرام الامه. (۱۲۰) اینان (بنی امیه) مرا تهدید نمودند، اهل کوفه هم به وسیله این نامه ها از من دعوت کردند و قاتل من هم خودشان خواهند بود و چون این گناه بزرگ را مرتکب شده و احترام الهی را در هم شکستند، خداوند کسی را بر آنان مسلط خواهد نمود که به کشتار آنان بپردازد به طوری که ذلیل تر از کهنه پاره کنیزان گردند). امام علیه السلام این جمله را که مشابه جمله گذشته است، در پاسخ شخصی فرمود که در مسیر کوفه با آن حضرت مواجه گردید، زیرا او سؤال نمود یابن رسول خدا! چه انگیزه ای موجب گردید که شما از مدینه و حرم جد خود خارج شده و به این بیابان بی و آب و علف روی آوردید؟! ۳ / ۱۷ - انهم لن یدعونی حتی یستخرجوا هذه العلقه من جوفی، فاذا فعلوا ذلك سلط الله علیهم من یدلهم حتی یكونوا اذل فرق الامم. (۱۲۱) (آنان دست از من بر نمی دارند تا خون مرا بریزند و چون این جنایت را مرتکب شوند، خداوند کسی را بر ایشان مسلط گرداند که آنان را ذلیلترین ملتها سازد). این جمله را امام علیه السلام در منزل (بطن عقبه) و در پاسخ (عمرو بن لوزان) فرمود آنگاه که او هم از سفر منصرف شده و به مدینه مراجعت نماید. ۴ / ۱۷ - وایم الله! لیقتلونی فیلبسهم الله ذلا شاملا و سیفا قاطعا و یسلط علیهم من یدلهم حتی یكونوا اذل من قوم سباء، اذ ملکتهم امراء فحکمت فی اموالهم و دمائهم. (۱۲۲) به خدا سوگند! مسلما آنان مرا خواهند کشت و خدا به ذلت فراگیر و شمشیر بران مبتلایشان ساخته و کسی را بر آنان مسلط خواهد نمود که آنان را به ذلت کشانیده از قوم سبا که زنی بر ایشان مسلط شد و به دلخواه خویش در مال و جانشان حکمرانی نمود، ذلیل تر گرداند). این جمله را امام علیه السلام در منزل (رهیمه) در پاسخ (ابوهرم) ایراد فرمود. ۵ / ۱۷ - لعنتم و اخزیتم بما قد جنیتم فسوف تلاقوا حرنار توقد. (۱۲۳) (شما مردم کوفه) در اثر جنایتی که مرتکب شدید، مورد لعنت و غضب خدا قرار گرفتید و به زودی آتشی سوزان را در خواهید یافت). این بیت، یکی از چهار بیت شعری است که حسین بن علی علیه السلام در بالین حضرت ابوالفضل به عنوان ندبه و مرثیه برادرش و نکوهش از اقدام و جنایت مردم کوفه و خطاب به آنان ایراد فرموده است.

۱۸ - پیام شهادت

گرچه موارد متعددی از پیامهای پیشین بویژه پیام انتقاد که در فصل گذشته ملاحظه نمودید، متضمن پیام شهادت نیز می باشد و مضمون آنها بیانگر آمادگی امام برای فداکاری در راه اعلائی کلمه توحید و از بین بردن موانع پیشرفت اسلام و بذل جان و مال در راه عقیده و آرمان خویش است، ولی به جهت اهمیت موضوع و صراحت پیام شهادت آن بزرگوار و جلب توجه بیشتر اینک نمونه

هایی از این شعار پیام را به صورت بخشی مستقل و جداگانه در اختیار خوانندگان عزیز قرار می دهیم : ۱/۱۸ - خط الموت علی ولد آدم مخط القلاده علی جید الفتاة ، و ما اولهنی الی اسلافی اشتیاق یعقوب الی یوسف ، و خیر لی مصرع انا لاقیه ، کانی باوصالی تقطعها عسلان الفلاة بین النوایس و کربلا- فیملان منی اکراشا جوفاً و اجره سغباً، لا محیص عن یوم خط بالقلم ، رضا الله رضانا اهل البیت ، نصبر علی بلائه و یوفنا اجور الصابرین ... الا من کان فینا باذلاً مهجته موطناً علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا، فانی راحل مصباح ان شاء الله تعالی (۱۲۴) مرگ بر فرزندان آدم لازم و حتمی گردیده ، همانند گردند که لازمه گردن دختران جوان است و من به دیدار نیاکانم آنچنان مشتاقم مانند اشتیاق یعقوب به دیدار یوسف و برای من قتلگاه معین شده که به آنجا خواهیم رسید و گویا می بینم که درندگان بیانانها (لشکرکوفه) در سرزمین میان نوایس (۱۲۵) و کربلا- اعضای بدن مرا قطعه - قطعه کرده و شکمهای گرسنه خود را با آنها سیر و انبانهای خالی خود را پر می کنند، از پیش آمدی که با قلم قضا و قدر نوشته شده است ، گریزی نیست ، خشنودی خداوند ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است ، در برابر امتحان خدا صبر و شکیبایی می خواهد در راه ما از جانش بگذرد و خونسش را در راه لقای خداوند نثار کند، آماده حرکت با ما باشد که من فردا صبح حرکت خواهم نمود. ان شاء الله تعالی). این جملات ، بخشی از سخنرانی حسین بن علی علیه السلام است که یک روز قبل از حرکت از مکه آن را ایراد نموده است . نامه ای به بنی هاشم ۱۸ / ۲ - بسم الله الرحمن الرحیم ، من الحسین بن علی الی محمد بن علی و من قبله من بنی هاشم . اما بعد، فان من لحق بی استشهد و من لم یلحق بی لم یدرک الفتح ، و السلام . (۱۲۶) (به نام خداوند بخشنده مهربان . از حسین بن علی به محمد بن علی و افراد دیگر از بنی هاشم که در نزد وی هستند. اما بعد هریک از شما در این سفر به من ملحق شود، به شهادت خواهد رسید و هر کس از شما مرا همراهی نکند، به پیروزی دست نخواهد یافت . والسلام). بنا به نقل محدث بزرگ (ابن قولویه) حسین بن علی علیه السلام این نامه را در ایامی که در مکه اقامت داشت برای برادرش (محمد حنفیه) و سایر افراد بنی هاشم که در مدینه بودند، نگاشت و (ابن عساکر و ذهبی) هم نظریه (ابن قولویه) را تایید نموده اند. (۱۲۷) ولی مرحوم (سید بن طاووس) (۱۲۸) از (کلینی رحمه الله علیه) نقل می کند که این نامه از ناحیه حسین بنی علی علیه السلام پس از آنکه از مکه حرکت نموده ، صادر شده است . در بطن عقبه ۱۸ / ۳ - ما ارانی الا مقتولاً، فانی رایت فی المنام کلاباً تنهشنی ، و اشدھا علی کلب ابقع . (۱۲۹) (من درباره خودم هیچ پیش بینی نمی کنم جز اینکه کشته خواهم شد؛ زیرا در عالم رویا دیدم که سگهای چندی به من حمله نمودند و درنده ترین آنها سگی بود سفید و سیاه). امام علیه السلام این خبر را در منزل (بطن عقبه) به اطلاع یاران و اهل بیت خویش رسانید. ۱۸ / ۴ - انی خفت براسی فعن لی فارس و هو یقول : القوم یسیرون و المنایا تسری الیهم ، فعلمت انها انفسها نعت الینا . (۱۳۰) (من سرم را به زین اسب گذاشته بودم که خواب خفیفی بر چشمم مسلط شد، در این موقع صدای اسب سوار (هاتفی) به گوشم رسید که می گفت اینان به هنگام شب در حرکتند، مرگ هم آنان را تعقیب می کند و برای من معلوم شد که این خبر مرگ ماست). امام این جمله را پس از حرکت از (قصر بنی مقاتل) و در نزدیکی کربلا فرمود، آنگاه که قافله شبانه در حرکت بود، صدای استرجاع امام بلند شد، حضرت علی اکبر علت این استرجاع را سؤال نمود، امام در پاسخ وی فرمود: (انی خففت براءسی ...). هنگام ورود به کربلا ۱۸ / ۵ - ارض کرب و بلاء قفوا و لا تبرحوا و خطوا و لا ترحلوا فهیئنا و الله محط رحالنا و هیئنا و الله سفک دماننا و هیئنا و الله تسبی حریمنا و هیئنا و الله محل قبورنا و هیئنا و الله محشرنا و منشرنا و بهذا و عدنی جدی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و لا خوف لو عده . (۱۳۱) اینجا سرزمین حزن و مصیبت است بایستید و حرکت نکنید، بارها را بگشایید و منزل کنید، به خدا سوگند اینجاست محل فرود آمدن قافله ما، و به خدا سوگند همین جاست جایگاه ریخته شدن خونهای ما، و به خدا سوگند اینجاست که خانواده ما اسیر می شود و به خدا سوگند اینجاست محل قبرهای ما و به خدا سوگند اینجاست حشر و نشر ما که جدم رسول خدا به من وعده داده است و خلافتی در وعده او نیست). امام ، این جملات را هنگام ورود به سرزمین کربلا ایراد فرمود. عصر تاسوعا ۱۸ / ۶ - انی رایت رسول الله صلی الله علیه و آله فقال لی : انک تروح الینا . (۱۳۲)

(اینک جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که به من فرمود: به نزد ما خواهی آمد). امام، این جمله را در عصر تاسوعا فرمود، آنگاه که در کنار خیمه به شمشیرش تکیه نموده و خواب خفیفی بر چشمان آن حضرت غالب گردید و همان وقت لشکر کوفه به سوی خیمه‌ها حرکت نمود و چون زینب کبری علیها السلام هلهله دشمن را شنید، شتابزده برادرش را بیدار کرده و از وضعی که پیش آمده بود که را مطلع نمود، در این موقع آن حضرت فرمود: انی رایت رسول الله صلی الله علیه و آله فی المنام ۱۸ / ۷ - ... و قد اخبرنی جدی رسول الله صلی الله علیه و آله بانى ساساق الی العراق ، فانزل ارضا یقال لها عمورا و کربلا، و فیها استشهد و قد قرب الموعد، الا و انی اظن یومنا من هولاء یومنا من هولاء الاعداء غدا... . (...جدم رسول خدا به من چنین چیزی خبر داده بود که من به عراق فرا خوانده می شوم و در محلی که به آن عمورا و کربلا می گویند فرود آمده و در همانجا به شهادت می رسم و اینک وقت آن رسیده است و به گمان من فردا دشمن جنگ را با ما آغاز خواهد نمود). ۱۸ / ۸ - انی غدا اقتل ، و تقتلون کلکم معی ، و لا یبقی منکم واحد . (۱۳۳) (من فردا کشته می شوم و همه شما حتی قاسم و عبدالله شیرخوار کشته خواهد شد و کسی از شما زنده نخواهد ماند). حسین بن علی علیه السلام عصر تاسوعا یا شب عاشورا یا شب عاشورا در میان یارانش سخنرانی و با جملاتی که از رسول خدا نقل نمود و شهادت خود و هر کس را که همراه اوست ، صریحا اعلان کرد، آنگاه به همه آنان اجازه مرخصی داد و هر یک از آنان با بیانی استقامت و پایداری خود را ابراز نمود و در اینجا بود که برای آخرین بار با یک جمله دیگر، آینده را برای آنان ترسیم نمود و چنین فرمود: ۹/۱۸ - ...رایت کان کلابا قد شدت علی لتهشنی ، و فیها کلب ابقع رایته اشدها علی ، اظن ان الذی یتولی قتلی رجل ابرص من بین هولاء القوم ، ثم انی رایت بعد ذلک جدی رسول الله صلی الله علیه و آله و معه جماعه من اصحابه و هو یقول لی : یا بنی انت شهید آل محمد و قد استبشر بک اهل السموات و اهل الصفیح الاعلی ، فلیکن افطارک عندی اللیله ، عجل و لا تؤخر، فهذا ملک قد نزل من السماء لیاخذ دمک فی قاروره خضراء، فهذا ما رایت و قد انف الامر و اقترب الرحیل من هذه الدنیا لا شک فی ذلک . (۱۳۴) سحرگاهان شب عاشورا خواب سبکی چشم امام علیه السلام را فرا گرفت و چون بیدار گردید خطاب به یاران و اصحابش چنین فرمود: (من در خواب دیدم گویا که چندین سگ بر من حمله می کنند و درنده ترین آنها سگی بود به رنگ سیاه و سفید و چنین گمان می کنم قاتل من از میان این مردم کسی است که به مرض برص مبتلاست . پس از آن رسول خدا را با گروهی از یارانش در خواب دیدم که به من فرمود پسرکم تو شهید آل محمد هستی و ساکنان آسمانها و عرش برین ، آمدن تو را به همدیگر مژده و بشارت می دهند. تو امشب افطار را نزد من خواهی بود، بشتاب و تاخیر روا مدار. و اینک فرشته ای از آسمان فرود آمده است تا خون تو را در شیشه سبز رنگی جمع آوری و حفظ کند این بود خوابی که من دیدم ، اینک وقت آن فرا رسیده و زمان کوچ کردن از این دنیا، نزدیک شده است و شکی در آن نیست).

۱۹ - پیام پیروزی

آنان که وارد صحنه جنگ و میدان مبارزه شده و در برابر دشمن قرار می گیرند، در پی پیروزی خود و شکست دشمن هستند و حسین بن علی علیه السلام نیز از این قانون خود مستثنا نیست ، ولی نکته مهم این است که شکست و پیروزی از نظر آن حضرت ، بر خلاف عامه مردم ، مفهوم و معنای خاص داشت و دارائی بعد دیگری است که این معنا در نظر اکثر مردم نه تنها کاربردی ندارد، بلکه گاهی درک و تصور آن نیز ممکن نیست و از این رو درباره قیام آن حضرت تاویلات و برداشتهای گوناگون و گاهی نظرات متضادی ابراز شده است . آری ، مفهوم پیروزی از نظر امام علیه السلام در مرحله اول انجام دادن یک وظیفه الهی و به پایان رسانیدن یک مسوولیت شرعی است . پیروزی از دیدگاه آن حضرت تحکیم بخشیدن به ارزشهای انسانی و حرکت در مسیری است که برای همه انبیا و اوصیا در جهت هدایت جامعه به سوی سعادت ابدی آنان ترسیم شده است ؛ خواه این حرکت با پیروزی ظاهری او و شکست دشمن همراه باشد یا این حرکت به شکست ظاهری منجر شود. و این حقیقتی است که فرازهای متعددی از پیامهای آن

حضرت به وضوح بر آن دلالت می‌کند، اکنون به نقل چند نمونه از آنها می‌پردازیم: ۱ / ۱۹ - اما بعد، فانه یشاقق الله و رسوله من دعاء الی الله عزوجل و عمل صالحا و قال اننی من المسلمین؛ و قد دعوت الی الامان و البر و الصلوة، فخیر الامان الله. (۱۳۵) (کسی که به سوی خدا دعوت کند و عمل صالح انجام دهد و خود را در زمره مسلمانان بداند، بی شک با خداوند و پیامبرش مخالفت نورزیده است و اما اینکه به امان، احسان، صلح و پاداش دعوت نمودی پس آگاه باش بهترین امان، امان خداست). این فراز و پیام، بخشی از جملاتی است که حسین بن علی علیه السلام در پاسخ (عبدالله بن جعفر و یحیی بن سعید) فرمود که آنان پس از حرکت امام علیه السلام از مکه، بیرون شهر به آن بزرگوار رسیدند و ضمن ارائه امان نامه ای از (عمرو بن سعید (۱۳۶)) از آن حضرت در خواست مراجعت به مکه نمودند و عبدالله در این باره اصرار می‌ورزید و خطرات آینده و پیمان شکنی مردم عراق را ترسیم می‌نمود، امام علیه السلام با جملات یاد شده، پاسخ داد. ۲ / ۱۹ - بسم الله الرحمن الرحیم، من الحسین بن علی الی محمد بن علی و من قبله من بنی هاشم. اما بعد، فان لحق بی استشهاد و من لم یلحق بی لم یدرک الفتح، والسلام. (۱۳۷) ما این فراز و ترجمه آن را در صفحه یکصد و نه ضمن پیام شهادت حسین بن علی علیه السلام نقل نمودیم و چون این سخن امام، گذشته از پیام شهادت، دارای مفهوم پیروزی معنوی می‌باشد، در این بخش نیز به نقل آن مبادرت ورزیدیم. ۳ / ۱۹ - ان نزل القضاء بما نحب و نرعی فحمد الله علی نعمائه، و هو المستعان علی اداء الشکر، وان القضاء دون الرجاء فلم یبعد من کان الحق نیته، و التقوی سریره. (۱۳۸) (اگر پیشامدها بر وفق مراد و دلخواه ما باشد، شکر گزار نعمتهای خداوند خواهیم بود و تنها اوست یار و مددکار ما در سپاس گزاریش. و اگر حوادث و پیشامدها میان ما و خواسته هایمان مانع گردد و کارها طبق مراد ما پیش نرود، باز هم کسی که نیتش حق و پاکیزه سرشت است، از مسیر صحیح دور نگردیده (و راه خود را گم نمی‌کنید)). امام علیه السلام این فراز را در پاسخ (فرزدق) شاعر معروف که عازم حج بود، در خارج از شهر مکه به او فرمود. حضرت در این ملاقات از وی وضع مردم عراق را پرسید، پاسخ فرزدق این بود: (قلوب الناس معک و اسیافهم علیک). (۱۳۹) (گرچه دل‌های مردم با شماست، اما شمشیرهایشان بر علیه تان می‌باشد). لحن فرزدق یاس آور و پیشنهادش به امام علیه السلام انصراف از سفر به عراق بود که امام با جمله فوق: (ان نزل القضاء...) به او پاسخ داد. ۴ / ۱۹ - اما و الله! انی لارجو خیرا ما اراد الله بنا، قتلنا ام ظفرنا. (۱۴۰) آگاه باش! به خدا سوگند! من امید قطعی دارم بر اینکه اراده و خواست خداوند درباره ما خیر است، خواه کشته شویم یا پیروز گردیم). این فراز و فراز سوم را امام در منزل (عذیب الهجانات) یکی از منازل نزدیک کربلاست، در پاسخ (طرمح) و یارانش ایراد فرمود وقتی او به همراه چهار تن از دوستانش در این منزل به حضور امام رسید، دوستانش عرض کردند یابن رسول الله! (طرمح) در این سفر، اشعاری را که مشعر بر شوق وافر و ارادت شدید به درک فیض زیارت شما و در عین حال، حاکی از اضطراب و نگرانی او از این سفر شما بود، زیاد می‌خواند و تکرار می‌نمود، امام علیه السلام برای رفع نگرانی آنان فرمود: ...انی لارجو ان یکون خیرا ما اراد الله بنا... آنگاه خود طرمح چنین گفت: یابن رسول الله! نگرانی من بی جهت نیست؛ زیرا من از کوفه بیرون نیامدم مگر اینکه دیدم در کنار این شهر، گروه زیادی برای مقابله با شما اجتماع کرده اند، شما را به خدا سوگند! از این سفر بر گردید؛ چون من اطمینان ندارم حتی یک نفر از اهل کوفه هم به یاری شما برخیزد. امام علیه السلام در پاسخ پیشنهاد طرمح پیشنهاد چنین فرمود: ۵ / ۱۹ - ان بیننا و بین القوم عهدا و میثاقا، و لسنا نقدر علی الانصراف حتی تتصرف بنا و بهم الامور و بهم الامور فی عاقبه. (۱۴۱) در میان ما و مردم کوفه عهد و پیمان بسته شده است (از آنان و عده حمایت و از ما وعده رهبری و هدایت) و در اثر این پیمان، برای ما امکان بازگشت نیست تا ببینیم عاقبت کار ما و آنان به کجا می‌انجامد). ۶ / ۱۹ - (ما کنت لا بداهم بالقتال حتی یدئونی). (۱۴۲) (من شروع کننده جنگ نخواهم بود مگر آنان شروع کنند). چون قافله امام علیه السلام و به موازات آن، سپاهیان حر به (عذیب الهجانات) رسیدند، نامه ای از ابن زیاد به دست حر رسید که مضمون آن سختگیری نسبت به حسین بن علی و جلوگیری از حرکت آن حضرت بود. در اینجا (زهیر بن قین) از یاران امام علیه السلام چنین پیشنهاد نمود که یا بن رسول الله! برای ما جنگ کردن با این گروه کم آسانتر

است از جنگ نمودن با لشکر انبوهی که در پشت سر آنان می باشد و با ورود چنین لشکری ، تاب مقاومت برای ما نخواهد ماند. امام در پاسخ (زهیر) فرمود: (تا آنان شروع به جنگ نکنند، من آغازگر جنگ نخواهم بود).

۲۰- دعا و نفرین در پیام امام

توضیح

مواردی در کلام حسین بن علی علیه السلام ملاحظه می شود که دارای مفهوم دعا و یا جنبه نفرین می باشد. این نوع پیامها همانگونه که از لحاظ مفهوم ، دارای ویژگی است ، از جهت شرایط زمان و انگیزه بیان نیز دارای ویژگی و خصوصیت است ؛ زیرا پیام دعای امام ، متوجه کسانی است که از آنان علاوه بر وفاداری و شجاعت که همه یاران آن حضرت از آن برخوردار بودند، نوعی شهامت و ثبات قدم و ایثار به وقوع پیوسته که نظر فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله را به تحسین بیشتر که در قالب دعا و تحقیق پذیرفته است ، جلب نموده است . و همچنین آن حضرت افرادی را مورد نفرین قرار داده است که از آنان علاوه بر عداوت و دشمنی عمومی ، نوعی حالت عناد و لجاجت و کینه عمیق و خصومت بیش از حد، مشاهده فرموده است . و اینک دعاهای آن حضرت : ۱ / ۲۰ - اللهم اجعل لنا و لهم الجنة ، و اجمع بیننا و بینهم فی مستقر من رحمتک و رغائب مذخور ثوابک . (۱۴۳) (خدایا! بهشت را برای ما و آنان قرار بده و آنان را در پایگاه رحمت به مرغوبترین ثوابهای ذخیره شده ات ، نایل بگردان) . امام هنگام ملاقات با (طرماح بن عدی) و همراهانش ، در نزدیکی کربلا- این دعا را فرمود، آنگاه که آنان خیر شهادت (قیس بن مسهر صیداوی) ، پیک حسین علیه السلام را به اطلاع آن حضرت رسانیدند، امام علیه السلام اول این آیه شریفه را قرائت نمود: فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا . (۱۴۴) آنگاه چنین دعا کرد: (اللهم اجعل لنا و لهم الجنة...) . ۲ / ۲۰ - جزاک الله من ولد خیر ما جزى ولدا عن والده . (۱۴۵) (خداوند بهترین پاداشی را که فرزند از سوی پدر دریافت می کند به تو عطا فرماید). امام علیه السلام این دعا را درباره فرزندش علی اکبر علیه السلام فرمود، آنگاه که در (قصر بنی مقاتل) هنگام حرکت ، پس از خواب سبک ، فرمود: انا لله و انا الیه راجعون و الحمد لله رب العالمین . حضرت علی اکبر علیه السلام از استرجاع پدرش سؤال نمود، امام پاسخ فرمود: خواب دیدم که هاتمی می گوید: این گروه شبانه در حرکتند و مرگ نیز در تعقیب آنان است . حضرت علی اکبر علیه السلام عرضه داشت : (لا اراک الله بسوء، السنا علی الحق؟) . (خدا تو را بد ندهد آیا ما بر حق نیستیم؟) فرمود: چرا؟، عرضه داشت : (فاذا لانبالی ان نموت محقین) . (اگر در راه حق بمیریم از مرگ ترسی نداریم) . در اینجا بود که آن حضرت فرمود: جزاک الله من ولد خیر ما جزى ولدا عن والده . ۳ / ۲۰ (ذکرت الصلاة جعلک الله من المصلین الذاکرین) . (۱۴۶) متن و توضیح این فراز در بخش پیام نماز، از نظر خواننده عزیز گذشت و این دعا که خطاب به (ابو ثمامه صائدی) است ، بیانگر اهمیت نماز است که او فرا رسیدن وقت نماز ظهر را به اطلاع امام علیه السلام رسانید و آن حضرت وی را به نیل بزرگترین مقامات معنوی که مقام نمازگزاران و ذاکرین خداوند است دعا نموده است . ۴ / ۲۰ - اما بعد، فانی لا اعلم اصحابا اوفی و لا خیرا من اصحابی ، ولا اهل بیت ابر و لا اوصل من اهل بیتی ، فجزاکم الله عنی خیرا . (۱۴۷) این فراز از گفتار و دعای امام که خطاب به یاران و اهل بیت آن حضرت است ، جزء سخنرانی شب عاشورا است که در ضمن شجاعت ملاحظه فرمودید و در اینجا دعای آن بزرگوار، مجددا نقل نمودیم . ۵ / ۲۰ - جزا کما الله یا ابنی اخی بوجد کما من ذلک و مواساتکما ایای بانفسکما احسن جزاء المتقین . (۱۴۸) این فراز نیز در پیام شجاعت ، با ترجمه و توضیح و اشاره به منابع آن نقل گردید که هم پیام شجاعت دو جوانمرد سیف و مالک و هم ادعای امام درباره آنان است به پاس وظیفه و درک مسوولیتشان که حضرت برای آنان بهترین پاداش متقیان را از پیشگاه خداوند درخواست نموده است . ۶ / ۲۰ - رحمک الله یا مسلم ! فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا . (۱۴۹) (مسلم ! خدا رحمت کند، سپس

حضرت این آیه شریفه را تلاوت فرمود: بعضی از آنان به پیمان خود وفا نمودند و بعضی دیگر به انتظار نشسته اند و تغییر و تبدیلی در پیمانشان نداده اند). آنگاه که (مسلم بن عوسجه) آن صحابه پیر رسول خدا صلی الله علیه و آله با تن آلود بر روی خاک افتاد و هنوز رمقی از حیات در او بود، حسین بن علی علیه السلام به همراه حبیب بن مظاهر به بالینش آمد و چنین گفت: (رحمک الله یا مسلم... و حبیب بن مظاهر) هم چنین گفت: (مسلم! به خدا سوگند کشته شدن تو برای من سخت است اما به تو مؤذنه می دهم که چند لحظه دیگر وارد بهشت خواهی شد). مسلم با صدائی که به سختی شنیده می شد در پاسخ وی گفت: بشرک الله بخیر... اوصیک بهذا رحمک الله - و اوما الی الحسین علیه السلام - ان تموت دونه . (خداوند خیرت دهد، مسلم ضمن اینکه اشاره به امام حسین علیه السلام می کرد، گفت: وصیتم درباره این حضرت است؟ در یاریش تا سر حد جانبازی فداکاری کنی). ۲۰ / ۷ - جزتم من اهل بیت خیرا، ارجعی رحمک الله الی النساء، فاجلسی معهن فانه لیس علی النساء قتال . (عبدالله بن عمر مکی) یکی از یاران با وفای امام علیه السلام در دفع حمله دشمن، استقامت به خرج داد و دست راست و یکی از پاهایش قطع گردید و به اسارت دشمن درآمد و در مقابل صفوف دشمن، بدنش قطعه - قطعه گردید و به (قتل صبر) به شهادت رسید و سر او را بردند و به سوی خیمه ها انداختند. مادر عبدالله سر بریده فرزندش را برداشت و خاک و خون آن را پاک کرد و در حالی که عمود خیمه را به دست گرفته بود، به سوی دشمن حمله نمود. امام علیه السلام دستور داد تا او را به خیمه برگردانند و خطاب به وی فرمود: (جزیتم من اهل بیت خیرا...). (شما در راه حمایت اهل بیت (من)، به پاداش نیک نایل گردید، خدا رحمت کند، به خیمه برگرد که جهاد از شما زنان برداشته شده است). ۲۰ / ۸ - (اللهم سدد رميته و اجعل ثوابه الجنة). (۱۵۱) (خدایا! تیر او (ابوشعثاء) را به هدف برسان و پاداشش را بهشت قرار بده). (ابوشعثاء) که نامش (یزید) است، از تک تیراندازان و کمانداران معروف کوفه است که پس از سخنرانی امام علیه السلام و قبل از حر، توبه کرده و به یاران امام پیوست. او اول سواره به میدان رفت اما چون اسبش پی شد، به خیمه بازگشت و در مقابل خیمه ها زانو بر زمین زد و یکصد چوبه تیر که داشت همه را به سوی لشکر کوفه انداخت. امام چون توبه و شهادت او را دید، فرمود: اللهم سدد رميته و اجعل ثوابه الجنة . ۲۰ / ۹ - لا- یعدنک الله یا زهیر، ولعن الله قاتلک لعن الذین مسخهم قرده و خنازیر . (۱۵۲) (زهیر! خداوند تو را از رحمتش دور نگرداند و کشندگان تو را لعنت کند مانند کسانی که انسانیت خود را از دست داده و به صورت میمون و خوک درآمده اند). (زهیر بن قین) از یاران امام پس از یک حمله و جنگ شدید، به حضور امام برگشت در حالی که دستش را روی دوش آن حضرت گذاشته بود، مجدداً برای رفتن به میدان اذن گرفت در حالی که دو بیت شعر هم در هدایت یافتنش به وسیله امام می سرود، پس از آنکه از پای درآمد، امام علیه السلام در بالینش حاضر گردید و با جمله قبلی او را دعا نمود و دشمنانش را مورد لعن قرار داد. ۲۰ / ۱۰ - رحمک الله، انهم قد استوجبوا العذاب حین ردوا علیک ... (۱۵۳) (حفظه! خدا رحمت کند! این مردم، آنگاه که به سوی حق دعوتشان نمودی و پاسخ مثبت ندادند، سزاوار عذاب گردیدند...). این دعا را امام علیه السلام در حق (حفظه شبامی) فرمود که وی پس از موعظه و نصیحت اهل کوفه، به سوی خیمه ها برگشت و امام علیه السلام در تقدیر و تشویق وی، مطالبی فرمود که در ابتدای سخن، حضرت دعای فوق را در حقیقت نمود. ۲۰ / ۱۱ - اللهم بیض وجهه، و طیب ریحہ، و احشره مع الابرار، و عرف بینه و بین محمد و آل محمد . (۱۵۴) (خدا یا او (جون) را رو سفید، بدنش را خوشبو و با ابرار و نیکان محشورش گردان و در میان او و محمد و اهل بیتش، و آشنایی قرار بده). به طوری که در بخش پیام انتخاب آوردیم، از جمله کسانی که حسین بن علی علیه السلام به وی اذن خصوصی داد (جون) غلام آن حضرت بود که فرمود: جون! خود در راه ما مبتلا نکن، به همراه ما به امید راحتی آمده ای. (جون) چون این جمله را شنید، خود را به روی قدمهای آن حضرت انداخت و عرضه داشت: (یا بن رسول الله! آیا سزاوار است که من در هنگام راحتی و رفاه بر سر سفره شما بنشینم و در ایام ناراحتی و پیشامدها، دست از شما بردارم؛ بدن من بدبو، خاندانم ناشناخته و رنگم سیاه است، با رفتنم به بهشت برین، بر من منت بگذار تا بدنم خوشبو و رنگم سفید و حسب من به شرف و عزت نایل گردد). امام، این صفا و

صمیمیت را که از وی مشاهده فرمود، اجازه ماندن و شهادت را به او داد. زمانی که (جون) در روی خاک گرم کربلا قرار گرفت، فرزند امیرمؤمنان در کنار او نشست و با این جملات وی را دعا نمود؛ سخنانی که یاد آور گفتار و درخواست خود (جون) بود:

اللهم بیض وجهه، وطیب ریحه، و احشره مع الابرار. ۱۲ / ۲۰ - رب ان تک حبست عنا النصر من السماء فاجعل ذلک لما هو خیر، و انتقم لنا من هولاء الظالمین (۱۵۵)، الهی تری ما حل بنا فی العاجل فاجعله ذخیره لنا فی الاجل. (۱۵۶) پروردگارا! اگر در دنیا نصر و پیروزی آسمانی را بر ما نازل نکردی، در عوض این پیروزی بهتر از آن را نصیب ما بگردان و انتقام ما را از این ستمگران بگیر پروردگارا! تو خود شاهی آنچه در دنیا بر ما وارد شد پس آن را ذخیره آخرتمان قرار بده). این جمله را حضرت در حالی که یکی از اطفالش را در آغوش گرفته و (حرمه پسر کاهل اسدی) با انداختن تیری، گلوی او درید و حسین علیه السلام دستش را از خون گلوی او پر نموده و به طرف آسمان پاشید، ایراد فرمود. این بود دعای پیام حسین بن علی علیه السلام که در دوازده فقره و به مناسبت‌های مختلف از آن بزرگوار در جنگ و ستیز بودند و گاهی نیز جنبه خصوصی دارد و مورد خطاب و نفرین او اشخاص خاصی بودند. و اینکه از نفرین عمومی آن حضرت شروع می‌کنیم: ۱۳ / ۲۰ - لا افلح قوم اشتروا مرضاء المخلوق بسخط الخالق. (۱۵۷) (رستگار مباد: گروهی که خشنودی خلق را به خشم خالق مقدم می‌دارند). (ابن زیاد) از ورود امام حسین علیه السلام به سرزمین کربلا - به وسیله (حربن یزید)، و مطلع، و طی نامه‌ای به آن حضرت چنین نوشت: (اما بعد، من از ورود شما به کربلا آگاهی یافتم و امیرمؤمنان (یزید) به من دستور داده است که سر به بالین راحت نگذارم و شکم از غذا سیر نمایم تا اینکه یا تو را به قتل برسانم، و یا فرمان من و حکومت یزید را بپذیری و السلام). هنگامی که این نامه به دست امام علیه السلام رسید، آن را بر زمین انداخت و فرمود: (لا افلح اشتروا مرضاء المخلوق بسخط الخالق). ۱۴ / ۲۰ - اللهم احبس عنهم قطر السماء، و ابعث علیهم سنین کسنی یوسف، و سلط علیهم غلام ثقیف یسقیهم کاء سا مصبره، فلا یدع فیهم احدا، قتله بقتله و ضربه بضره، یتقم لی و لاولیائی و اهل بیتی و اشیاعی منهم، فانهم غرونا و کذبونا و خذلونا و انت ربنا، علیک توکلنا و الیک انبنا و الیک المصیر. (۱۵۸) (خدایا! قطرات باران را از آنان قطع کن و سالهایی (سخت) مانند سالهای (گرسنگی اهل مصر) در دوران یوسف را بر آن بفرست و غلام ثقفی را بر ایشان مسلط فرما تا با کاسه تلخ، سیرایشان کند و کسی را از آنان بدون مجازات رها نسازد، در مقابل قتل، به قتلشان برساند و ضاربین را با ضرب و جرح، مجازات کند، انتقام من و خاندانم و پیروانم را از آنان بستاند؛ زیرا آنان مکر کرده و ما را تکذیب و در مقابل دشمن، رها نمودند و تویی پروردگار ما، بر تو توکل کرده ایم و بر گشت ما به سوی توست). امام علیه السلام در روز عاشورا پس از آنکه دومین بار در طی خطبه‌ای اهل کوفه را موعظه و نصیحت فرمود و گذشته آنان را ترسیم نمود و از آینده تلخ و بدبختی آنان خبر داد، ولی آنان به موعظه و نصیحت فرزند رسول خدا اعتنائی ننمودند و در تصمیمشان بر کشتن آن حضرت، تردیدی به خود راه ندادند، امام علیه السلام دستهای خود را به آسمان بلند کرد و آنان را با جملاتی که نقل نمودیم، نفرین کرد. (اللهم احبس عنهم قطر السماء...). ۱۵ / ۲۰ - اللهم انا اهل بیت نیک و ذریته و قرابته، فاقصم من ظلمنا و غصبا حقنا، انک سمیع قریب. (۱۵۹) بنابر نقل (خوارزمی) امام علیه السلام این نفرین را در عصر تاسوعا خطاب به عمر سعد و لشکریانش ایراد فرمود: (خدایا! ما اهل بیت پیامبر تو و فرزندان عشیره او هستیم. خدایا! کسانی را که به ما ظلم نمودند و حق ما را غصب کردند، هلاکشان کن که تو بر دعای بندگان شنوا و به آنان نزدیک هستی). خوارزمی اضافه می‌کند (محمد بن اشعث) که در صف مقدم سپاهیان دشمن بود و نفرین امام را می‌شنید، جلو آمد و به آن حضرت چنین گفت: (ای قرابه بینک و بین محمد!؟). (در میان تو و محمد چه قوم و خویشی هست!؟). امام علیه السلام که این انکار صریح و لجاجت را در راه او مشاهده نمود، این چنین نفرینش کرد: ۱۶ / ۲۰ - (اللهم فارنی فی هذا الیوم ذلا - عاجلا). (۱۶۰) (خدایا! همین امروز، ذلت عاجل و زود رس او را بر من آشکار کن). (محمد بن اشعث) پس از چند دقیقه برای قضای حاجت از صف لشکریان فاصله گرفت و در گوشه‌ای نشست، در این هنگام عقربی او را نیش زد و در حالی که لباسش آلوده به نجاست شده، بود رهایش نمود)

سه نفرین به یک مناسبت

هنگام اعزام حضرت علی اکبر به میدان جنگ و در موقع شهادتش حسین بن علی علیه السلام دو نفرین عمومی خطاب به لشکریان کوفه و یک نفرین خصوصی، خطاب به عمر سعد ایراد نموده اند؛ بدین توضیح که هنگام میدان رفتن علی بن الحسین، پدر ارجمندهش در حالی که سیل اشک از چشمانش جاری می شد، محاسن مبارک را به سوی آسمان بلند کرد و چنین گفت: اللهم اشهد علی هولاء فقد برز الیهم اشبه الناس برسولک محمد صلی الله علیه و آله خلقا و خلقا و منطلقا و کنا اذا اشقنا الی رؤیة نبیک نظرنا الیه. (بارالها بر این مردم گواه باش، جوانی که در صورت و سیرت و گفتار شبیه ترین مردم به پیغمبرت (درود خدا بر او و خاندانش باد) بود، به جنگ آنان رفت؛ پرودگارا ما هرگاه به دیدن پیامبرت مشتاق می شدیم به این جوان نگاه می کردیم).

آنگاه چنین نفرین نمود: ۱۷ / ۲۰ - اللهم فامنعم برکات الارض، و فرقههم تفریقا، و مزقههم تمزیقا، واجعلهم قددا، و لا ترض الولاية عنهم ابدا، فانهم دعونا لینصرونا ثم علینا یقاتلوننا... (خدایا! این مردم (ستمگر) را از برکات زمین محروم و به تفرقه و پراکندگی، مبتلا بگردان. صلح و سازش از میان آنان و فرمانروایانشان بردار که ما را با وعده یاری و نصرت، دعوت نمودند، سپس به جنگ با ما برخاستند...). و آنگاه که حضرت علی اکبر خواست از خیمه ها جدا شود، امام علیه السلام بر عمر سعد بانگ زده و چنین نفرین نمود: ۱۸ / ۲۰ - مالک؟ قطع الله رحمک کما قطعت رحمی کما قطعت رحمی، و لم تحفظ قرابتی من رسول الله صلی الله علیه و آله، و سلط علیک من یدبحک علی فراشک. (۱۶۱) (تو را چه شده است؟ خدا رحم و قرابت تو را قطع کند (و در میان قوم و خویش، منفور و مطرود گردی) همانگونه که تو قرابت و خویشاوندی مرا قطع نموده و حرمت قرابت مرا با پیامبر صلی الله علیه و آله حفظ نکردی و خداوند کسی را بر تو مسلط گرداند که در میان رختخوابت سر از تنت جدا کند). چون در بالین فرزند عزیزش نشست، چنین گفت: ۱۹ / ۲۰ - قتل الله قوما قتلوک! یا بنی ما اجراهم علی الله و علی انتهاک حرمة رسول الله، علی الدنیا بعدک العفا. (۱۶۲) (خدا بکشد مردم ستمگری را که تو را کشتند، فرزندم! اینها چقدر به خدا و هتک حرمت رسول او جری شده اند، پس از تو خاک بر سر دنیا!). ۲۰ / ۲۰ - بعد لقوم قتلوک، و من خصمهم یوم القیامة فیک جدک و ابوک. (۱۶۳) (دور باد از رحمت خدا گروهی که تو را به قتل رسانیدند و در روز رستاخیز دشمن آنان جدت و پدرت باد). این نفرین را امام علیه السلام در بالین حضرت (قاسم بن حسن)، آنگاه که با بدن قطعه - قطعه، به روی خاک افتاده بود، ایراد نموده است. پیکر فرزند برادرش را به سوی خیمه ها حمل نمود و در میان خیمه شهدا و در کنار جنازه فرزندش علی اکبر قرار داده، سپس این چنین نفرین نمود: ۲۱ / ۲۰ - اللهم احصهم عددا، و لا تغادر منهم احدا، و لا تغفر لهم ابدا. (۱۶۴) (خدایا! همه آنان را گرفتار بلا و عذاب خویش بگردان و کسی را از آنان باقی نگذار و هیچگاه مشمول مغفرت خویش قرار مده).

نفرینهای شخصی

۲۲ / ۲۰ - مالک! ذبحک الله علی فراشک سریعا عاجلا، و لا غفرلک یوم حشرک و نشرک، فوالله انی لارجو ان لا تاکل من بر العراق الا یسیرا. (۱۶۵) امام علیه السلام قبل از شب عاشورا پیشنهاد ملاقات با (عمر سعد) نمود و این ملاقات با تشریفات انجام پذیرفت و آن حضرت، عمر سعد را موعظه و نصیحت نمود که در بخش اتمام حجت خصوصی، اشاره نمودیم و در پایان چون امام علیه السلام سکوت عمر بن سعد را مشاهده نمود از وی روی گرداند و چنین فرمود: (مالک ذبحک الله علی فراشک...).

(فرزند سعد! چرا این قدر در راه شیطان پافشاری می کنی؟! خدا هر چه زودتر در میان رختخوابت تو را بکشد و در قیامت گناه تو را نبخشد، امیدوارم که از گندم عراق نخوری مگر به اندازه کم (یعنی عمرت کوتاه باد)). ۲۳ / ۲۰ - اللهم حزه الی النار. (۱۶۶) (خدایا! او را به سوی آتش بکش). هنگام نزدیک شدن عده ای از لشکریان به خیمه ها، مردم به نام (عبد الله بن حوزة) جلو آمد

و با صدای بلند گفت: (اے فیکم حسین؟! آیا حسین بن در میان شماست؟). یکی از یاران آن حضرت در حالی که به امام اشاره می نمود، گفت: این است حسین، چه می خواهی؟ او به امام گفت: (ابشر بالنار!!، بر تو باد مژده آتش!!). امام پاسخ داد دروغ می گویی، من به سوی خدای کریم و بخشنده و مطاع می روم، تو کیستی؟ گفت: (ابن حوزة). در اینجا بود که امام علیه السلام او را نفرین نمود: (اللهم حزه الی النار). (خدایا! او را به سوی آتش بکش). (ابن حوزة) از نفرین امام خشمناک شده و بر اسب خویش سوار گردید و بر آن تازیانه زد، اسب به سرعت حرکت نمود و ابن حوزة در اثر سرعت اسب، به زمین افتاد ولی پایش در رکاب، گیر کرد، اسب رم نمود و او را به این طرف و آن طرف کشاند و بالاخره به سوی خندقی که در آن آتش روشن شده بود، کشاند و بدن مجروح و نیمه جان ابن حوزة به گودال افتاد و در میان آتش سوخت امام با دیدن این جریان، سر به سجده نهاد و برای استجابت نفرینش، سجده شکر به جای آورد. (۱۶۷) ۲۴ / ۲۰ - اللهم اقلله عطشا، و لا- تغفر له ابدا. (۱۶۸) (خدایا! او را با تشنگی بمیران و هیچگاه نیامرز). یکی از لشکریان عمر به نام (عبدالله بن حصین ازدی) با صدای بلند خطاب به حسین بن علی علیه السلام چنین گفت: (یا حسین! این آب فرات را می بینی که همانند آسمان سبز و شفاف است، ولی به خدا نخواهیم گذاشت حتی یک قطره از آن به گلویت تا از تشنگی بمیری!!). در اینجا امام را نفرین کرد که: (اللهم اقلله عطشا، و لا- تغفر له ابدا). (بلاذری) (نقل می کند که (ابن حصین) به مرض عطش مبتلا گردید و هر چه آب می خورد، سیراب نمی شد تا به هلاکت رسید و بدینگونه نفرین امام درباره او مستجاب گردید. الحمد لله الذی استجاب دعاء ولیه علی عدوه، و جعلنا من اولیائه و شیعتہ. با پایان یافتن بخش پیام دعا و نفرین امام علیه السلام، (پیام عاشورا) نیز به پایان می رسد، ولی مطالب زیادی از جمله ادعیه و مناجات امام که بخش زیبایی از پیامهای فرزند رسول خدا را تشکیل می دهد، به محل دیگر و مجموعه بزرگی موکول می گردد. این مجموعه در شب جمعه، ۱۵ شهر رجب المرجب ۱۴۱۷ مطابق با ۹ آذرماه ۱۳۷۵ صورت اختتام پذیرفت. پایان

پی نوشتها

۸۹ تا

- ۱- اخیرا آقای (نجفقلی حبیبی) در یک کتابشناسی، ۸۷۸ عنوان کتاب درباره حسین بن علی (علیهما السلام) معرفی نموده است، که این عناوین، فقط بخشی از تالیفات در این موضوع است که در دسترس این نویسنده گرامی قرار گرفته است. از باب مثال، نوشته حقیر (خطبه حسین بن علی (علیهما السلام) در منی) و (سخنان حسین بن علی (علیهما السلام)) را معرفی نموده است ولی چون ترجمه های کتاب اخیر را که به (زبان آذری) در (استانبول) و به (زبان اردو) در بمبئی) چاپ شده، به دستشان نرسیده، نیاورده است. ۲- کامل الزیارت / ۲۱۶. ۳- مقتل خوارزمی ۱/۱۸۴ و لهوف / ۱۰. ۴- کامل ابن اثیر ۳/۲۸۰. ارشاد مفید / ۲۲۵. مقتل خوارزمی ۱/۲۳۲ و مناقب ۴/۸۸. ۵- طبری ۶/۲۳۸. ارشاد ۲۳۱/ و مقتل خوارزمی ۱/۲۴۶. ۶- مقتل خوارزمی ۱/۲۴۹. ۷- طبری ۶/۲۰۰. ۸- مقتل عوالم ۱۷/۱۷۷، در مقتل خوارزمی عبارت مذکور چنین است (الثقل الذی خلفته فی امتک). ۹- عوالم ۱۷/۱۷۷. ۱۰- مقتل مرقم ۱۸۵/ و خوارزمی ۱/۱۸۶. ۱۱- (بیضه) به کسرباء، یکی از منازلی است که در مسیر مدینه به سوی کوفه و در بین منزل (شراف و رهیمه) قرار داشت. ۱۲- مقتل مرقم ۲۲۸/ ۱۳- مقتل مرقم، ۲۲۸/ و مقتل خوارزمی ۳/۲۵۳. ۱۴- طبری ۶/۱۹۸. کامل ابن اثیر ۳/۲۶۷. ارشاد ۲۰۴/ و مقتل خوارزمی ۱/۱۹۵. ۱۵- مقتل مرقم / ۱۷۹. امالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳۰/۱۳۱ و مقتل خوارزمی ۱/۲۲۱. ۱۶- اسراء ۷۱/ ۱۷- طبری ۶/۲۲۹ و کامل ابن اثیر ۳/۲۸۰. انساب الاشراف ۳/۱۷۱. ۱۸- مقتل خوارزمی ۲/۶ و تحف العقول / ۱۷۳. ۱۹- مقتل خوارزمی ۲ / ۶ و تحف العقول / ۱۷۳. ۲۰- مقتل مرقم / ۱۶۸. طبری ۶/۲۱۷ و کامل ابن اثیر ۳/۲۷۶. ۲۱- لعوف / ۲۶ و مشیر الا حزان / ۴۱. ۲۲- مقتل مرقم / ۱۶۶. انساب الاشراف ۳/۱۶۴. طبری ۶ / ۲۱۷ و کامل الزیارات / ۷۲.

۲۳- مقتل مقرر / ۱۷۵. ابن عساکر / ۲۱۱ و البداية و النهاية / ۸ / ۱۶۹. ۲۴- ارشاد مفید / ۲ / ۷۶ و ابن عساکر / ۲۱۱. ۲۵- مقتل مقرر / ۲۱۳. تاریخ طبری / ۶ / ۲۳۹. کامل ابن اثیر / ۳ / ۲۸۵. ۲۶- کتاب خطبه حسین بن علی (ع) در منی / ۵۵، ۷۰، ۷۶ و ۲۷۷- مقتل مقرر / ۱۳۳. مقتل خوارزمی / ۱ / ۱۸۴. لهوف / ۲۰ / ۲۰. مثیر الاحزان / ۲۵. مقتل عوالم / ۱۷ / ۱۷۵. لهوف / ۱۱ و بحارالانوار / ۴۴ / ۳۲۶. ۲۸- لهوف / ۱۰ / ۱۰. مقتل / ۱۳۱. مقتل خوارزمی / ۱ / ۱۸۴. بحارالانوار / ۴۴ / ۳۲۵ و عوالم / ۱۷ / ۱۷۴. ۲۹- مقتل مقرر / ۱۹۳. طبری / ۶ / ۲۲۹. تحف العقول / ۱۷۴ و خوارزمی / ۱ / ۲۳۷. ۳۰- مقتل مقرر / ۲۲۷ - ۲۲۸ و مقتل خوارزمی / ۱ / ۲۵۳. ۳۱- مقتل خوارزمی / ۲ / ۶. ۳۲- همان مدرک / ۲ / ۷. ۳۳- تحف العقول / ۲۴۱. ۳۴- یونس / ۳۵. ۳۵- لهوف / ۱۰. بحارالانوار / ۴۴ / ۳۲۵ و عوالم / ۱۷ / ۱۷۴. ۳۶- مقتل عوالم / ۱۷ / ۱۷۸ و خوارزمی / ۱ / ۱۸۸. ۳۷- بحارالانوار / ۴۴ / ۱۹۲. ۳۸- مقتل خوارزمی / ۱ / ۲۵۳. ۳۹- مقتل مقرر / ۲۳۴. مقتل خوارزمی / ۲ / ۷ - ۸ این فراز را ابن ابی الحدید / ۳ / ۲۴۹ از امام سجاد علیه السلام نقل نموده است. ۴۰- مقتل مقرر / ۲۴۰. ۴۱- مقتل مقرر / ۲۴۴. ۴۲- نفس المهموم / ۲۳۰. ۴۳- نفس المهموم / ۳۴۹. ۴۴- بحارالانوار / ۴۴ / ۱۹۲ و مناقب / ۴ / ۶۸. ۴۵- مقتل مقرر / ۱۸۴ و مقتل خوارزمی / ۱ / ۲۳۳. ۴۶- مقتل مقرر / ۲۳۵ و مقتل خوارزمی / ۲ / ۷. ۴۷- مقتل مقرر / ۱۸۰. ابن عساکر / ۱۶۴. مقتل خوارزمی / ۱ / ۲۳۳ و مناقب / ۴ / ۹۵. ۴۸- مقتل مقرر / ۲۷۴. مثیر الاحزان / ۷۲ و مقتل عوالم / ۱۷ / ۲۹۳. ۴۹- مقتل عوالم / ۱۷ / ۲۹۲. ۵۰- مومنون / ۱۱۱. ۵۱- مقتل مقرر / ۲۱۷. طبری / ۶ / ۲۴۰. کامل ابن اثیر / ۳ / ۲۸۶ و ارشاد مفید / ۲۳۲. ۵۲- مقتل مقرر / ۲۱۸. ۵۳- مقتل مقرر / ۲۷۶ و نفس المهموم / ۳۵۵. ۵۴- مقتل مقرر / ۲۲۵. کامل الزیارات / ۷۳ و اثبات الوصیة / ۱۳۹. ۵۵- معانی الاخبار / ۲۸۹ و کامل الزیارات / ۳۷ و اثبات الوصیة / ۱۹۳. ۵۶- همان. ۵۷- عوالم / ۱۷ / ۲۵۵. ۵۸- مقتل مقرر / ۲۴۶. ۵۹- مقتل خوارزمی / ۲ / ۲۴. ۶۰- مقتل خوارزمی / ۲ / ۲۵. طبری / ۲۵۴ / ۶. کامل ابن اثیر / ۳ / ۲۹۲ و لهوف / ۹۶. ۶۱- مقتل مقرر / ۲۶۵. ۶۲- کامل ابن اثیر دار صادر / ۴ / ۷۷ و ارشاد / ۲۴۱. ۶۳- آل عمران / ۱۰۴. (باید از میان جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آنان رستگارانند). ۶۴- توبه / ۷۱. (مردان و زنان با ایمان، ولی (یار و یاور) یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند). ۶۵- ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر... فریضة عظيمة بها تقام الفرائض و تامن المذاهب و تحل المكاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و ينتصف من الاعداء و يستقيم الامر. (وسائل / ج ۱، کتاب امر به معروف و نهی از منکر / ۳۹۵). ۶۶- مقتل مقرر / ۱۸۵. طبری / ۶ / ۲۲۹. کامل ابن اثیر. و مقتل خوارزمی / ۱ / ۲۲۹. ۶۷- مائده / ۶۳ و ۷۸ - ۷۹. ۶۸- توبه / ۷۱. ۶۹- خطبه حسین بن علی علیه السلام در منی / ۶۴ - ۶۸. ۷۰- خطبه حسین بن علی علیه السلام در منی / ۶۹ - ۷۰. ۷۱- خطبه حسین بن علی علیه السلام در منی / ۷۱. ۷۲- مقتل خوارزمی / ۱ / ۱۸۶ و عوالم / ۱۷۷. ۷۳- مقتل مقرر / ۱۳۹. ۷۴- مقتل مقرر / ۱۴۱ - ۱۴۲ و طبری / ۶ / ۲۰۰. ۷۵- مقتل مقرر / ۱۸۵. طبری / ۶ / ۲۲۹. کامل ابن اثیر / ۳ / ۲۸۰ و خوارزمی / ۱ / ۲۳۴. ۷۶- بقره / ۳. ۷۷- ابراهیم / ۴۰. ۷۸- لقمان / ۱۷. ۷۹- مریم / ۳۱. ۸۰- فان قبلت ماسواها... بحارالانوار ج ۸۳ / ۲۵. ۸۱- ارشاد مفید / ۲۳۰. طبری / ۶ / ۲۳۸ و کامل ابن اثیر / ۳ / ۲۸۵. ۸۲- همان / ۸۳. مقتل مقرر / ۲۴۴. طبری / ۶ / ۲۵۱. کامل ابن اثیر / ۳ / ۲۹۱. ۸۴- همان / ۸۵. مقتل مقرر / ۲۴۶. ۸۵- مقتل عوالم / ۱۷ / ۸۸. لهوف / ۹۵. مثیر الاحزان و تنقیح المقال مامقانی شرح حال سعید بن عبدالله. ۸۶- مقتل مقرر / ۲۴۸. مقتل عوالم / ۱۷ / ۸۸. لهوف / ۹۵ و مثیر الاحزان. ۸۷- نساء / ۵۹. ۸۸- تحف العقول / ۲۳۷. ۸۹- لهوف / ۵۰.

۱۶۸۶۹۰

۹۰- مقتل مقرر / ۱۸۹ با اختلاف مختصر در متن طبری / ۷ / ۳۰۶. کامل ابن اثیر / ۳ / ۲۸۲ و امالی صدوق، مجلس ۳۰. ۹۱- مقتل مقرر / ۱۹۰. عقاب الاعمال، شیخ صدوق، به پاورقی آقای غفاری / ۴۰۹. رجال کشی / ۷۴. ۹۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید / ۳ / ۱۷۰ و وقعه صفین / ۱۴۰. ۹۳- حدید / ۱۲. ۹۴- بحارالانوار / ۳۴۷ / ۴۴. لهوف / ۵۳ و مثیر الاحزان / ۴۱. ۹۵- طبری / ۶ / ۲۳۸. کامل ابن اثیر / ۳ / ۲۸۵ و مقاتل الطالبین / ۸۲. ۹۶- مقتل مقرر / ۲۱۹. ۹۷- بحارالانوار / ۴۵ / ۲۹. تنقیح المقال / ۲ / ۷۸. طبری / ۶ / ۲۵۳

و ابن اثیر ۳ / ۲۹۲. ۹۸- مقتل مرقم / ۲۳۴، متن مشروح این خطبه را در سخنان حسین بن علی علیه السلام نقل نموده ایم ، مراجعه شود. ۹۹- مقتل عوالم ۱۷ / ۲۵۸. مقتل مرقم / ۲۴۵، امالی صدوق رحمه الله علیه ، مجلس ۳۰ و خوارزمی ۲ / ۱۱. ۱۰۰- طبری ۶ / ۲۲۶ و ارشاد مفید / ۲۳۱. ۱۰۱- مقتل مرقم / ۲۱۳. طبری ۶ / ۲۳۸ - ۲۳۹ و کامل ۳ / ۲۷۸ و ۲۸۵. ۱۰۲- مقتل مرقم / ۲۱۳. ۱۰۳- لهوف / ۹۵. ابصارالعین / ۱۰۵. مثير الاحزان / ۶۳. ۱۰۴- مقتل مرقم / ۲۱۴. ۱۰۵- طه / ۱۳۴. ۱۰۶- مقتل مرقم / ۲۲۷ - ۲۲۸. ۱۰۷- این دو سخنرانی با اختلاف جزئی در طبری ۶ / ۲۴۲ - ۲۴۳. کامل ابن اثیر ۳ / ۲۸۷ - ۲۸۸، ارشاد مفید / ۲۳۴ و مقتل خوارزمی ۱ / ۲۵۳ و ۲ / ۶ - ۸ آمده است. ۱۰۸- مقتل خوارزمی ۲ / ۶. ۱۰۹- مقتل مرقم / ۲۳۴ - ۲۳۵. ۱۱۰- مقتل خوارزمی ۲ / ۳۳. ۱۱۱- مقتل مرقم / ۱۸۹. طبری ۶ / ۲۳۱. مقتل خوارزمی ۱ / ۲۲۶ - ۲۲۷. ۱۱۲- مقتل مرقم / ۲۰۵ و مقتل خوارزمی ۱ / ۲۴۵. ۱۱۳- مقتل مرقم / ۲۳۵. مقتل خوارزمی ۲ / ۸ و عوالم ۱۷ / ۲۵۳. ۱۱۴- مقتل مرقم / ۲۴۰. طبری ۶ / ۲۴۹. کامل ابن اثیر ۳ / ۲۹۰ و مقتل خوارزمی ۲ / ۱۵ با تفاوت مختصر در متن. ۱۱۵- مقتل مرقم / ۲۴۰ و لهوف / ۹۰. ۱۱۶- مقتل خوارزمی ۲ / ۳۲. ۱۱۷- مقتل مرقم / ۲۴۶. ۱۱۸- زخرف / ۲۵. ۱۱۹- مقتل مرقم / ۱۶۸. طبری ۶ / ۲۱۷ و کامل ابن اثیر ۳ / ۲۷۶. ۱۲۰- مقتل مرقم / ۱۶۸. طبری ۶ / ۲۱۷ و کامل ابن اثیر ۳ / ۲۷۶. ۱۲۱- مقتل مرقم / ۱۸۱ و ارشاد مفید / ۲۲۳. ۱۲۲- مقتل مرقم / ۱۸۵. مقتل خوارزمی ۱ / ۲۶۶ و لهوف ۶۲. ۱۲۳- مناقب ۴ / ۱۰۸. ۱۲۴- مقتل مرقم / ۱۶۶. لهوف / ۵۳. مثير الاحزان / ۴۱ و مقتل خوارزمی ۲ / ۱۲۵. ۱۲۵- در (ابصار العین سماوی) آمده است که: (نواویس) در اصل به معنای (مقبره مسیحیان) است و منظور از آن در اینجا قریه ای است که در گذشته در نزدیکی کربلا قرار داشته و در کتاب (الامام الحسین و اصحابه) جلد اول، صفحه ۸ می گوید: آنچه از کلمات ظاهر می شود، (نواویس) قریه ای است که (بنوریاح) قبیله حربین یزید ریاحی در آنجا سکونت داشته اند و هم اکنون قبر حر در آنجا قرار دارد. ۱۲۶- کامل الزیارات / باب ۲۳ / ح ۲۰. ۱۲۷- کامل الزیارات / باب ۲۳ / ح ۲۰. ۱۲۸- ترجمه حسین بن علی علیه السلام در تاریخ ابن عساکر و تاریخ الاسلام ذهبی. ۱۲۹- مقتل مرقم / ۱۸۱ کامل الزیارات باب ۲۳ / ح ۱۹. ۱۳۰- مقتل مرقم / ۱۹۱. انساب الاشراف ۳ / ۱۸۵. طبری ۶ / ۲۱۳ و کامل ابن اثیر ۳ / ۲۸۲. ۱۳۱- مقتل مرقم / ۱۹۱. انساب الاشراف ۳ / ۱۸۵. طبری ۶ / ۲۳۱ و کامل ابن اثیر ۳ / ۲۸۲. ۱۳۲- تاریخ طبری ۵ / ۴۱۶. ارشاد مفید / ۲۰ و کامل ابن اثیر ۴ / ۵۶. ۱۳۳- نفس المهموم / ۲۳۰. ۱۳۴- نفس المهموم / ۲۳۴ و مقتل خوارزمی ۱ / ۲۵۲. ۱۳۵- تاریخ طبری ۶ / ۲۲۹ (۱۳۶- عمرو بن سعید بن عاص) از طرف یزید امیر الحجاج بود و در مکه حضور داشت و برای اینکه بتواند حسین بن علی علیه السلام را از سفر عراق منصرف سازد و بر او در اقامت در مکه اطمینان بدهد، نامه ای را به وسیله برادرش (یحیی بن سعید و عبد الله بن جعفر) به آن حضرت فرستاد. ۱۳۷- کامل الزیارات ، باب ۲۳ / ح ۲۰. ۱۳۸- ارشاد مفید / ۲۱۸. کامل ابن اثیر ۳ / ۲۷۶. طبری ۶ / ۲۱۸ و البداية و النهایة ۸ / ۱۶۶. ۱۳۹- ارشاد مفید / ۲۱۸. ۱۴۰- مقتل مرقم / ۱۸۷. طبری ۶ / ۲۳۰ - ۲۳۱. و کامل ابن اثیر ۳ / ۲۸۱. ۱۴۲- خوارزمی ۱ / ۲۳۴. طبری ۶ / ۲۳۲. و کامل ۳ / ۲۸۱. ۱۴۱- مقتل مرقم / ۱۸۷. طبری ۶ / ۲۳۰ - ۲۳۱. و کامل ابن اثیر ۳ / ۲۸۱. ۱۴۴- احزاب / ۲۳. (بعضی مومنان) پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند)، و بعضی دیگر در انتظارند؛ و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد پیمان خود ندادند. ۱۴۵- مقتل مرقم / ۱۹۱. طبری ۶ / ۲۳۲. کامل ابن اثیر ۳ / ۲۸۲. ۱۴۶- مقتل مرقم / ۲۴۴. طبری ۶ / ۲۵۱ و کامل ۳ / ۲۹۱. ۱۴۷- ارشاد مفید / ۲۳۱. تاریخ طبری ۶ / ۲۳۸. و مقتل خوارزمی ۱ / ۲۴۷ و مقاتل الطالبیین / ۸۲. ۱۴۸- بحار الانوار ۴۵ / ۲۹. طبری ۶ / ۲۵۳ و ابن اثیر ۳ / ۲۹۲. ۱۴۹- مقتل خوارزمی ۲ / ۱۵. طبری ۶ / ۲۴۹. لهوف / ۴۶ و ابن اثیر ۳ / ۲۹۰. ۱۵۰- طبری ۶ / ۲۴۶. ابصار العین / ۱۰۷. ۱۵۱- مقتل خوارزمی ۲ / ۱۵۲. ۱۵۲- مقتل خوارزمی ۲ / ۲۰ و ابصار العین / ۹۹. ۱۵۳- مقتل مرقم / ۲۵۱. طبری ۶ / ۲۵۴ و کامل ۳ / ۲۹۲. ۱۵۴- بحار الانوار ۴۵ / ۲۳ و ابصار العین / ۱۰۵. ۱۵۵- طبری ۶ / ۲۵۷. ۱۵۶- تظلم الزهرا / ۲۰۳. ۱۵۷- مقتل خوارزمی ۱ / ۲۳۹ و بحار الانوار ۴۴ / ۳۸۳. ۱۵۸- مقتل خوارزمی ۲ / ۸. لهوف / ۴۳. بحار الانوار ۴۵ / ۱۰ و عوالم ۱۷ / ۲۵۲. ۱۵۹- مقتل خوارزمی ۱ / ۲۴۹. ۱۶۰- مقتل خوارزمی ۱ / ۲۴۹. ۱۶۱- مقتل

مقرم / ۲۵۷ - ۲۵۸. خوارزمی / ۲ / ۳۰ - ۳۱. ارشاد / ۲۳۸. لهوف / ۲۳۸. لهوف / ۹۹. و طبری / ۶ / ۲۵۶. ۱۶۲- مقتل خوارزمی / ۲ / ۳۱. ۱۶۳- ارشاد مفید / ۲۳۹. ۱۶۴- مقتل مقرم / ۲۶۵. ۱۶۵- مقتل خوارزمی / ۱ / ۲۴۵. ۱۶۶- انساب الاشراف / ۳ / ۱۹۱. مقتل خوارزمی / ۱ / ۴۳۱ و کامل ابن اثیر / ۴ / ۲۷. ۱۶۷- مقتل خوارزمی / ۱ / ۲۴۹. انساب الاشراف / ۳ / ۱۹۱. کامل / ۴ / ۲۷ و تاریخ ابن عساکر / ۲۵۶. ۱۶۸- انساب الاشراف / ۳

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۵۲۰۲۶۰۱۰۸۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل:

www.eslamshop.com فروشگاه اینترنتی: تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲
 (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه
 بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به
 رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی
 این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان
 بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۵۳۳۱-۶۲۷۳-۵۳-
 ۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰-۰-IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد
 بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :-
 هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی
 دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در گرم کردن، از تو سزاوارترم.
 فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که
 لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام
 یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه
 کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه
 می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن
 بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است؛ یعنی هر
 که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز
 بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری
 مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

